



سال پنجم - پنجشنبه ۹ فروردین ماه ۱۳۶۳ - شماره ۱۰۰ ریال (خارج کشور معادل یک دلار)

شماره ۱۹۶

مصاحبه های

برادر مجاهد مسعود رجوی

با روزنامه "اونیتا"

و

مجله "الوطن العربی"

در صفحات ۱۴ و ۱۱

پیام نوروزی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت آغاز سال ۱۳۶۳

بدینگونه خمینی - این دشمن نوروز و روشنائی و دشمن بهار و زندگی - بر آن است تا با جنایاتی هزاران بار بیشتر از ضحاک ماردوش، زمستان تاریکی و اختناق خود را هر چه طولانی تر نموده و مانع "تحویل" آن به بهاران فرخنده‌ی صلح و آزادی گردد. غافل از آنکه نوروز بهر حال آمدنی است و در جهان هیچ نیروئی نیست که بتواند مانع شکفتن گُلها و بقیه در صفحه ۲

بزرگداشت همدی شهدا و اسیران مقاومت خلق در سالی که گذشت، به فرد فرد شما تبریک و تهنیت میگویند. در آستانه‌ی سومین بهار سرخ قام مقاومت سراسری، رژیم خمینی از همگان دعوت کرده است تا بهنگام "تحویل سال" در گورستانها حضور بهم رسانند. برآستی هم که این دیکتاتوری جنگ افروز ارتجاعی هیچ دستاورد و پیامی جز "گورستان" و "جز مرگ و تباهی نداشته و ندارد."

بنام خدا
بنام ایران، بنام "صلح و آزادی"

بنام همدی شهدا و پرچمداران جاودان مقاومت ایران، مردم مقاوم ایران، هموطنان عزیز؛
شورای ملی مقاومت ایران و کلیدی نیروها و شخصیت‌های عضو آن، خجسته نوروز ۱۳۶۳ را با

برادر مجاهد علی زرکش

(در مصاحبه با مجله تایم):

آخوندهای حاکم

با انفجار قهر آمیز همان خمشی که

در ابتدا آنها را به اریکه قدرت

رساند، ساقط خواهند شد...

* علی زرکش که ۳۴ سال دارد، در مخفیگاه خود در تهران به یک خبرنگار ایرانی گفت: "ما با خمینی به شیوه‌ی خودمان برخورد می‌کنیم. ما سراپای دستگاه نظامی - پلیسی او را به فلج رشد یابنده‌ای می‌کشانیم و آرام و سنجیده نفس رژیمش را بند می‌آوریم." زرکش که نفر اول در لیست سیاه خمینی است، همچنان معتقد است که آخوندهای حاکم با انفجار قهر آمیز همان خمشی که در ابتدا آنها را به اریکه قدرت رساند، ساقط خواهند شد.

در صفحه ۳

نامه آقای جلال طالبانی

دبیرکل اتحاد میهنی

کردستان (عراق)

به

برادر مجاهد مسعود رجوی

* بر شما پوشیده نیست که تلاش باند مرتجع خمینی در تحمیل سلطه‌ی دیکتاتوری مطلقه‌اش زیر پرده‌ی ولایت فقیه علیه خلق‌های مسلمان، خطر بزرگی را علیه مبارزات این خلق‌ها برای آزادی و دمکراسی و حق تعیین سرنوشت توسط خودشان و چشم‌انداز این خلق‌ها در جهت زندگانی پیشرفته‌ی عصر و ترقی و پیوستن به کاروان تمدن جهانی بوجود می‌آورد.

* ما لیبیم با اطلاع‌تان برسانیم که رهبری اتحاد میهنی کردستان به گفتگوهایش با دولت عراق در جهت دستیابی به دمکراسی و خودمختاری برای کردستان بنحوی که وحدت ملی عراق را تحکیم بخشد... ادامه میدهد.

* در احساسات شما نسبت به تأسفباری و مصائب جنگ ویرانگر بین ایران و عراق سهیم هستیم - جنگی که در خدمت هیچکس جز استعمار و صهیونیسم و ارتجاع نیست - آرزومندی و رغبت خود را نسبت به پایان یافتن آن در اسرع وقت براساس مصالح مشروع خلق‌های ایران و عراق و بدون هرگونه الحاق یا اشغال‌اراضی و با رعایت استقلال ملی و حق خلق‌ها در تعیین سرنوشت بدون دخالت خارجی یا تحمیل رژیم مرتجع بر آنها، ابراز می‌نمائیم...

در صفحه ۴

گسترش موج حمایت از اقدامات
صلح خواهانه شورای ملی مقاومت
در کشورهای مختلف

در صفحه ۸

اطلاعیه شورای ملی مقاومت

از آنجا که در شرایط کنونی عملاً همکاری میان آقای ابوالحسن بنی صدر و شورای ملی مقاومت در چارچوب این شورا نامیسر می‌نماید، مصلحت براین قرار گرفت که به ائتلاف سیاسی فیما بین در شکل کنونی خاتمه داده شود.

آقای ابوالحسن بنی صدر و شورای ملی مقاومت امیدوارند همچنانکه همکاری و اتحاد آنها طی دو سال و هشت ماه گذشته سنت نیکویی در مبارزات مردم ایران بوده است، پایان محترمانه و دوستانه‌ی آن نیز سنت حسنه‌ی دیگری در تاریخ ائتلاف‌های سیاسی میهن ما باشد.

بدیهی است آقای بنی صدر و شورای ملی مقاومت ضمن قدرشناسی متقابل از اقدامات و مبارزات گذشته‌ی یکدیگر در دفاع از آزادی‌ها، دستاوردهای مشترک فعالیت ائتلافی گذشته‌ی خود در مسیر آزادی و استقلال و تمامیت ارضی کشور را مورد تأیید قرار داده و آنها را بسیار شرمبخش می‌دانند.

شورای ملی مقاومت
۴ فروردین ۱۳۶۳

قطعنامه چهارمین اجلاس

کمیسیون حقوق بشر

سازمان ملل متحد در رابطه با

نقض شدید حقوق بشر در ایران

* رژیم رسوای خمینی که از افشای بیش از پیش ماهیت ضد انسانی خود به خشم آمده بود در طول مدت برگزاری جلسات کمیسیون دست به تبلیغات وسیع بر علیه سازمان مجاهدین خلق ایران و برادر مجاهد مسعود رجوی زد و مدبوحانه تلاش کرد تا بلکه نظر کمیسیون را از جنایات خود منحرف سازد.

در صفحه ۶

گزارشی از ششمین جلسه ماهانه

بحث و گفتگوی نمایندگی

شورای ملی مقاومت در انگلستان

* برگزاری این جلسه که مصادف با روز جهانی زن بود، به بحث در مورد مسئله‌ی زنان اختصاص یافت. سخنرانان این جلسه خانم فرزانه کیانوش و آقای دکتر بهمن نیرومند نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در آلمان بودند. سالن محل کنفرانس با پرچم ایران و قسمت‌هایی از برنامه‌ی شورای ملی مقاومت و وظایف مبرم دولت موقت در مورد حقوق زنان، تزئین شده بود.

در صفحه ۹

زبان حال خمینی: "جنگ، جنگ، اختناق" است ولی ما فریاد می‌زنیم: "صلح، صلح، آزادی"

از پیام نوروزی برادر مجاهد مسعود رجوی

پیام نوروزی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت آغاز سال ۱۳۶۳

بقیه از صفحه اول

استعدادات مختلف یک خلق و مانع طلوع خورشید آزادی یک میهن مقاوم شود.

پس، خمینی با دعوت همگان به گورستانها در لحظه تحویل سال، فقط می‌خواهد سرزندگی و شور و نشاط مقاومت عمومی خلق برای "صلح و آزادی" را، از انظار بیوشاند. مقاومتی که صلاهی آن نه فقط در سراسر ایران و در هر گجا که مجاهد و مبارز و پیشمرگ سلاح در دست گرفته و به تدارک قیام عمومی اهتمام می‌ورزد؛ بلکه در تمامی جهان طنین افکنده است.

به این ترتیب از آنجا که رژیم خمینی در بن‌بست سیاسی و نظامی و اقتصادی و اجتماعی کامل قرار گرفته و جز با جنگ و اختناق حتی یکروز نیز پا برجا نخواهد ماند؛ و از آنجا که به هیچ وجه قادر به نابود کردن مقاومت و زندگی و نوروز پیروز مردم ایران نیست؛ دعوت مردم به گورستان، در حقیقت بیان "احتضار" و اعلام این واقعیت است که رژیم خمینی برای خودش نیز چشم‌اندازی جز گورستان نمی‌یابد.

چنین بود که در سالی که گذشت، سرانجام خمینی خود شخصاً تصریح نمود که اگر در جنگ‌افروزی و اختناق حتی "یک قدم عقب نشینی" نماید؛ سرعت با تمامی رژیمش از میان خواهد رفت.

در رسوائی بین المللی رژیم خمینی نیز همین بس که طی سال گذشته بارها و به مناسبت‌های مختلف، خمینی خود تکرار می‌نمود که "همه دنیا بلا استثنا"، مگر بعضی که خیلی کم‌اند "با رژیم او دشمن هستند" و "همه تبلیغات دنیا بر ضد اسلام (اسم مستعار خمینی) است". بر همین روال قاضی القضاة و رئیس دیوانعالی خمینی که جهان بر بیدادگری و عدم مشروعیت محاکم تحت نظر او گواهی داده است؛ در همین اواخر تأکید نمود که: "امروز دنیا قسم خورده که با ما دشمنی کند". رئیس مجلس خمینی پا را از این هم فراتر گذاشت و در مردادماه گذشته، اغلب گزارشگران و خبرنگاران را، باالضاحه "منافق" نامید. ولی خمینی کسی نبوده و نیست که از این چیزها از رو برود و لذاست که بازهم تأکید کرده و می‌کند که: "تبلیغات در رأس امور است و هر روز باید حجمش زیادتر گردد...". از طرف دیگر بیاد دارید که رئیس جمهور رژیم خمینی، گفتن حقایق به مردم را صراحتاً از "غلط‌های بزرگ روزگار" دانست. پس در رأس اهداف آن تبلیغاتی که به قول خمینی در رأس همه امور است؛ پنهان کردن بزرگترین حقایق روزگار قرار دارد...

اما مهمترین حقیقت چیست؟ مهمترین حقیقت؛ سرنگونی محتوم رژیم پلید و نامشروعی است که با ماهیت فوق ارتجاعی و ضد بشری‌اش، کمر به انهدام اقتصاد و اجتماع ایران بر بسته بود؛ اما در اثر مقاومت خلق و رشیدترین فرزندان مجاهد و مبارز و پیشمرگ‌هاش؛ اکنون دیگر هیچ سرانجامی جز مرگ و نیستی ندارد. جز این، آنچه میماند تبلیغات پوچ و میان تهی است. گواه آشکار این حقیقت، بازهم اعتراف صریح دجال جماران است که چندی پیش تأکید نمود؛ کسی نباید انتظار بهتر شدن اوضاع را داشته باشد... در چنین شرایطی خمینی جز آنکه هر از گاه یکی از متحدان خود نظیر حزب توده را قربانی کند و برای سایرین نیز خط و نشان بکشد، دیگر چه برگی در آستین دارد؟ همه این حقایق حاکی از آنند که دیگر

نه تنور جنگ و نه استخرهای خون، گرهی از کار او نمی‌گشاید و نیز اقتصادی که او بخش اعظم آنرا یدک جنگ نموده، بیش از این گشش ندارد. اینجاست که دعوای داخلی رژیم نیز تشدید می‌شود؛ دعوایهایی که از سرنگونی و مرگ حتمی‌الوقوع نظام در مانده، تجزیه شده و رو به زوالی خیر می‌دهد که بدلیل ماهیت ضد مردمی و ضد تاریخی خود، از آغاز نیز پیامی جز "قریب و اعدام و جنگ و گورستان" نداشت. با اینهمه خمینی در صدد تجدید فریبکاری انتخاباتی است و خنده‌دار اینکه وعده‌ی تضمین آزادی انتخابات مجلس فرمایشی و ضد ملی خود را نیز می‌دهد. اما باید با تحریم این انتخابات (یعنی وقتی که هنوز آزادی‌ها به این حد سرکوب نشده بود) چه کردی که به دور دوم آیی؟! از این مضحک‌تر نقشی است که خمینی به منتظری ابله سپرده است. خمینی صدمبار خام خیال‌تر از شاه - که چندی قبل از سقوطش گاه تکرار میکرد که تا ۱۲ سال دیگر شخصاً بر سر کار خواهد بود و آنگاه زمام امور

برای بالا بردن منتظری و اعلام رسمی ولایتعهدی او باز بشود. چرا که خمینی بخوبی میداند که اگر تازه‌انده است موضع سیاسی منتظری تثبیت نشود، جا انداختن بعدی او از محالات است.

باین ترتیب منتظری اجازه می‌یابد تا علیرغم سایر سران رژیم - البته باستثنای خمینی - موضع بگیرد و ابراز مخالفت کند. لذاست که حتی به ناآگاه‌ترین اقشار نیز باید گفت که در تمامیت این رژیم حیانتکار هیچ گورسوی رستگاری نیست. وانگهی باید از منتظری بپرسند که "آم الفساد" و مسئول اصلی خرابی و بیگاری و شکنجه و اعدام و هرج و مرج و ناامنی اجتماعی و سیاسی و اداری و... کیست؟

همچنین باید اکیداً بیاد داشت که اگر شاه توانسته باشد از خود ولایتعهدی بر جای بگذارد و برود؛ خمینی نیز خواهد توانست! بعبارت دیگر رژیم سرکوبگر و ضد مردمی خمینی همچون رژیم شاه، در تمامیت خود سرنگون خواهد شد و اصولاً در داخل آن هیچ راه چاره و آلترناتیو واقعی امکان رشد و ظهور نمی‌یابد.

ارزیابی و جمع بندی دستاوردهای مقاومت مسلحانه‌ی سراسری و منطقه‌ای طی سال ۱۳۶۲، البته نیازمند فرصتی دیگر است؛ اما آنچه جملاً می‌توان گفت این است که: صرف نظر از عملیات ضروری نظامی، صرف نظر از تکمیل گارد تدافعی نیروهای خودی که برای حفاظت از انقلاب و گادرها و ارتباطات استراتژیکی آن در قبال تهاجمات ارتجاع، بسیار ضروری بود و صرف نظر از تجدید سازماندهی و ارتباطات گسترده‌ی تشکیلاتی؛ مقاومت مسلحانه‌ی سراسری بمنظور گسترش هسته‌ها و تعلیم آنها در جریان عمل و انطباق مقاومت، انقلابی با کیفیت نوین اختناق؛ به برگزاری چند رشته اقدامات موفقیت آمیز تبلیغی - اجتماعی مانند "هفته‌ی ملیشیا" و "هفته‌ی صلح" و برخی حرکات موضعی دیگر در سراسر کشور مبادرت ورزید و هسته‌های جوشان مقاومت در هر گجا پیام‌های "صلح و آزادی" و "مرگ بر خمینی" را در وسیع‌ترین ابعاد ممکن به میان توده‌های مردم بردند.

هموطنان آگاه و مبارز؛ ارزیابی و جمع بندی دستاوردهای مقاومت مسلحانه‌ی سراسری و منطقه‌ای طی سال ۱۳۶۲، البته نیازمند فرصتی دیگر است؛ اما آنچه جملاً می‌توان گفت این است که: صرف نظر از عملیات ضروری نظامی، صرف نظر از تکمیل گارد تدافعی نیروهای خودی که برای حفاظت از انقلاب و گادرها و ارتباطات استراتژیکی آن در قبال تهاجمات ارتجاع، بسیار ضروری بود و صرف نظر از تجدید سازماندهی و ارتباطات گسترده‌ی تشکیلاتی؛ مقاومت مسلحانه‌ی سراسری بمنظور گسترش هسته‌ها و تعلیم آنها در جریان عمل و انطباق مقاومت، انقلابی با کیفیت نوین اختناق؛ به برگزاری چند رشته اقدامات موفقیت آمیز تبلیغی - اجتماعی مانند "هفته‌ی ملیشیا" و "هفته‌ی صلح" و برخی حرکات موضعی دیگر در سراسر کشور مبادرت ورزید و هسته‌های جوشان مقاومت در هر گجا پیام‌های "صلح و آزادی" و "مرگ بر خمینی" را در وسیع‌ترین ابعاد ممکن به میان توده‌های مردم بردند. بنحوی که امروز می‌توان گفت که ما نه فقط راه حل پیروزمند مسئله‌ی "ارتباطات و فرماندهی" در مقاومت مسلحانه‌ی شهری - یعنی مقاومت تحت حاکمیت خفقان مطلق را که البته فوق‌العاده فداکارانه و خونین و گرانبهاست - پیدا نموده و به تجربه کشیده‌ایم، بلکه از جهت "اتصال و تمرکز نیرو" نیز در رابطه با تدارک زیرساختهای "قیام"، قدمهای موثر استراتژیکی برداشته‌ایم. البته اهل فن بخوبی میدانند که در شرایطی شبیه به ایران، اگر کسی بخواهد عمیقاً دمکراتیک و مستقل باقی بماند و از زدو بندهای سیاسی - چه در سطح نیروهای

را به ولایتعهدش خواهد سپرد - اینروزها بر آن است که منتظری را تمرین ولایتعهدی نیز بدهد... همچنانکه شورای ملی مقاومت پیشاپیش اعلام کرده بود؛ وقتی که معلوم شد نقشی با اصطلاح اصلاحات ۸ ماده‌ای، بلوف مسخره‌ای بیش نبوده است؛ و وقتی بازهم معلوم شد که نه از مجلس و نه از هیچیک از جناحها و جریانات داخلی رژیم - که گاه در مطبوعات خارجی خیلی در باره‌ی آنها مبالغه می‌شود - خیرری بر نمی‌خیزد و رژیم، تماماً نامشروع و ضد مردمی است؛ و وقتی که رفسنجانی نیز آشکارا اقرار کرد که ما هیچکاره‌ایم و همه‌ی تصمیمات مهم را امام خودشان میگیرند؛ گزارشات موثق حاکی از آنست که برای اینکه قطع امید و دل گندن مطلق ناآگاهترین اقشار و نازلترین افراد و جریانات سیاسی، بازهم قدری بتعویق بیفتد و هنوز هم معدودی فکر کنند که یک در هزار، هنوز هم ممکن است از داخل این رژیم نسیمی بوزد؛ خمینی که خود در تابستان گذشته بعینه دیده بود که حتی خبرگان منتخب خودش، بر سر ولایتعهدی منتظری اتفاق نظر ندارند؛ به منتظری تکلیف نمود که در اظهاراتش لحن انتقادی بگیرد. در این طرح، آخوند مشکینی نیز مشاورت منتظری را بعهدہ دارد و هدف اینست که:

اولا - رژیم خود به سوی اطمینان انتقادی که زیر دست خود خمینی باشد، مجهز شود تا حتی انتقادات مجاز و فعالیت‌های با اصطلاح قانونی - ولی البته مطلقاً بی‌ارزش - در گادر ولایت فقیه نیز به جانب سایر جناح‌های رژیم سمت و سو پیدا نکرده و در شخص ولایتعهد کانالیزه و متمرکز بشود.

ثانیا - شاید باین وسیله فضای اجتماعی و سیاسی

بقیه در صفحه ۲۲

برای تحقق صلح و آزادی همه سلاح‌ها را بجانب رژیم ضد بشری خمینی نشانه رویم!

گزارش مجله تایم در رابطه با اوضاع ایران

A Fever Bordering on Hysteria

تبی در سرحد جنون

قسمتی از مصاحبه برادر مجاهد علی زرکش



اگر چه اخیراً پیروزی‌های نسبتاً کمی داشته‌اند، اما این چریک‌ها به هیچوجه حاضر به پذیرش شکست نمی‌باشند. فرماندهی سراسری مجاهدین (رهبر کل سازمان، مسعود رجوی، در تبعید در پاریس به سر می‌برد) علی زرکش که ۳۴ سال دارد، در مخفیگاه خود در تهران به یک خبرنگار ایرانی گفت: "ما با خمینی به شیوهی خودمان برخورد می‌کنیم. ما سرپای دستگاه نظامی - پلیسی او را به فلج رسانیده‌ایم. ما می‌کشیم و آرام و سنجیده نفس رژیمش را بند می‌آوریم." زرکش که نفر اول در لیست سیاه خمینی است، همچنان معتقد است که آخوندهای حاکم با انفجار قهرآمیز همان خمشی که در ابتدا آنها را به اریکه قدرت رساند؛ ساقط خواهند شد. او (در رابطه با مرگ خمینی) می‌گوید: "در لحظه مرگ خمینی، هسته‌های مجاهدین در سراسر کشور بدون انتظار دستورالعمل‌های بعدی، دست به تهاجم تمام عیاری بر علیه رژیم خواهند زد. آنگاه تحلیل‌گرانی که می‌گویند ما به جد یک دسته کوچک سوء قصد کننده تنزل پیدا کرده‌ایم، دستخوش شوک شگفتی خواهند شد."

اما در حال حاضر مقامات احتمالاً تشویش کمتری نسبت به این تهدیدات خارجی حس می‌کنند تا شکاف‌های درونی خود. آیت‌الله ۲۰ نهاد مختلف اطلاعاتی و انتظامی بنیاد نهاده و همه‌ی آنها برای دستیابی به مقام بالاتر به نفع خویش گفتار خمینی و کلمات قرآن را تحریف می‌کنند. به گفته دکتر اردشیر صنعتی، سرهنگ سابق و افسر مهم بهداری ارتش که اخیراً به آمریکا آمده است: "پاسداران ایران را همچون ملک شخصی خود می‌بینند و با همه - بویژه با افراد نیروهای مسلح ارتش - همچون رعایای خود برخورد می‌کنند." از آنجا که سیستم عدالت اسلامی (!) جایگزین قوه قضائیه رسمی شده، طرفین دعوا، حاکم شرعی دمدمی مزاج و متلون را به جان یکدیگر می‌اندازند و دلالان قدرت به راحتی قانون را در دست‌های خویش گرفته‌اند...

سیاسی را پشت میله‌ها نگهداشته‌اند. ملایان حاکم تنها به دو تا سه هزار اعدام اعتراف می‌کنند، اما معجزاً آنها بنحوی سیستماتیک هر گروهی را که با اعتقادات آنها انطباق نداشته باشد، از دور خارج کرده‌اند. ماه مه گذشته حزب (کمونیست) توده را مجبور به محکوم کردن علنی و اعلام انحلال خود کردند. در ماه اوت انجمن حجتیه را که یک گروه انشعابی درون‌گرای شیعه بوده و از تفسیر قرآن بنحوی که ملایان نائید می‌کنند خودداری می‌کند، به تعلیق انداختند. ظرف ۵ سال اخیر، رژیم دستجات خیابانی را تشویق و تحریک کرده تا به مقابر مقدس مذهب بهائی اهانت کنند، هزاران پیروان مسلک را از خانه‌هایشان فراری دهند و حداقل ۱۵۰ بهائی را بکشند. ملاسالاران حاکم همین رفتار ناهنجار را به اشخاصی که افکار مستقل دارند نیز تعمیم می‌دهند. در سال ۱۹۸۲ خمینی برای سپردن بازوی راست و وزیر امور خارجه‌ی سابق خود، صادق قطب‌زاده به جوخه‌ی اعدام، کمتر وسواسی از خود بروز نداد. ژوئیه گذشته، هنگامی که شقی‌ترین قاضی اعدام‌گر خمینی، آیت‌الله محمدی گیلانی، از وی اجازه خواست تا ۳۴۰ زندانی سیاسی نادم را رها کند، خمینی خواسته‌ی او را رد کرد و بلافاصله آن زندانیان را به جوخه‌های اعدام فرستاد. دولت همچنان آنقدر برداشت وسیعی از کلمه‌ی "ضدانقلاب" دارد که شمار متعددی از باصلاح‌گناهها در آن می‌گنجد. اسدالله لاجوردی، رئیس بسیار مخوف زندان اوین که صورت فرورفته‌اش آثاری از زخم دارد، می‌گوید: "گسی که برای ضدانقلابیون یک نسخه فتوکپی بردارد، به آنها یک ماشین بدهد یا برایشان خانه‌ای فراهم کند، خود حلقه‌ای است در سلسله زنجیر تروریسم." محور و مرکز آن سلسله زنجیر، چریک‌های سوسیالیست سلمان بنام مجاهدین خلق می‌باشند. تنها طی سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ آنها موفق شدند ۵۰۰ رهبر دولتی - یعنی دقیقاً ۷۰ درصد دستگاه رهبری خمینی - را از بین ببرند و

یک خبرنگار ایرانی نیز نقل شده است. ذیلاً ترجمه‌ی قسمتی از گزارش مشروح مجله تایم را که شامل قسمتی از مصاحبه‌ی برادر مجاهد علی زرکش یا اقتباساتی از او است، ملاحظه می‌کنید. اضافه می‌کنیم که ما متن کامل و دقیق این مصاحبه را در اختیار نداشتیم و آنچه ضمن گزارش مجله تایم از مصاحبه‌ی برادر مجاهد علی زرکش نقل یا اقتباس شده و ما همان را عیناً ترجمه کرده‌ایم؛ توسط "پیکولا پر" گزارشگر این مجله تنظیم گردیده است که نمی‌توان آنرا الزاماً کامل تلقی نمود.

مجله‌ی آمریکائی "تایم" در شماره‌ی ۱۲ مارس ۱۹۸۴، گزارش مشروحی درباره‌ی اوضاع کنونی ایران و رژیم خمینی به چاپ رسانده است. این گزارش بر مشاهدات و نظرات خبرنگار این مجله که اخیراً مدت ۱۰ روز را در ایران بسر برده، مبتنی است (که نکاتی از آن چندان با واقعیت امر تطبیق نمی‌کند) و عنوان آن "تبی در سرحد جنون" می‌باشد. در این گزارش قسمتی از مصاحبه‌ی برادر مجاهد علی زرکش فرمانده‌ی سیاسی - نظامی مجاهدین و قائم مقام مسئول اول سازمان در داخل کشور، با

نجاری انجام می‌دهد، می‌گوید: "واقعاً بسیار خیره‌کننده است که اینها چطور به این خوبی عمل می‌کنند." در سن ۸۴ سالگی، خمینی نیز بطرز غیرمنتظره‌ای همانقدر جان‌سخت می‌نماید که رژیمش. ملاقات‌کنندگان خارجی وی می‌گویند که او گونه‌های سرخ و سلامت نسبتاً خوب است. خمینی رژیم غذایی سفت و سختی شامل سیب‌زمینی پخته و سبزی‌خام را رعایت می‌کند. برادرش آیت‌الله پسندیده که نزدیک صد سال دارد، همچنان سالم و سرحال است، هرچند که در سه سال گذشته کسی خمینی را خارج از منزل شدیداً تحت حفاظت وی در روستای قدیمی جماران، ندیده است. او همچنان بر کلیه‌ی امور سیاسی و مسائل روزمره‌ی کشورش نظارت می‌کند و هر روز به ملاقات‌کنندگان بسیاری بار می‌دهد. در اینگونه شرفیابی‌ها، خمینی طرفدارانش را ترغیب می‌کند تا هنگام ریختن آراء خود در صندوق‌ها برای ۲۷۰ کرسی در انتخابات مجلس که بسیار به تأخیر افتاده است، رژیمش را تقویت کنند. از هم‌اکنون ملایان آنقدر از کنترلی که دارند مطمئنند که اینجا و آنجا فشار پنجه‌های خود بر گریبان زندگی فرهنگی را کمتر کرده‌اند. رادبوی محلی که هر هفته برنامه‌های تحت عنوان "دروغ‌های رادیوهای خارجی" دارد، اکنون سمفونی‌های بت‌هوان را نیز پخش می‌کند و برخی اوقات نمایشنامه‌هایی در مورد قهرمانان تاریخی ایران، فشار برنامه‌های آشنا و بیحس کننده‌ی تبلیغات و مناجات در

... پنج سال پس از بازگشت خمینی از تبعید در پاریس و تصرف قدرت در میهنش، دولت وی که متشکل از افرادی است که زمانی انقلابیون بی‌تجربه‌ای بودند؛ اکنون بطرز محکمی در قدرت بنظر می‌رسد. شکی نیست که ملاهای حاکم و حدود صد هزار پاسدار اسلامی که از آنان حمایت می‌کنند، قسمتی از محبوبیت خود را از دست داده و همچنان مشکلات بیشماری بر دوشان سنگینی می‌کند. از آنجمله‌اند جنگ پر فراز و نشیب ۴۱ ماهه با دشمن تاریخی‌شان عراق که هنوز هم نیروی انسانی و پول می‌بلعد، طبقه‌ی حاکم‌های که پیش از این بخش بزرگی از آن منهدم شده و همواره در معرض تهدید از سوی چریک‌های شهری جان‌سخت قرار دارد، دو میلیون جنگ‌زده و آواره و ۱/۵ میلیون آواره‌ی افغان و علاوه بر اینها داغ انزوای بین‌المللی. اما در یک بازدید ده روزه‌ی نادر از آن کشور - جایی که از ۱۹۷۹ تاکنون تقریباً به روی آمریکائی‌ها بسته بوده است - گزارشگر تایم دریافت که رژیم آیت‌الله توانسته است دست‌کم تاکنون با مهارت تعجب‌آوری، از این تهدیدها جان سالم بدر برد. رژیم تقریباً کلیه‌ی بدهی‌های بین‌المللی خود را پرداخت نموده، جریان مرتب داوطلبین برای عضویت در سپاه و بسیج که عملیات انتحاری را ترتیب می‌دهند ثبت نام کرده و حداقل بر روی کاغذ، اکثر مخالفین خود را خاموش ساخته است. یک آمریکائی که با ایران معاملات

تلویزیون را می‌کاهد، اگر چه حتی زنان خارجی نیز باید روسری به سر کنند و اگر حتی یک رشته مویشان به چشم بخورد، باید انتظار سیخونک‌های پاسداران امنیتی را داشته باشند، اما برخی زنان ایرانی با گستاخی شروع به پوشیدن جوراب نازک و استفاده از مداد ابرو کرده‌اند. حتی نام زندان بدنام اوین، جایی که طبق گزارشات تا ۷۰ نفر در یک سلول تک نفره زندانی شده‌اند و ۲۰۰ نفر ظرف یک شب اعدام گشته‌اند را نیز تغییر داده‌اند و به آن آموزشگاه می‌گویند و بیشتر به آن جلوه‌ی یک محل پر زرق و برق را می‌دهند تا یک جای مهیب. دولت به احترام جشن‌های سالگرد انقلاب، یک بروشور چهار رنگ تهیه کرده که زندانیان اوین را در حال شنا در استخر، کار در سالن ورزش و گردش علمی در موزه‌های محلی نشان می‌دهد. اما کمتر کسی فراموش می‌کند که رژیم خمینی همچنان از لحاظ سیاسی انعطاف‌ناپذیر باقی مانده و بطرزی وحشیانه از عفو تبری می‌جوید. روز رژه به مناسبت سالگرد انقلاب، ۲۷ هوادار اپوزیسیون مخفیانه در اوین به قتل رسیدند. اینگونه رویدادها اکنون کمتر اتفاق می‌افتند، حتی اگر تنها علت این امر به قول یک دیپلمات خارجی این باشد که: "ملایان تقریباً هر کسی را که متعلق به جریان کلی‌بنیادگرایان نباشد از بین برده‌اند." به گفته‌ی چریک‌های مخالف، ایادی خمینی در کل ۳۰/۰۰۰ مخالف را اعدام کرده‌اند و ۱۰۰/۰۰۰ زندانی

نامه آقای جلال طالبانی، دبیرکل اتحاد میهنی کردستان (عراق)

به برادر مجاهد مسعود رجوی

در ماههای آخر سال گذشته گزارشی مبنی بر مذاکرات موفقیت آمیز اتحادیه میهنی کردستان عراق برهبری مام جلال طالبانی با دولت عراق پیرامون خودمختاری کردستان عراق در چارچوب وحدت ملی آن کشور، منتشر شد.

رژیم سرکوبگر خمینی که حتی چشم انداز حل و فصل عادلانه و صلح آمیز مسئله کردستان عراق - همچنانکه مسئله خودمختاری و احقاق حقوق هموطنان خودمان در کردستان ایران - نیز برایش وحشتناک می نمود، بلافاصله موضع گرفت و رفسنجانی در نماز جمعه در این باره گفت:

"صدام که چقدر با این طالبانیها بصورت ظاهر درگیر بود، اخیراً آمده بخاطر مسائلی این یکی مهره اش را هم مجبور شده رو بکند. اینهم شاید از موهبتها باشد که در آینده ای که ملت عراق آزاد میشوند، دیگه این گروه ریاکار طالبانیها، "حاجی انا شریک" نگویند و اون موقع وضع اینها روشن بشه."

از طرف دیگر بدیهی است همانقدر که احقاق حقوق ملیتهای محروم و تحت ستم مضاعف - چه در ایران و یا در عراق - مورد بغض و نفرت دار و دسته جنایتکار خمینی است، نیروهای دمکراتیک و انقلابی، منجمله مجاهدین خلق ایران، از آن با مسرت استقبال مینمایند. بخصوص که به تازگی شورای ملی مقاومت ایران طرح عادلانه و جامع خود پیرامون خودمختاری کردستان ایران در چارچوب تمامیت ارضی و وحدت ملی گل کشور را به تصویب رسانده بود. طرحی که بیگمان

مسرت اتحادیه میهنی کردستان عراق را نیز برانگیخته و باعث تهنیت و تبریک آنان نیز گردید. راستی هم که برای شورای ملی مقاومت و کلیه اعضای آن، بویژه حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران، جای مباحث بود که تاثیرات طرح مصوب شورا بتواند بنوبه خود حل و فصل و یا مذاکرات ثمربخش مابین اتحادیه میهنی و دولت عراق در رابطه با یک چنین مسئلهای را که همگان از سوابق ممتد خونبار آن در عراق نیز مطلعند، بنحوی تسهیل یا تسریع نماید.

از طرف دیگر همزمان با پیشرفت مذاکرات میان اتحادیه میهنی کردستان عراق و دولت عراق و حصول برخی توافقات، هیئت نمایندگی مجاهدین که در همان ایام در جلسه افتتاحیهی کنگرهی ششم حزب دمکرات کردستان ایران شرکت کرده بود، با رهبری اتحادیه میهنی که از مدعین کنگرهی حزب دمکرات بود، دیدار نمود. متعاقباً از سوی برادر مجاهد مسعود رجوی آرزوها و احساسات دوستانه میهنی خلق ایران، در باره تامین حقوق خودمختاری کردستان عراق در چارچوب وحدت ارضی و سیاسی این کشور به دبیرکل اتحادیه میهنی - مام جلال طالبانی - ابلاغ گردید.

جوابیهی زیر، ترجمه فارسی (از متن عربی) نامه آقای جلال طالبانی دبیرکل اتحادیه میهنی کردستان عراق است که پس از دریافت پیام شفاهی برادر مجاهد مسعود رجوی ارسال گردیده است:

برادر گرامی و محترم مسعود رجوی

با سلام گرم انقلابی

بنام دفتر سیاسی اتحاد میهنی کردستان به جناب عالی و از طریق شما به برادران در سازمان مجاهدین خلق ایران سلامها و بهترین آرزوها را تقدیم می کنم و برای شما در مبارزه عادلانهتان علیه دار و دسته مرتجعی که بر خلق برادر ایران تسلط یافته است، آرزوی موفقیت می نمایم.

باتشکرفراوان، پیام برادرانه ای را که برایمان ارسال نموده بودید و در آن احساسات دوستانهتان را در رابطه با برادرانتان در اتحاد میهنی کردستان، بیستاز جنبش آزادیبخش و عادلانهی خلق مبارز گرد برای احقاق حقوق دمکراتیک و ملی اش در چارچوب وحدت ملی عراق، بیان داشته بودید، دریافت کردیم.

برادر ارجمند

اتحاد میهنی کردستان، منبعث از ایمان اصولی استوارش به ضرورت یکپارچگی مبارزاتی بین نیروهای مترقی و انقلابی خلق هائیمان در خاورمیانه، آمادگی دائمی خود برای تحکیم

روابط مبارزاتی بین سازمان

مجاهدین خلق و اتحاد میهنی کردستان را مورد تاکید قرار می دهد.

این فرصت را مغتنم شمرده و آرزوهای خود را برای پیروزیتان به اتفاق دیگر نیروهای انقلابی ایران علیه حکومت مرتجع ایران و تحقق هدفهای دمکراتیک و استقلال ملی و محقق نمودن خودمختاری برای کردستان ایران، تکرار می نمایم.

مایلم به اطلاعاتان برسانیم که رهبری اتحاد میهنی کردستان به گفتگوهایش با دولت عراق در جهت دستیابی به دموکراسی و خودمختاری برای کردستان، بنحویکه وحدت ملی عراق را تحکیم بخشد - که در آن صورت کردستان عراق را پایگاه پشتیبانی و حمایت برای مبارزات تمامی نیروهای مترقی ایرانی قرار خواهیم داد - ادامه می دهد.

در خاتمه، ضمن اینکه در احساسات شما نسبت به تأسفباری و مصائب جنگ ویرانگر بین ایران و عراق سهمیم هستیم - جنگی که در خدمت هیچ کس جز استعمار و

صهیونیسم و ارتجاع نیست -

آرزومندی و رغبت خود را نسبت به پایان یافتن آن در

اسرع وقت براساس مصالح مشروع خلقهای ایران و عراق و بدون هرگونه ملحق کردن یا اشغال نمودن اراضی و با رعایت استقلال ملی و حق خلقها در تعیین سرنوشتشان توسط خودشان بدون دخالت خارجی یا تحمیل رژیم مرتجع بر آنها، ابراز می نمایم.

همچنین، بر شما پوشیده نیست که تلاش باند مرتجع خمینی در تحمیل سلطه دیکتاتوری مطلق اش زیر پرده ولایت فقیه علیه خلقهای مسلمان، خطر بزرگی را علیه مبارزات این خلقها برای آزادی و دموکراسی و حق تعیین سرنوشتشان توسط خودشان و چشم انداز این خلقها در جهت زندگانی پیشرفتهی عصر و ترقی و پیوستن به کاروان تمدن جهانی بوجود می آورد.

بهترین احترامها و آرزوهای ما را قبول فرمائید
برادر صمیمی شما
جلال طالبانی
دبیرکل اتحاد میهنی کردستان
۱۹۸۴/۳/۳

اطلاعیهای نظامی مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

عملیات کمین گذاری پیشمرگان مجاهد خلق

در جاده "سرو - سلماس" در شمال کردستان

و بهلاکت رسیدن ۵ مزدور ضد خلقی

در سحرگاه روز سه شنبه ۲۳ اسفندماه، پیشمرگان مجاهد خلق واحد مجاهد شهید عرب خزائلی (کاک حسین) پس از استقرار در مواضع از پیش تعیین شده در نزدیکی جادهی "سرو - سلماس" واقع در جادهی "گنبد - جلقران" به کمین مزدوران سرکوبگر خمینی می نشینند تا اینکه در ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه مزدوران تأمیننی جاده که تعدادشان ۱۱ نفر بوده به کمین پیشمرگان نزدیک می گردند که با رگبار مسلسل های پیشمرگان دلاور خلق مواجه شده و ۲ پاسدار ضد خلقی و یک بسیجی مزدور در دم بهلاکت می رسند. مزدوران جنایتکار خمینی که بشدت غافلگیر شده بودند، اقدام به تیراندازی به سوی پیشمرگان می نمایند که در نتیجهی آتش مجدد پیشمرگان

مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان ۲۵/اسفند/۶۲

بهلاکت رسیدن ۱۵ پاسدار و مزدور جنایتکار خمینی

و انهدام یک خودروی مزدوران ضد خلقی

پیشمرگان مجاهد خلق در تاریخ ۲۶ اسفندماه، برطبق یک طرح دقیق و پیچیدهی عملیاتی اقدام به کمین گذاری روی محور "بانه - سردشت" در جادهی حد فاصل پایگاههای "گوخان - زیوه" می نمایند. در ساعت ۱۰ و ۵ دقیقه صبح، یک خودروی "لندرور" سپاه ضد خلقی در دامی که پیشمرگان مجاهد برای آنان گسترده بودند، می افتد که با تهاجم سریع و برق آسای پیشمرگان دلیر، خودروی مزدوران جنایتکار خمینی به آتش کشیده شده و بگلی منهدم میشود و تمامی سرنشینان آن که ۴ پاسدار جنایتکار بودند، به هلاکت می رسند. بدنبال این تهاجم متهورانه، دشمن زبون طی چند مرحله اقدام به کمک رسانی به مزدوران خود می نماید. از جمله یک خودروی حامل گروه باصطلاح ضربت سپاه را به همراه

مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان ۲۸/اسفند/۶۲

موضع شورای ملی مقاومت در قبال شایعه پذیرش حزب توده در شورا

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت

اخیرا سوالات متعددی از نمایندگان و دبیرخانه شورای ملی مقاومت در باره شایعه عضویت حزب توده در شورای ملی مقاومت به عمل آمده بود. این شایعه بهیچوجه صحت ندارد و چه بلحاظ گردش کار اداری "عضویت" و پذیرش اعضای جدید در شورای ملی مقاومت و چه بلحاظ موافقت سیاسی شورا با عضویت حزب توده در شورای ملی مقاومت کاملاً بی اساس است: ۱- از نظر اداری: عضویت در شورای ملی مقاومت منوط به التزام به برنامه شورا و دولت موقت و سایر مصوبات است که بایستی بر حسب اساسنامه شورا، همراه با تقاضای عضویت، کتبا به مسئول شورا اعلام شده و سپس به تصویب آراء مجموع اعضای حاضر (مشروط بر عدم مخالفت سازمان‌های عضو شورا) برسد. حال اینکه ما این تاریخ هیچ تقاضانامه‌ای از جانب حزب توده دریافت نشده که نیازمند طرح و بررسی و اتخاذ تصمیم در شورای ملی مقاومت باشد.

۲- از نظر سیاسی: در پاسخ به سوالات مطرح شده پیرامون موضع شورای ملی مقاومت در قبال حزب توده و شایعه عضویت آن در شورا، این موضوع در آخرین اجلاس (عادی) شورای ملی مقاومت در اسفندماه گذشته مطرح و مورد بحث قرار گرفت. نکات زیرین نتیجه‌ی بحث فوق می‌باشد که آقای مسعود رجوی مسئول و سخنگوی رسمی شورا آن را در یکی از مصاحبه‌های اخیر خود، در پاسخ به سوال برخی خبرنگاریها اعلام نموده است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت
۶/ فروردین ۱۳۶۳

درباره حزب توده و موضع

شورای ملی مقاومت

۱- چنانکه تا کنون بارها گفته‌ایم حزب توده برعلیه مقاومت ایران با رژیم خمینی همکاری نموده و بنا بر تصریحات رهبری آن حزب (قبل از دستگیری) در سرکوب ما با رژیم خمینی همکاری کرده است. این حزب حتی خواستار اعدام کادرهای رهبری کننده مقاومت

در داخل کشور نیز شده بود. اما ما براساس پرنسیپهای دمکراتیک خود، شکنجه و سرکوب و اعدام توده‌ایها را نیز قاطعانه محکوم کرده و دادگاههای رژیم خمینی را فاقد صلاحیت شناخته‌ایم. ۲- فی الواقع در ایران دیگر نام "توده" مدت‌هاست که اعتماد هیچکس را بر نمی‌انگیزد و دارای کمترین اعتبار اجتماعی نیست. اکثریت قاطع مردم ایران حقاً با آن مخالفند و هیچگونه همکاری با آن را نمی‌پذیرند و آن را نیروئی مستقل نمی‌شناسند، بنحوی که همکاری و اتحاد سیاسی با آن، پایه‌ی اجتماعی و اعتبار ملی و مردمی ما را در میان مردم ایران متزلزل میکند.

۳- حزب توده هرگز از سیاستهای خود در رابطه با رژیم خمینی انتقاد از خود جدی نکرده و هنوز حتی شعار سرنگونی رژیم خمینی را نیز نداده است. این حزب چه در زمان شاه و چه در دوران مقاومت عادلانه و مسلحانه برعلیه خمینی (که به اعتقاد شورای ملی مقاومت شکل محوری مبارزه در برابر دیکتاتوری ارتجاعی و تروریستی است) پیوسته با این مقاومت مشروع و برحق مخالفت ورزیده و حتی مقاومت عادلانه‌ی ما در قبال استبداد خمینی را وابسته به امپریالیسم قلمداد می‌کرده است. چنین سیاستی ضمناً روحیه مقاومت را بطور سیستماتیک در میان توده‌ایها از بین برد. بطوریکه خمینی اغلب آنها را بسادگی و بدون کمترین مقاومت سازمانی دستگیر کرد و کلیه رهبران حزب که دستگیر شدند طی مصاحبه‌های تلویزیونی ابراز ندامت نموده و اوج تسلیم طلبی سیستماتیک در قبال دیکتاتوری تروریستی و ضد مردمی خمینی را به نمایش گذاشتند.

۴- حزب توده حتی هنوز اعلام نکرده‌است که کدام رهبران یا اعضای آن در سرکوب نیروهای رزمنده‌ی مقاومت بطرق مختلف دست داشته و یا برعلیه مقاومت به رژیم خمینی اطلاعات عرضه می‌کردند.

۵- براین اساس شورای ملی مقاومت در آخرین اجلاس عادی خود در اسفندماه سال ۱۳۶۲، بار دیگر موضع خود دایر بر نپذیرفتن حزب توده به شورای ملی مقاومت را تصریح

است. تنها یک چنین ایرانی میتواند صلح و آرامش در حساس‌ترین منطقه‌ی استراتژیکی عالم را تضمین نموده و مبشر صلح و دوستی باشد و ما فکر می‌کنیم که برسمیت شناختن چنین ایرانی تنها راه حل جلوگیری از حمام خون و جنگ داخلی و خارجی است و تنها شورای ملی مقاومت میتواند در عمل، تضمین کننده‌ی نیرومند چنین راه‌حلی باشد. بخصوص که اکنون در اثر انقلاب مردم ایران و در اثر مقاومت مردمی، گسترده، مشروع، سازمان یافته و مسلحانه‌ی نیروهای عضو شورا؛ دوران تقسیم ایران به مناطق نفوذ نیز جدا سپری شده است. ۶- باید تاکید نمود که مسئله‌ی حزب توده برای ما کاملاً از مسئله‌ی رابطه‌ی همسایگی و ضرورت حسن - همجواری ایران با اتحاد شوروی - البته در چارچوب استقلال و سیاست عدم تعهد و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر - جداست. ما حزب توده را در رابطه با مسائل درونی جامعه‌ی خودمان با معیارهای ملی و دمکراتیک و مبارزاتی در ارتباط با اوضاع و احوال تاریخی ایران، ارزیابی نموده و براین اساس، همکاری با آن را نمی‌پذیریم. حال اینکه شوروی یکی از همسایگان ماست که می‌خواهیم در آینده و پس از بدست گرفتن قدرت بر مبنای استقلال کامل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، با آن، همانند دیگر همسایگانمان روابط حسن -

همجواری داشته باشیم. شورای ملی مقاومت ایران همچنین براساس برنامه و اصول اعلام شده‌ی خود، خواستار آن است که ایران مستقل و دمکراتیک فردا، با دیگر کشورها و قدرتهای جهان نیز براساس استقلال ملی و منافع مردم ایران، روابط حسنه برقرار نماید؛ مشروط بر اینکه چه همسایگان ایران و چه سایر کشورها و قدرتهای جهان، مقدماً بایستی استقلال، آزادی و تمامیت ارضی میهن ما را برسمیت شناخته و عملاً آن را محترم بشمارند.

۷- تلقی شورای ملی مقاومت از حزب توده به هیچوجه قابل تعمیم به سایر نیروهای مارکسیستی ایران نیست و این شورا هرگز نه در گذشته و نه در حال حاضر، مبارزات هیچیک از نیروهای مارکسیستی ایران برای آزادی و استقلال و برای برقراری عدالت اجتماعی را به بهانه‌ی انحرافات حزب توده تخطئه ننموده، بلکه آن را ارج گذاشته است. هم‌اکنون بخشی از این نیروها چه بصورت فردی و یا بصورت گروهی در شورای ملی مقاومت عضویت دارند. کما اینکه شورای ملی مقاومت پیوسته برای پذیرش عضویت عموم نیروها و شخصیت‌های ملی و دمکراتیکی که در مسیر استقلال و آزادی ایران خواستار همکاری با این شورا باشند، آمادگی داشته و دارد.

مسئول شورای ملی مقاومت
مسعود رجوی

اطلاعیه‌های نظامی مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

عملیات تهاجم پیشمرگان مجاهد خلق

به پایگاه سپاه ضد خلقی در روستای "باش بولاغ" منطقه بوکان

پیشمرگه‌های مجاهد خلق در تاریخ ۲۷ اسفند ماه، طی عملیات متهورانه‌ی ضمن نفوذ به روستای "باش بولاغ" در منطقه‌ی بوکان، در نزدیکی مقر مزدوران سپاه سرکوبگر خمینی مستقر شده و پایگاه این مزدوران را با سلاح‌های "آر. پی. جی" و مسلسل‌های سبک مورد تهاجم سریع و برق‌آسای خود قرار می‌دهند. در اولین دقیق این تهاجم دلیرانه، ۵ مزدور در دم به هلاکت رسیده و قسمت‌هایی از پایگاه پاسداران ضد خلقی نیز دچار آتش‌سوزی شده و فرو می‌ریزد. در پی این تهاجم سایر مزدوران حملات پیشمرگان دلاور غافلگیر و بشدت وحشت‌زده شده بودند، اقدام به فرار می‌نمایند که ۳ تن

دیگر از آنان نیز به کمین پیشمرگان افتاده و بر اثر آتش بی‌امان سلاح پیشمرگان مجاهد به هلاکت می‌رسند. همچنین در ادامه‌ی تهاجم و انهدام محل تجمع مزدوران، ۲ تن دیگر از آنها کشته و تعدادی نیز زخمی می‌شوند. مزدوران دشمن خدا و خلق در جریان این تهاجم برق‌آسا و بر اثر آتش سنگین پیشمرگان مجاهد بشدت غافلگیر شده و تا مدت‌ها قادر به انجام هیچگونه واکنشی نمی‌گردند و پیشمرگان مجاهد پس از ۲ ساعت درگیری و تهاجم دلاورانه، منطقه‌ی عملیات را ترک کرده و در میان استقبال گرم روستائیان، سالم به پایگاه‌های خود باز می‌گردند. مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان ۳۰/ اسفند/ ۶۲

عملیات مین گذاری

پیشمرگه‌های مجاهد خلق

در منطقه سردشت و انهدام

۴ دستگاه خودروی "تویوتا"ی

پاسداران جنایتکار و به هلاکت

رسیدن ۶ مزدور ضد خلقی

۱- بر اثر مین گذاری روی جاده‌ی تدارکاتی رژیم، حداقل پایگاه‌های "نوری - برده‌بنگه"؛ یک خودروی "تویوتا"ی سپاه ضد خلقی در ساعت ۱۴ و ۳ دقیقه در تاریخ ۱۲/۲۶ منهدم گردیده و ۲ تن سرنشین آن بشدت مجروح می‌گردند. ۲- همچنین بر اثر مین گذاری روی جاده‌ی ارتباطی - تدارکاتی دشمن؛ حداقل پایگاه‌های "برده‌رش - برده‌سور" در تاریخ ۱۲/۲۷، یک خودروی سپاه ضد خلقی بکلی منهدم شده و ۶ تن پاسدار جنایتکار سرنشین آن در دم به هلاکت می‌رسند. مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان ۲۹/ اسفند/ ۶۲



قطعه نامه

چهلمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در رابطه با نقض شدید حقوق بشر در ایران

روز بیست و سوم اسفندماه گذشته، چهلمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در آخرین روزهای کار خود، با صدور قطعنامه‌های "نگرانی عمیق خود را نسبت به ادامه‌ی نقض جدی حقوق بشر و آزادیهای اساسی در ایران" ابراز داشت. قبلاً نیز، همانطور که در شماره‌ی گذشته اشاره شد، دبیرکل سازمان ملل طی گزارش مشروحي ضمن محکوم کردن نقض شدید حقوق بشر در ایران، موارد متعددی از بی‌عدالتی، اعدام، شکنجه، نفتیش عقاید و... را بر شمرده بود.

قطعنامه‌ی فوق که با ۲۱ رای موافق، ۱۵ رای ممتنع و ۷ رای مخالف و در ۷ ماده تصویب شده است، با اشاره به منشور حقوق بشر، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاقهای بین‌المللی و با یادآوری قطعنامه‌های اجلاس سی‌وهشتم و سی و نهم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران و با استناد به اطلاعاتی که در گزارش دبیرکل آمده است، تأسف خود را نسبت به "سرپیچی دولت جمهوری اسلامی ایران از پذیرش هیاتی که دبیرکل با توافق دولت ایران ترتیب داده بود" ابراز داشته و در مورد اقدامهای فوری و خودسرانه، شکنجه، بازداشت بدون محاکمه، فقدان یک قوه‌ی قضائیه‌ی مستقل و... نگرانی عمیق خود را اظهار می‌دارد.

قطعنامه همچنین ضمن اینکه مقرر می‌دارد تا بررسی وضع حقوق بشر در ایران در اجلاس آینده‌ی کمیسیون همچنان ادامه یابد، از رئیس کمیسیون می‌خواهد که پس از مشورت با دفتر کمیسیون "گزارشگر ویژه‌ی از جانب کمیسیون تعیین نماید که به بررسی کامل وضع حقوق بشر در ایران بر اساس اطلاعات قابل قبول و منجمله ایجاد رابطه با دولت جمهوری اسلامی ایران پرداخته و گزارش نهائی خود را که حاوی نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادات مقتضی نیز باشد، به چهل و یکمین اجلاس کمیسیون تقدیم نماید."

قطعنامه در پایان با تشکر از دبیرکل بخاطر تلاشهایش در جهت ایجاد تماسهای مستقیم با دولت ایران از وی می‌خواهد تا هرگونه کمک لازم را به گزارشگر مزبور بنماید.

لازم به توضیح است که در آستانه‌ی شروع اجلاس اخیر کمیسیون، از سوی دفتر مجاهدین خلق در پاریس و همچنین نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در سوئیس - دکتر کاظم رجوی - اقداماتی در جهت جلب توجه اعضاء و سایر شرکت‌کنندگان در کمیسیون به نقض مستمر حقوق بشر در ایران بعمل آمده بود و منجمله به همت دکتر کاظم رجوی قطعنامه‌ی بصورت پیشنهاد

Politisch - Militärische Proklamation Nr. 25 der Mudschaheddin



اطلاعیه سیاسی - نظامی شماره ۲۵

به نیال برون و منتهانه ارتجاع بخانه، به در برادر مساعد مهدی ابرینجی از این پس
سجاده بن خلق ایران با نام قادر بر قال این تعاجبات طاقت خواهند نمود

مردم قهرمان ایران! — اللهم الله الواحد القهار
مردم مبارز تهران!

مردمان ارتجاع به تنه شب ۲۱ خرداد ماه جاری با حمایت دسته‌های متعدد ایوان مسلح و چنانچه در به خانه به در برادر مساعد مهدی ابرینجی برون برون به در از ضرب و زخم ساکن آن، بخشی از ایوان و کتب موجود در خانه را بخراب برداشتند.

همچنین در همین ایام شاهد دستگیریهای غیرقانونی تعدادی از قریباست جمهوری هستیم که بعضاً حتی خرد اسامی افراد دستگیرنده افشاء نمودند. گمانیکه غنچه‌ها را پس از دستگیری گنجه‌های تنه‌های ترفند و به دست‌مخاطب کشور در دست‌آوردگی است.

سازمان مجاهدین خلق ایران من اعتراضها این قبیل اقدامات ضد انقلابی و خلاف شرع و فاسدین وسیله از خلق ایران کتب اجازه بر کند تا از این برهمناری خدا در حال حفظ جان انسان خود، بیرون انحصار مرکزی سازمان که در حقیقت بخشی از مرکز نظامی خلق و انقلاب محسوب میشوند، قاطع ترین مقاومت انقلابی را از هر طریق ممکن دارد.

به یاری است برابر اعلامیه حاضر از این پس منتهیت هر آنچه که من طاقت انقلابی واقع میشود. نهایتاً بر نامه ترنمن انحصار طلب و ایوان چنانچه از آساست کفشد آن کردمان تا نقشه به پایان نرسیده، شاه خائن و سوارک مغرور او را در رفع وضع معاهده بن به پایان رساند.

از این حجت با برآیم تا نامردگان هر که باشند و در هر لباسی در فضا شایسته سخت‌ترین کفر و مسازات انقلابی خواهند بود.

فضا سازمان مجاهدین خلق ایران این حق را برای خود محفوظ میدارد تا بر هر موردی که کفری المصلح خائنکاران در ضمن انجام جرم ضد انقلابی متر نباشد، بزودی و بطور طعاف ایران و ما را مربوط را به جزای خود برسانند.

Der letzte Satz lautet: „Ferner nimmt die Organisation der Volksmudschaheddin für sich das Recht in Anspruch, die Verantwortlichen in all jenen Fällen, wo die Bestrafung der Verbrecher während ihrer konterrevolutionären Tätigkeit nicht möglich ist, bei der nächsten Gelegenheit und in verschärfter Weise zu bestrafen.“

Das bedeutet die Erklärung von Immerwährendem Terror gegen die Verantwortlichen der Islamischen Republik Iran und ihre Familien durch die Volksmudschaheddin.

و ما انتر الا من عند الله
سجاده بن خلق ایران
۲۸ خرداد ۶۰

کلیشه‌ی صفحه‌ای از جزوات پخش شده توسط مزدوران خمینی

FELONIES OF THE MKO TERRORISTS IN IRAN

A Study of the Use of Terrorism Force Threats and Torture by the MKO Hypocrites

Islamic Propagation Organization

کلیشه‌ی جلد یکی دیگر از جزواتی که توسط عوامل رژیم در اجلاس چهلیم کمیسیون حقوق بشر پخش گردید.

...
...
...
Netherlands and Canada in respect of the human rights situation in my country during this crisis
...
...

صفحه اول متن سخنرانی نماینده‌ی رژیم خمینی در چهلمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر که بهمین شکل در بین نمایندگان شرکت‌کننده در اجلاس توزیع شده است.

VICTIMS OF TERRORISM

کلیشه‌ی جلد یکی از جزواتی که توسط عوامل رژیم در اجلاس چهلیم کمیسیون حقوق بشر پخش شد. در این جزوه اسامی ۲۰۰۰ نفر از عوامل سرکوبگر رژیم خمینی که به گفته‌ی خود او به مجازات رسیده‌اند (توسط مقاومت عادلانه‌ی مردم) ذکر شده است.



پیرامون تحقیقات و اختراعات و اکتشافات "جهاد دانشگاهی"!!

سرگرمی و درست کردن کار دستی توسط ایادی رژیم به بهای هدر دادن امکانات و سرمایه های خلق در دانشگاهها!

تاکنون ضمن مقالات متعدد در "مجاهد" با ابعاد گوناگون توطئه ضد فرهنگی خمینی موسوم به "انقلاب فرهنگی"، آشنا شده‌اید. این اقدام جنایتکارانه و ضدانقلابی که در جهت سرکوب آزادی و آگاهی بدست ارتجاع حاکم صورت گرفت، تمامی قلمرو دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و علمی کشور را کاملاً در انحصار ایادی رژیم درآورد. چرا که اگر در زمان دایر بودن مراکز آموزشی عالی کشور - قبل از بهار ۵۹ - حضور فعال و گسترده دانشجویان هوادار نیروهای انقلابی - بویژه مجاهدین - در دانشگاهها، همانند سده بزرگ، مانع اقدامات ارتجاعی و انحصارطلبانه ایادی خمینی منجمله در زمینه غارت یا هدر دادن امکانات علمی دانشگاهها می‌شد، اما پس از "فتح دانشگاهها"!! توسط ارتجاع، این مراکز با کلیه

آزمایشگاهها و وسائل و امکانات آن، به تصرف نورچشمی‌های مزدور ارتجاع در آمد. از آن پس مشتی از مزدوران خمینی در دانشگاه که به دکان و دستگاه سرکوب و تفتیش عقاید خود نام "جهاد دانشگاهی" نیز نهاده‌اند، ضمن پیشبرد سیاستها و مقاصد خائنانهی رژیم در قلمرو دانشگاهها، منجمله بمنظور پیاده کردن افکار و تمایلات کهنه و عقب ماندهی مرتجعین، میلیاردها تومان امکانات علمی و فنی و خدماتی دانشگاهها را، به مثابهی بازیچه‌ای کودکانه، قبضه کرده و آنها را با بی‌مسئولیتی و بی‌کفایتی تمام هز و هدر داده و نابود کرده‌اند. در این رابطه ایادی رژیم در "جهاد دانشگاهی" چنین وانمود و تبلیغ می‌کنند که مسئولیت اختراعات، اکتشافات و تحقیقات علمی در رژیم خمینی را بعهده دارند و بصورت بسیار مضحکی، برای



پس از دو سال سرگرمی و تفریح ایادی خمینی در جهاد "دانشگاهی"، عاقبت رژیم با وارد کردن مادهی اصلی داری ضدگزیدگی حشرات از سوئد، معجون فوق را تهیه و به‌اسم ساخته شده در رژیم خمینی، بین ایادیش در جبهه‌ها توزیع نمود.

رژیم قرون وسطائی خمینی، نمایش پیشرفت علمی و فنی و صنعتی ترتیب می‌دهند تا بزعم خود فاصله تاریخی و اجتماعی ارتجاع خمینی با قرن حاضر را، اینچنین مذبحانه پرنمایند!

زیرا واقع امر اینست که کلیه اقدامات مشعشع واحدهای باصطلاح "جهاد دانشگاهی" در دانشگاههای بزرگ کشور، اعم از واحدهای متالوژی، فیزیک، شیمی، داروسازی و... که تاکنون از طریق نمایشگاهها، برنامه‌های تلویزیونی، رپرتاژها و گزارشات مطبوعاتی، مقالات نشریهی وابسته به "جهاد دانشگاهی" (موسوم به "دانشگاه و انقلاب") معرفی شده، تقریباً به مثابهی یک "کار دستی" دوران دبستان، به درد نمره گرفتن و عوامفریبی و ارضای عقده‌ها و عقب‌ماندگی‌های تاریخی خمینی و دارو دستی ارتجاعی‌اش می‌خورد و یا به اعتراف خود باصطلاح "مخترعین و

مکتشفین" تازه به دوران رسیده، با سرهم‌بندی کردن قطعات مشابه دستگاههای خارجی، تنها یک نمونه برای نمایشگاههای سمعی و بصری و مطبوعاتی خمینی ساخته می‌شود تا از آن بهره‌برداری تبلیغاتی خمینی‌گونه بنمایند. زیرا "بدرد خور کردن" و انداختن این وسایل نمایشگاهی در خط تولید، مطلقاً در ظرفیت علمی و فنی و تاریخی و استعداد ایادی خمینی نمی‌گنجد.

فی‌المثل هرازگاهی در نشریات رژیم اعلام می‌شود: "۲۵۲ پروژه حاصل کار جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران...". "دهها پروژه از جهاد دانشگاهی، دانشگاه صنعتی شریف...". "۴۰ طرح تحقیقاتی و پژوهشی حاصل کار جهاد دانشگاهی مشهد... و یا اعلام اینکه: "جهاد دانشگاهی موفق به طراحی و اجرای ۱۴۰۰ پروژه و طرح شده است." (اطلاعات سرگرمی و تفریح داشته و عمدتاً

بدرد عوامفریبی رژیم می‌خورد. و الا تا آنجا که دیده شده و یا در رابطه با تضادهای درونی جناح‌های رژیم در دانشگاه کارا از زبان ایادی رژیم شنیده شده، حتی یک طرح و پروژه نیز، به مرحلهی صنعتی کردن نرسیده و به روی خط تولید نیفتاده است. اغلب طرحها در همان مرحلهی اولیهی آزمایشگاهی به بن‌بست رسیده و رها شده‌اند. تعداد زیادی از طرحها، علیرغم دو سال کار روی آنها، هنوز مورد مطالعه و تحقیق واحدهای تحقیق قرار دارند.

تنها شاهکار حضرات اینست که یکی دو طرح را تا مرحلهی نیمه صنعتی برسانند. اما از آنجا که طرحها با روشهای آزمایشگاهی و با فاصله بسیار زیاد از روشهای صنعتی و اقتصادی تهیه شده‌اند، اساساً قابلیت افتادن در خط تولید صنعتی را ندارند. حتی اگر گزارشات عوامفریبانه‌ای که "جهاد دانشگاهی" هرازگاهی از تحقیقات و اختراعات و اکتشافات خود ارائه می‌دهد، مرور شود، ورشکستگی و دست و پا زدن‌های

دانشگاهی" در تبلیغات عوامفریبانهی روش باصطلاح اختراعات و اکتشافات خود، با وقاحتی تمام، حتی بر روی همان طرحهای در دست تحقیق یا پروژه‌های نیمه صنعتی و آنهایی که "انشاءالله اگر درست شود..." و یا پروژه‌هایی که با سرهم‌بندی کردن قطعات پیش‌ساخته‌ی مختلف، بصورت ابتدائی و البته نمایشی عرضه می‌کند، فی‌القور مارک "برتر از نمونه‌های مشابه خارجی" می‌جسباند! و قابل توجه‌تر



واحد تهیه گاز متان از فضولات حیوانی

این همان طرحی است که رژیم در سمپوزیوم "بین‌المللی" دورنمای انرژی که در خرداد امسال در تهران تشکیل داده، از آن به عنوان کشفیات و دست‌آوردهای جدید دانشمندان رژیم در زمینهی انرژی نام برد. لازم به توضیح است که "جهاد دانشگاهی"، دانشگاه صنعتی شریف از اواخر سال ۵۹ شروع به این کار کرد و به قول خودشان موفق شدند برای آن "راکتور" بسازند و از طریق آن به تحقیق و بررسی بپردازند. قسمتی از "راکتور" فوق‌الذکر را ملاحظه می‌کنید!

بلاهت‌بار ایادی رژیم بخوبی مشخص می‌گردد. فی‌المثل پس از سپری شدن بیش از سه سال و نیم از عمر واحدهای تحقیقاتی و پژوهشی "جهاد دانشگاهی"، گزارشی نیست که در آن، هنگام توضیح پروژه‌ها و نتایج آنها، خواننده با واژه‌ها و جملاتی از قبیل: "چنانچه طرح با موفقیت به پایان برسد..."، "به علت کمبود بودجهی جهاد دانشگاهی..." بسیاری از طرحها و پروژه‌های صنعتی به مرحلهی اجرا و تولید نمی‌رسد...

"انشاءالله این پروژه بسیار مفید خواهد بود!" "از آنجا که... تا بحال توانسته‌ایم آنرا روی خط تولید بیاوریم"، "امید است که بتوانیم...". "روبرو نشود. مضافاً بر اینکه صدها طرح و پروژه نیز با قید جملهی "میزان پیشرفت مشخص نیست" و بر روی دست مزدوران بی‌مایهی رژیم مانده است و حضرات حتی هنوز در کشف میزان پیشرفت‌های دست‌بخت خود وامانده‌اند! با اینحال همچنانکه ذاتی دارودسته و وابستگان خمینی است، "جهاد

اینکه عناصر شیاد رژیم در دانشگاهها، همین کاردستی‌های نیمه‌کاره و بی‌مصرف خود را، در نمایشگاههایی که به همین منظور تشکیل می‌شود، به نمایش می‌گذارند و در موارد متعددی نیز مشاهده شده که پس از چند ماه و حتی چند سال، با تشکیل نمایشگاهی دیگر، همان اختراعات کذائی قبلی را با جابجائی کارنامه و اتیکت روی آن و تغییر نام مجری طرح، مجدداً به خورد بینندگان می‌دهند!

اما تبلیغات "جهاد دانشگاهی" در زمینهی تحقیقات و اختراعات و اکتشافات مشعشع! علاوه بر فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت عوامفریبی‌های رژیم، جنبه‌های دیگری نیز دارد و از آن عمدتاً در جهت مقابله و بستن دهان جناح‌های دیگر رژیم، بهره‌برداری می‌شود. ما در فرصت‌های مناسب به این‌گونه تضادها و جناح‌بندی‌های ایادی رژیم در قلمرو دانشگاه بیشتر خواهیم پرداخت، اما در چارچوب بحث حاضر تنها کافیست اشاره کنیم، از آنجا که برخی جناح‌های بقیه در صفحه ۱۸

گسترش موج حمایت از اقدامات صلح خواهانه شورای ملی مقاومت در کشورهای مختلف

ایتالیا

روز ۲۴ فوریه به ابتکار شهرداری شهر "ایمولا" در ایتالیا، جلسه‌ای برای بزرگداشت پنجمین سالروز انقلاب و بحث درباره‌ی جنگ ایران و عراق در محل شهرداری این شهر برگزار گردید. در این جلسه که با شرکت نمایندگان از شورای ملی مقاومت برگزار شد، ابتدا آقای مارکو پلیکونی مسئول هنری و اجتماعی شهرداری و سپس آقای رضا اولیاء از طرف نمایندگی شورای ملی مقاومت به سخنرانی پرداختند و آقای اولیاء بیان کلی و مختصری از ۵ سال حکومت خونخوار خمینی به حاضران عرضه داشت. سپس آقای حسن کاظمی نماینده‌ی شورای متحد جب، سخنانی درباره‌ی مبارزات مردم ایران و انگیزه‌های انقلاب بیان داشت. آنگاه نماینده‌ی پناهندگان سیاسی کمونیست شیلی، مسئول انجمن پارتیزان‌های شهر ایمولا، مسئول سازمان جوانان حزب کمونیست، سخنانی در پشتیبانی از مقاومت مردم ایران ابراز داشتند.

نمایندگی شورای ملی مقاومت در ایتالیا، در ادامه‌ی تماس‌ها و ملاقات‌های خود با احزاب و نمایندگان پارلمان این کشور، موفق به جلب نظرات آنان پیرامون محکومیت جنگ افسروزی رژیم خمینی گردیده و منجمله در این راستا، روسای گروه نمایندگان سوسیالیست در مجلس ایتالیا و رئیس گروه سناتورهای سوسیالیست در سنای این کشور، ضمن تقدیر از اقدام برادر مجاهد مسعود رجوی برای قطع یک هفته‌ای بمباران شهرها و غیرنظامیان، در رابطه با فعالیت‌های صلح‌طلبانه‌شان به اطلاع آقای حسین نقدی رساندند که با ارسال نامه‌هایی خطاب به مقامات ایران و عراق خواستار برقراری هر چه سریع‌تر آتش‌بس و صلح شده‌اند.

نامه حزب

"وحدت پرولتاریا"

به دبیرکل سازمان ملل

به: رئیس سازمان ملل متحد
آقای پرزدو کوئلار
نیویورک - ایالات متحده آمریکا
رم - ۲۴ فوریه/۱۹۸۴
آقای رئیس:
جنگی که سال‌هاست بین ایران و عراق جریان دارد، در

این روزها خود را در ابعاد شدید و وحشتناک‌تری نشان می‌دهد. این جنگ نه فقط مستمرا کشته شدن دهها هزار قربانی از هر دو طرف، بخصوص از مردم عادی، را در بر دارد، بلکه واقعا در این ایام بیم آن می‌رود که جنگ با در بر گرفتن سایر کشورها، به ماورای منطقه‌ی خلیج نیز گسترش یابد. از طرف دیگر رژیم خمینی، ضمن بی‌اعتنائی به راه‌حل‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، سعی در بفرنج ساختن این جنگ دارد. رژیم عراق به دنبال پیشنهاد مسعود رجوی رئیس شورای ملی مقاومت ایران و رهبر مجاهدین، آمادگی خود را برای امضای قرارداد دوجانبه‌ای جهت قطع بمباران هدف‌های غیرنظامی اعلام کرده است.

مسئله‌ی فوق را به شما ارجاع می‌نمائیم تا اقدامات لازمی برای پایان بخشیدن به این جنگ بعمل آورده و راه حل صلح‌آمیزی در مقابل این انتقام‌جوئی‌های دو کشور متخاصم بیابید. به امید توجهات شما و باشیسته‌ترین سلام‌ها از طرف حزب وحدت پرولتاریا (جولیانازگرن)

تلگرام کنفدراسیون

سراسری کارگران ایتالیا

(C.G.I.L.)

به دبیرکل ملل متحد

به: دبیرکل سازمان ملل متحد
پرزدو کوئلار
رم - ۲۵ فوریه/۸۴
تصمیم ایران مبنی بر قطع بمباران مراکز مسکونی و غیرنظامیان که در تاریخ ۱۹ فوریه اعلام شد، بدنبال تصمیم مشابهی است که از طرف دولت عراق در تاریخ ۱۴ فوریه بنا به درخواست رئیس شورای ملی مقاومت مسعود رجوی صورت گرفته بود و دورنمایی برای طرفین متخاصم می‌گشاید تا کنوانسیون ۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل را به مرحله‌ی اجرا درآورند.

این قطعنامه درباره‌ی منع بمباران هدف‌های غیرنظامی است.

کنفدراسیون سراسری کارگران ایتالیا ضروری می‌داند که سازمان ملل متحد و همه‌ی کشورهای عضو آن، هر گونه کوششی را برای متقاعد نمودن طرفین متخاصم جهت حل اختلافات

فی‌مابین مبذول دارند. رونوشت نامه‌های فوق توسط کنفدراسیون سراسری کارگران ایتالیا و حزب وحدت پرولتاریای این کشور، برای انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا ارسال شده است.

* * *

انگلستان

بدنبال بالاگرفتن جنگ‌افروزی رژیم خمینی، به ابتکار آقای غلامحسین باقرزاده (نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در انگلستان) طوماری با مضمون زیر با کمک هواداران شورای ملی مقاومت در انگلیس تنظیم گردید که عده‌ی زیادی از مردم این کشور آن را امضاء نمودند. علاوه بر این طومار، چندین تراکت و آفیش نیز تکثیر و توزیع گردید که در آن‌ها ضمن محکوم نمودن ادامه‌ی جنگ‌طلبی رژیم خمینی، عکس‌صحنه‌هایی از کشتار جمعی در جنگ ایران و عراق به نمایش گذاشته شده و با درج طرح صلح شورای ملی مقاومت، آمار و ارقام مربوط به جنگ نیز انعکاس یافته بود.

متن طومار

ما امضاءکنندگان زیر از دولت انگلستان خواستاریم که فروش سلاح و قطعات یدکی را به ایران و عراق چه بطور مستقیم و چه بطور غیر مستقیم متوقف کرده، تحریم خرید نفت را به منظور جلوگیری از پرداخت هزینه‌های جنگ اعمال نموده و خواستار یک آتش‌بس فوری و پایان دادن به تمام منازعات بر طبق آنچه که در طرح صلح شورای ملی مقاومت که مورد تصویب پارلمان اروپا در تاریخ فوریه ۱۹۸۴ قرار گرفت، بشود. این جنگ را تا قبل از آنکه پای سایر ملت‌ها به داخل آن کشیده شود، متوقف نمائید.

* * *

نامه ۷ تن از نمایندگان

حزب لیبرال انگلستان

در مجلس عوام این کشور

به دبیرکل سازمان ملل

آقای پرزدو کوئلار؛ ما بعنوان نمایندگان پارلمان انگلستان، نگرانی عمیق خود را از ادامه‌ی جنگ ایران و عراق که نه تنها موجب کشته و زخمی شدن صدها هزار نفر از طرفین

متخاصم گردیده بلکه صلح منطقه و جهان را نیز به خطر انداخته، ابراز می‌داریم. بنابراین ما از اقدام دولت عراق، مبنی بر توقف یک‌هفته‌ای بمباران شهرهای ایران که به درخواست آقای مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین و مسئول شورای ملی مقاومت صورت گرفته، استقبال می‌نمائیم. ما همچنین از شما تقاضا داریم تا از هر طریق ممکن، ضمن استفاده از این موقعیت، اقدامات لازم را جهت خاتمه‌ی دائمی بمباران مناطق غیرنظامی و برقراری صلح بکار ببرید:

- ۱ - استن راس ۲ - آلن بیس
- ۳ - تدی آشتن ۴ - دیوید آلتون
- ۵ - آرشی کیک‌وود ۶ - آلکس کارلای ۷ - مایکل میدوکراس

* * *

قطعنامه کنگره

لیبرال یورکشایر

در پی فعالیت اعضای انجمن دانشجویان مسلمان انگلیس، حزب لیبرال انگلیس در یورکشایر در کنگره‌ی اخیر خود که در شهر لیدز برگزار شد، قطعنامه‌ی پیشنهاد شده‌ی شاخه‌ی لیدز را به جنگ ایران و عراق اختصاص داده و آنرا به تصویب رسانید: "این مجلس عمیقاً نگران شعله‌ور شدن مجدد جنگ خلیج که نتیجه‌ی سیاست‌های ددمنشانه‌ی رژیم خمینی است، می‌باشد. ما گلوله‌باران اهداف غیرنظامی را محکوم کرده و با در نظر گرفتن اخبار اخیر در مورد نقض حقوق بشر در ایران، توسط آقای پرزدو کوئلار، استفاده‌ی خمینی از جنگ برای سرپوش گذاشتن بر اختناق را محکوم می‌شماریم. بنابراین ما از اقداماتی که برای پایان دادن این جنگ انجام می‌گیرد، پشتیبانی می‌کنیم و از تلاش‌های شورای ملی مقاومت ایران برای صلح و دمکراسی حمایت می‌نمائیم."

هند

قطعنامه حزب "جانانا"

در مورد نقض حقوق بشر

در ایران

و جنگ ایران و عراق

حزب جانانا یکی از عمده‌ترین احزاب هند است که

از حمایت تعدادی از دیگر احزاب هند نیز برخوردار بوده و دولت ایالت کارناتاکای هند را در دست دارد.

کنگره‌ی حزب جانانا پس از سه سال در تاریخ ۱۰/مارس/۸۴ در شهر پاتلا پایتخت ایالت بیجار برگزار شد. در این کنگره که بیش از ۵۰/۰۰۰ نفر از اعضا و نمایندگان این حزب از ۲۲ ایالت هند شرکت داشتند، خطوط سیاسی آینده‌ی حزب طی قطعنامه‌های مصوبه اعلام گردید. در رابطه با سیاست خارجی، قطعنامه‌ای نیز در مورد ایران به تصویب رسید که طی آن نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی و نیز جنگ‌طلبی این رژیم را محکوم کرده و از مقاومت مردم ایران ابراز پشتیبانی شد. خبر تصویب این قطعنامه در دهها روزنامه‌ی هند منعکس گردید.

متن قطعنامه

"حزب جانانا نقض حقوق بشر در ایران را محکوم می‌کند و بویژه ابراز نگرانی خود را از اعدام زندانیان سیاسی در آن کشور تصریح نموده و حمایت خود را از افرادی که جهت دمکراسی و احقاق حقوق بشر بر علیه استبداد حاکم مبارزه می‌کنند، ابراز می‌دارد.

حزب جانانا از ایران و عراق می‌خواهد تا آتش‌بس فوری طبق قرارداد ۱۹۷۵، به موجب طرح صلح گروه غیرمتعهد‌ها را به اجرا در بیاورند."

در روزهای برگزاری کنگره‌ی حزب جانانا، انجمن دانشجویان مسلمان هند ضمن تماس‌های گسترده‌ای با نمایندگان این حزب، آکسیون افشاگرانه‌ی نیز در محل برگزاری کنگره برپا کرده بودند که مورد توجه قرار گرفت.

* * *

تظاهرات

علیه جنگ افسروزی

رژیم خمینی در دهلی نو

در رابطه با ابتکار و اقدامات برادر مجاهد مسعود رجوی در مورد قطع موقت بمباران غیرنظامیان در جنگ ایران و عراق، از طرف انجمن دانشجویان مسلمان هند اقدامات گسترده‌ای جهت روشن کردن افکار عمومی مردم هند صورت گرفت و پشتیبانی وسیعی را در مجامع مختلف مردم هند برانگیخت. از جمله "مجمع بقیه در صفحه ۱۷"

گزارشی از ششمین جلسه ماهانه بحث و گفتگوی نمایندگی شورای ملی مقاومت در انگلستان

ششمین جلسه ماهانه شورای ملی مقاومت در انگلستان در تاریخ ۱۸ اسفند ماه ۱۳۶۲ (۸ مارس ۸۴) در سالن یونیون دانشگاه لندن برگزار گردید. برگزاری این جلسه که مصادف با روز جهانی زن بود، به بحث در مورد مسئله زنان اختصاص یافت. سخنرانان این جلسه خانم فرزانه کیانوش و آقای دکتر بهمن نیرومند نماینده شورای ملی مقاومت در آلمان بودند. سالن محل کنفرانس با پرچم ایران و قسمت‌هایی از برنامه‌های شورای ملی مقاومت و وظایف مبرم دولت موقت در مورد حقوق زنان، تزئین شده بود. در آغاز آقای باقرزاده که مسئولیت جلسه را بعهده داشت، ضمن تشکر از شرکت‌کنندگان، در رابطه با موضوع سخنرانی اظهار نمود: "... طبیعی است که در مورد مسئله زنان در درجه‌ی اول خود زنان هستند که باید سخن بگویند و ما هم بشنویم و یاد بگیریم، البته همیشه این مسئله بوده که مردهایی هم در باره‌ی مسئله زنان سخن گفته‌اند، ولی صحبت‌هایی که بیشتر از ناحیه‌ی مردها شده، نوعاً یا از موضع تجلیل از موقعیت زن برای سوء-استفاده از حمایت زن بوده، و با همی تعارفهایی که در مورد زن کرده‌اند و می‌کنند، هدفی جز بهره‌برداری سیاسی از این مسئله نداشته‌اند؛ نوع وقیح این برخورد را ما در خود خمینی دیدیم که بارها در مقام زن و موقعیت زن چنان سخن می‌گفت که گوئی در جهان زن همه کاره است و مرد هیچ و بعد رفتاری که با زنان جامعه‌ی ما کرده و می‌بینید... مردانی هم بوده‌اند که واقعا به آزادی زن اعتقاد داشته‌اند و از صمیم قلب برای آزادی زن سخن گفته و یا کار کرده‌اند. و در این جا هم باز برخورد، نوعاً برخورد پدر-سالارانه و از موضع بالاست، همچون برده‌داری که روزی برای بردگان خود دل می‌سوزاندند... ولی برخورد سومی هست و آن در این جا هست که مرد احساس می‌کند که جامعه‌ی پدر سالار جامعه‌ای که ارزشهای پدرسالار بر آن حاکم است، نه تنها زن را اسیر کرده و تحت ستم مضاعف قرار می‌دهد، بلکه مرد هم در این جامعه آزاد نیست و این آزادی زن را مقدمه‌ای برای آزادی انسان

می‌بیند. در اینجا زن دیگر آزادی‌اش فقط آزادی خودش نیست که بدست می‌آورد، بلکه آزادی جامعه‌ی انسانی را بدست می‌آورد...". پس از سخنان آقای باقرزاده، خانم فرزانه کیانوش که از طرف نمایندگی شورای ملی مقاومت در لندن برای سخنرانی در این جلسه دعوت شده بود، با یادآوری این نکته که ایشان عضو شورای ملی مقاومت و وابسته به آن نیست، سخنان خود را آغاز کرد و گفت: "تشکر می‌کنم از اینکه به من این وقت داده شده که راجع به موضوع زنان صحبت بکنم و فکر می‌کنم که زنان باید بتوانند از تمام موقعیت‌هایی که موجود است، امروز استفاده کنند و

می‌گذارند روی نکته‌ای که می‌خواهم در طول صحبتم تکرار بگویم، (و آن) این است که زنان و جنبش شرکت زنان برای بدست آوردن حقوقشان، برای بدست آوردن آزادی، جزو مسائل بسیار مهم است، جزو اساسی‌ترین مسئله است؛ یعنی تا موقعیکه خود زنان در مسائل شرکت نکنند، نباید امیدی داشته باشند به این که بقیه بهشان حق را بدهند، باید شرکت کنند و حق را بگیرند. فکر کردم که بهتر است از خودم شروع بکنم، یک کمی از گذشته‌ی خودم بگویم: من زنی هستم که از طبقه‌ی نسبتاً مرفه ایرانی آمدم (و از این نظر می‌گویم که چون بعدها و حتما توی بحث‌ها، توی سوال و

اینکه چرا به این گونه باید باشد؟ چرا زندگی من به این شکل درآمد؟ و بخصوص با بودن از طبقه‌ی مرفه، پسرهایی که در خانواده‌ی من بودند، بهترین وسایل را داشتند و هر کاری خواستند کردند و هر جایی خواستند، درس خواندند، هر نوعی که خواستند از استعدادشان استفاده کردند و فقط دخترها بودند که با وجود امکانات مادی نتوانستند. این مسئله همیشه برای من سوال بود که چرا؟ بدنیاال این چراها، بسیار خواندم، بسیار صحبت کردم، بسیار با دوستان زن مسائل را در میان گذاشتم و به دنبال جوابی که رسیدم این بود که باید مسائل زن را زنان حل بکنند و درگیر باشند در مسائل اجتماعی، مسئله‌ای است که می‌خواهم روی آن تکیه بکنم که از تجربه‌ی شخصی من با خواندن تئوری‌ها پیش آمده، نه اینکه تئوری‌ها را آدم خوانده باشد و فقط رونویسی بکند.



از راست به چپ: خانم فرزانه کیانوش، دکتر غلامحسین باقرزاده (نمایندگی شورا در انگلستان)، دکتر بهمن نیرومند (نمایندگی شورا در آلمان)

آزادی نیست؛ این (فرد) درگیری‌ها و مسائل اجتماعی دارد. روابط اجتماعی دارد. یک فرد بطور آزاد نمی‌تواند در خلاء زندگی بکند، چون من خواه ناخواه با مردها رابطه دارم، خواه و ناخواه با جامعه رابطه دارم و با کسانی که با آن‌ها درگیری دارم، پس این ضامن آزادی اجتماعی هم هست و روی این اصل هست که من معتقدم که زن‌ها باید وارد جریان‌های اجتماعی و جنبش زنان شوند.

خانم کیانوش با یادآوری تظاهرات زنان ایرانی بمناسبت روز جهانی زن، در اولین سال پیروزی انقلاب گفت: "چطور شد که وضع زنان به اینجا رسید، چطور شد که بعد از ۵ سال اتفاقی که توی ایران افتاده و تغییراتی که انقلاب توی ایران (ایجاد کرده)، بزرگ‌ترین ضربات به زنان وارد شده؟ درست است که به تمام ملت ایران صدمه وارد شده، مصیبتی که به ملت ایران در عرض ۵ سال گذشته (وارد آمده)، اصلاً در تاریخ، به عقیده‌ی من، بی‌سابقه است. این حکومت، حکومت ضدانسانی است. ضد زن فقط نیست. ضد انسانی است. ولی فشاری که به زنان وارد شده و ابعاد این فشار به اشکالی که به وجود آمده، اصلاً وحشتناک است. ولی چطور شد که در طول ۵ سال گذشته، هیچ اقدامی، هیچ نوع کوششی از طرف تمام کسانی که همیشه طرفدار آزادی بودند و همیشه طرفدار برابری حقوق زن و مرد بودند، پیش نیامده؟ چرا اینگونه شده؟" سخنران جلسه در مورد برخورد با مسائل زنان نیروهای سیاسی را به "گروههای مذهبی"، "سازمان‌های مترقی" و "گروههای چپ" تقسیم کرد و در رابطه با برخورد گروههای مذهبی در این مورد چنین توضیح داد:

"گروههای مذهبی براساس ایدئولوژی‌شان حرفی که دارند معمولاً جواب‌هایی که به زن‌ها می‌دهند، جز جواب‌های خیلی گنگ و سرپیسته چیزی دستگیر زنان نمی‌شود؛ از نوع مسائلی که توی خود ایران از طرف حکومت ایران، دولت اسلامی ایران، مصیبت‌هایی که به سر زنان می‌آید، و سوالاتی که می‌شود همیشه برمی‌گردد به تفسیر قرآن و مسائل اسلامی و نوع تعبیر. سوالاتی که برای زنان پیش می‌آید، از طرف مسلمانان، برادران مجاهد، سازمان مجاهدین خلق به عنوان یک سازمان مبارز و سازمان انقلابی، همیشه جوابی که لااقل من شنیدم این است که اسلام

برای اینکه مناسفانه ما همینطوری که ایشان (آقای باقرزاده) گفتند: هیچکس نیست که پای صحبت که بشود، هیچ مردی نیست که بیاید رسماً بگوید: "من با آزادی زن موافق نیستم." حتی آقای خمینی هم موقعی که در پاریس بودند گفتند که زن و مرد با هم مساوی هستند؛ حتی زن‌ها می‌توانند کار هم بکنند... این از نظر من مهم است که روی آن دوبرتبه تکیه بکنم که من به مسائلی که رسیدم از پایه‌ی تجربیات عملی به آن رسیدم و نه فقط از روی تئوری و خود را می‌توانم بگویم که به عنوان یک فرد آزاد کردم، اما، بطوری که همه می‌دانند، آزاد کردن فردی ضامن بدست آوردن

جوابها به آن‌ها برخورد خواهد کرد که مسئله‌ی زنان بدین شکل باید مطرح شود) و با وجودیکه از طبقه‌ی مرفه جامعه‌ی ایران بودم و با وجودیکه نسبتاً امتیازاتی به خاطر وابستگی طبقاتی‌ام داشتم، نسبت به زنان طبقه‌ی کارگر و دهقان و طبقات محروم جامعه، ولی در تمام طول زندگی‌ام بخاطر فقط و فقط زن بودنم و بخاطر اینکه زن دنیا آمدم و نوع من، نوعی که اسمش زن است که هیچ تقصیری در بوجود آمدنش نداشتم، شدیدترین فشارها و استعمار به تمام معنا در هر مرحله‌ای از زندگی به من وارد شده است. و بدنیاال پیدا کردن جوابی برای

مسائلشان را مطرح کنند. امیدوار بودم که امشب زنان بیشتری را اینجا ببینم. امروز روز بین‌المللی زن هست، ولی با کمال تأسف، آنچنان تعداد (زنان) زیاد نیست. باز لااقل جای خوشبختی است که مردها هستند که اقلان بیایند و گوش بدهند، ولی این گویا بازگو کننده‌ی مسئله‌ای است که واقعا مسئله‌ی زن چقدر مسئله است که حتی خود ما آن چنان که باید نیستیم، اینجا خارج از کشور است، همه می‌توانند بیایند، با مسائل هم روبرو هستند، گرفتاریهای دیگری هم نیست، لااقل برای گوش دادن، ولی با کمال تأسف آنچنان که باید شرکت نشده و این بیشتر تاکید

گزارشی از ششمین جلسه ماهانه بحث و گفتگوی نمایندگی شورای ملی مقاومت در انگلستان

کنند و بحث بکنند و دردهایشان را مطرح بکنند.

خانم کیانوش در رابطه با توضیح بیشتر نقطه نظر خود در مورد جنبش مستقل زنان گفت، همچنانکه مردان امکان دور هم جمع شدن، محفل تشکیل دادن و از مسائل یکدیگر مطلع شدن را دارند، باید به زنان هم این امکان داده شود تا از مشکلات و مسائل خاص خودشان باخبر شوند و به راه حل های ممکن در رابطه با آنها برسند. وی در مورد اشتراک مسائل زنان صرف نظر از وابستگی طبقاتی و خواستگاه اجتماعی آنها چنین گفت:

"من مطمئنم با وجودی که درد و رنجی که زن طبقه کارگر می کشد، من به شخص خودم به آن درجه نکشیدم، ولی من اگر بروم با او صحبت کنم، درد من و او در خیلی مسائل، در ۹۰٪ مسائل یکی است. ما خیلی مسائل با زن ها داریم که مسائلمان یکی است و این جدائی اندازی مناسفانه جدائی-اندازی است که به عقیده من جنبش چپ در مورد مسائل حتی بسیج و بسیج گری و آگاهی برای مردم ایران بطور کلی، این جدائی اندازی را انداخته و الان مناسفانه زنان ما ناخودآگاه آن اندازی است که به عقیده من جنبش چپ در مورد مسائل حتی بسیج و بسیج گری و آگاهی برای مردم ایران بطور کلی، این جدائی اندازی را انداخته و الان مناسفانه زنان ما ناخودآگاه آن اندازند.

جنبش مستقل زنان، الان از نظر اینکه شاید عده های لاقول تاریخش را نبینند، الان در عرض این دو سال گذشته جنبش مستقل زنان بطور خیلی جدی در سراسر اروپا، کشورهای مختلف اروپا، بخصوص آلمان و فرانسه و انگلستان و در شهرهای مختلف آمریکا پا گرفته است و زنان جلسات مرتب دارند، سمینار می گذارند و مسئله زنان را از طریق مطبوعات و رسانه های گروهی پخش می کنند. ولی الان در حدود ۶ ماه هست که باز این رفتاری ها بین جنبش زنان افتاده و الان در بعضی قسمت ها در اروپا بصورت دو گروه شدند. یک عده (اسم) خودشان را "جنبش مستقل زنان" می گذارند یک عده "جنبش مستقل دمکراتیک زنان" و دوباره همان اشتباهی که گفتم در جنبش چپ پیش آمده، دارد بین زنان اتفاق می افتد و من نظر فردی خودم را دو مرتبه تاکید می کنم، من

راستین با اسلام غیر راستین، با اسلام خمینی فرق دارد، این به عقیده من جوابگو نیست. من خیلی خوشحال می شدم و خیلی امیدوار بودم، مطرح هم کردم که اگر یک خواهر مجاهد امشب اینجا بودند و صحبت می کردند. برای آنکه خواهران مجاهد که این نوع ایدئولوژی را قبول دارند، من خیلی علاقه دارم که از زبان خود خواهران مجاهد بشنوم که چطور قبول می کنند؟ چطور حجاب اجباری را قبول می کنند؟ چطور تمام مسائلی که برای زن هست حالا توی جزئیاتش نمی روم. ولی مناسفانه هر وقت دست دراز می شود به طرف خواهران مجاهد، برادران مجاهد جواب می گویند. و من هیچوقت جوابی از خواهران مجاهد، از خودشان بطور مستقیم، نشنیدم و همیشه برادران مجاهد تصمیم را گرفته اند و جواب را دادند." سخنران سپس به طرح نقطه نظر اصلی خود، به عنوان چاره ی مشکل و مسئله زنان پرداخت و چنین ادامه داد:

"من بطور خیلی تاکیدوار روی جنبش مستقل می خواهم صحبت بکنم، جنبش مستقل زنان ممکن است که با اسمش آشنائی داشته باشید و ممکن هم هست (آشنا) نباشید، ولی بطور کلی نظریه ایست بین یک عده ی زیادی از زنان خارج از کشور. باید گفته شود زنان خارج از کشور، بعد از حجاب اجباری در ایران و تمام اتفاقاتی که افتاد، زانی که درگیر مسائل اجتماعی هستند به این نتیجه رسیدند که ما باید جنبش مستقل خودمان را داشته باشیم. جنبش مستقل جدا از گروه های سیاسی و ایدئولوژی های سیاسی، این را تاکید می کنم که این معایر آن نیست که هر زنی با هر ایدئولوژی سیاسی که داشته باشد، بخواهد توی سازمان سیاسی خودش فعالیت بکند، آن حق دمکراتیک هر فرد است. حق دمکراتیک هر انسانی است که اگر سیاسی است اگر دلش می خواهد مبارزه ی سیاسی بکند، سازمان و گروه سیاسی که مطابق میلش است انتخاب می کند و مبارزه می کند ولی مسئله زنان، مسئله های است که مربوط به خود زنان می شود، مسئله های است که زنان باید با هم بنشینند و مطرح

معتمد که مبارزات زنان، شرکت زنان در مبارزات حول مسائل خود زنان، هیچ مغایرتی با مبارزه ی طبقاتی ندارد، هیچ خط کشی بین این نیست که اگر ما حول مسائل خودمون جمع می شویم، پس ما مخالف مبارزه ی طبقاتی هستیم، مغایرتی با هم ندارد ولی الزاماً اگر کسانی آنقدر آگاهی سیاسی ندارند و یا حتی نمی خواهند درگیر مبارزه ی طبقاتی بشوند، یعنی بطور عملی وارد شوند، خیلی خوب زور که نیست آن ها بیایند راجع به مثلاً مسئله خانواده، مسئله شوهر، راجع به این ها حرف بزنند، باید این اجازه به آنها داده شود، ولی هیچ مغایرتی بین این دو وجود ندارد و ما باید در پیشبرد جنبش مستقل زنان به عنوان زن و آگاهی دادن به دوستان مرد نهایت کوشش را بکنیم."

خانم کیانوش با ذکر مجدد این نکته که "فقط به عنوان یک فرد و یک زن ایرانی" نظراتش را ابراز می دارد، به طرح انتقادات و انتظارات خود از شورای ملی مقاومت پرداخت و گفت شورای ملی مقاومت هم به مسئله زنان بصورت خیلی کلی پرداخته است که طبعاً روشن کننده ی چیزی نیست و خواهان این شد که شورا توضیح دهد از زمان تشکیل آن چه کارهایی در زمینه ی برابری حقوق زن و مرد کرده است. همچنین او خواستار شد که سازمان مجاهدین نقطه نظرات خود را در مورد مسئله زنان و برابری حقوق زنان با مردان بطور روشن اعلام کند و ضمن تشریح دیدگاه های مربوط به زن در اسلام راستین مورد نظر مجاهدین و تفاوت های آن با اسلام خمینی، در این رابطه تضمین های مربوط به رعایت شدن حقوق زنان در جامعه ی مورد نظر مجاهدین بیان کنند و مطرح نمود که چرا هیچوقت شورا درباره ی شرکت زنان در کار، برابری حقوق و حجاب بطور مشخص صحبت نکرده است. خانم کیانوش با آرزوی پا گرفتن جنبش مستقل زنان سخنان خود را پایان بخشید.

پس از سخنان خانم کیانوش آقای دکتر بهمن نیرومند سخنان خود را با تذکر این نکته آغاز کرد که در رابطه با مسئله زن "حق این بود که در این جلسه تنها رفقای زن سخن بگویند و ما مردها گوش فرا دهیم و بیاموزیم". آقای نیرومند با تاکید بر اینکه مسئله زنان در واقع مسئله مردان هم هست، (بطوریکه نوع برداشت از این مسئله در تمام نهادهای اجتماعی تاثیر خاص خودش را می گذارد و بنا بر

این نباید آن را فقط مسئله ی زنان دانست) افزود که با وجود این مردان درک درستی از مسائل زنان ندارند و کمتر مردی یافت می شود که نابرابری های موجود میان زنان و مردان را واقعا لمس کند و این عدم لمس در سازمان های سیاسی و انقلابی و حتی در زندگی خصوصی هم می افراد کاملاً بارز است و روابط پدرسالارانه بر تمامی آنها حکومت می کند. او با اشاره به جنایات دهشتناکی که در رژیم خمینی بر زنان کشورمان می رود، همین وضعیت را علت طرح جدی مسئله زنان در این برهه از زمان دانست. وی سپس به ریشه یابی انحراف برداشت های موجود در رابطه با مسئله زنان پرداخت و گفت که یکی از این برداشتها تقسیم تضادهای موجود در جامعه به تضادهای اصلی و تضادهای فرعی است و از آنجا که این برداشت حل تضادهای فرعی را موکول به حل تضاد اصلی می نماید، سبب آن می شود که مسئله زنان نیز جزو تضادهای فرعی تا پیروزی بر امپریالیسم مسکوت گذاشته شود.

آقای نیرومند سپس به نقادی این تئوری پرداخت و آنگاه به نتایج اجتماعی این نوع تحلیل از سوی گروه های چپ در ایران بعد از انقلاب پرداخت که از ترس مخدوش نشدن مبارزه ی ضدامپریالیستی (تضاد عمده) جنایات گوناگون رژیم خمینی را توجیه می کردند و گردن می گذاشتند. وی در این رابطه مثالهایی ذکر کرد و افزود که برخورد با مسئله زنان نمونه ای از نتایج این تحلیل است؛ زیرا معتقدان به این تحلیل چنین می پندارند که "مسئله زنان" از آن نظر که تضاد فرعی و فرهنگی است، در شرایط حاضر که مادریک مبارزه ی سهمگین تری هستیم نباید به آن دامن زد و بایستی نیروی زنان را هم، با حفظ مناسبات موجود، در جهت حل تضاد اصلی هدایت کرد. سخنران در این جا به نمونه های دیگر برداشتهای انحرافی پرداخت و گفت:

"یکی دیگر از ادعاهای نادرست اکثر نیروهای چپ این است که گویا در جوامع سرمایه داری - بورژوازی و یا در جوامع وابسته به امپریالیسم مبارزه برای تحقق آزادیها و حقوق دمکراتیک اقشار و طبقات استثمار شونده، از جمله مبارزه ی زنان برای رهائی از قیود جامعه ی مردسالارانه، کوششی عبث است، زیرا بزعم آنها، آنچه در این پیکار در بهترین حالت به دست می آید یک دموکراسی صوری است که خود

فربیی بیش نیست. لذا نباید گول ترفندهای بورژوازی را خورد و به او اجازه داد که با نان قندی دهان توده ها را شیرین کند و در مبارزه ی آنها انحراف ایجاد نماید. در این ادعا دو اشتباه فاحش موجود است. یکی اینکه گویا همین دموکراسی صوری از هدایای سخاوتمندانه ی بورژوازی به توده های زحمتکش است و دوم اینکه گویا دموکراسی بنیادی، پرولتری و واقعی، دموکراسی صوری را نفی می کند و با آن متضاد است. واقعیت این است که همین دموکراسی حاکم در جوامع سرمایه داری، دست آورد مبارزه ی بعضا بس خونین توده های تحت ستم و در راس آنها طبقه ی کارگر است. حق رای، حق انتخاب شدن، انتخابات آزاد، آزادی بیان، عقیده و مذهب، آزادی احزاب، سندیکاها و مطبوعات، حق اعتصاب، تظاهرات و بسیاری آزادیها و حقوق دیگر، از جمله بسیاری حقوق مربوط به زنان، ارزشهایی هستند که بدون آنها بلوغ اجتماعی، مبارزه با عقب ماندگی و حرکت به سوی مراحل و کیفیتهای بالاتر تکامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن نیست. کسانی که این حقوق و آزادیها را که کم و بیش در جوامع پیشرفته ی سرمایه داری تثبیت شده اند، تحت عنوان دموکراسی صوری، لیبرالیستی و بورژوازی بی اهمیت و گاهی حتی منفی ارزیابی می کنند، در عمل ندانسته بر مبارزات بیش از یک قرن توده های زحمتکش خط بطلان می کشند. آنها ظاهراً نمی دانند که لیبرالیسم، آزادیخواهی و دموکراسی بورژوازی در محدوده ی رقابت آزاد سرمایه ها و دفاع از مالکیت خصوصی باقی می ماند و هیچگاه و در هیچیک از دوران تاریخ حکومت بورژوازی و سرمایه داران، حقوق و آزادیهای فراتر از آنرا برای توده های مردم داوطلبانه نپذیرفته اند. تمام این حقوق و آزادیها، بدون استثناء، از طریق مبارزات مردم بر آنها تحمیل شده است. دموکراسی و آزادی جنبه ی پوینده و بنیان براننداز جامعه ی سرمایه داری را تشکیل میدهد و هرگز، آنطور که به غلط ادعا می شود، جزو ماهیت تفکیک - ناپذیر سیستم نیست. اگر چنین بود، هیچگاه حکومت های فاشیستی نمی توانستند در جوامع سرمایه داری قدرت را به دست گیرند. از طرف دیگر باید تاکید کرد که دموکراسی بنیادی که از نظر کیفی و کتی از دموکراسی بقیه در صفحه ۱۵

مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی با مجله "الوطن العربی"

* ۲۲ کشور عربی و خارجی در لیست عملیات خارجی هستند

* ۵۰ میلیارد دلار برای جنگ (طی دو سال) ، ۳۰ هزار اعدام ۵۰۰ زندان رسمی و غیر رسمی... برای اعمال دیوانگی!

و خانمی بنام فاطمه نواب صفوی. آنها چه می‌کنند؟ آنها اولاً در تماس دائم با حزب "الدعوه" بوده و با انجمن اسلامی خمینی در بیروت که به انجمن دانشجویان ایرانی و اسلامی خاورمیانه معروف است، در رابطه اند. چند اکیپ تروریستی دیگر نیز وجود دارد. یکی از آنها فی‌المثل اکیپ تحت فرماندهی عباس مرادی است. وی مسئول ترور دو دیپلمات عراقی در بیروت و انفجار یک شرکت بازرگانی عراقی و انهدام "شرکت هواپیمایی عراق" در بیروت می‌باشد. همچنین گروه حسین شریف چند تن از فلسطینی‌ها و نیز تعدادی دیپلمات‌های عراقی را ترور نموده، چند موسسه عراقی را در بیروت، بخصوص دفتر خبرگزاری عراق را منفجر کرده است. اینها بخشی از عملیاتی است که ایادی خمینی تحت پوشش "صدر انقلاب" انجام داده‌اند. اسناد دیگری نیز موجود است که به شناخت شما از تروریسم خمینی کمک می‌کند.

* سوال: شما می‌گویید که تروریسم خمینی در خارج نتیجه شکست خمینی در جبهه‌های جنگ و درهم ریختگی اوضاع داخلی می‌باشد. پس از اوگیری این تروریسم، پی آمدهای این خرابی اوضاع داخلی در ایران دقیقاً چیست و ادامه جنگ را توسط خمینی علیرغم شکست در مرزها و کم شدن کمک داخلی، چگونه تفسیر می‌کنید؟

جواب: به نظر ما، مأموریت و نقش (ضد) تاریخی خمینی، انهدام انقلاب بر سر انقلابیون و نیروهای مترقی، مخصوصاً "مجاهدین" بود. فکر می‌کنم شما موافق این هستید که رژیم خمینی رژیمی متعلق به قرن بیستم نیست. شعارهایی که مطرح می‌کند و اعمال و ماهیتش، دوران جنگهای صلیبی را به خاطر می‌آورد. واقعیت اینست که خمینی قدرت رهبری انقلاب را ندارد و این رهبری را در یک فرصت تاریخی معین و نادر، غصب نموده است. از سال ۱۹۷۰ در زمانیکه خمینی هنوز در نجف بود، ما در تماس با وی بودیم. از لحظاتی که ناتوانیش را در رهبری انقلاب و کشور ثابت نموده؛ دیگر به غیر از سرکوب داخلی و جنگ خارجی چه‌کار می‌تواند انجام دهد؟ ناتوانی او در مسیر کنترل و هدایت نیروهای شرکت‌کننده در انقلاب، او را به سرکوب نیروهای انقلاب

عملیات تروریستی دلیل روشنی بر شکست رژیم خمینی است. صدور انقلاب انعکاس طبیعی بی‌کفایتی این رژیم و دلیلی بر ناتوانی رهبری کنونی ایران در جهت تحقق اهداف خود و تأمین و رشد اقتصادی و اجتماعی کشور می‌باشد که در نتیجه رژیم مجبور شده است بجای آن، به جلو! فرار نموده و به جبهه‌های جنگ و خارج از مرزها اهتمامش را متمرکز نماید. در گذشته و در حال حاضر گزارشاتی در مورد فعالیت‌های مربوط به صدور تروریسم، چه در داخل ایران و چه در خارج آن، دریافت داشته و لیستی از فعالیت‌های گوناگون در زمینه‌های تروریسم در ۲۲ کشور در اختیار دارم که فرانسه تنها یکی از آنها می‌باشد.

* سوال: آیا این فعالیت‌ها انجام گرفته یا در تدارک آن می‌باشند؟

جواب: ۲۲ کشور وجود دارد که بعضی از آنها هدف تروریسم خمینی بوده و بعضی دیگر در این لیست قرار دارند و این تازه فقط لیست اول است: بحرین، ترکیه، هند، کویت، انگلستان، پاکستان، لبنان، فیلیپین، عربستان سعودی، یوگسلاوی، مالزی، فرانسه، قطر، اندونزی، ترکیه، آلمان غربی و... و عملیاتی حتی در داخل ایالات متحده!

* سوال: آیا درست است که ایرانی‌ها این عملیات را با استفاده از سفارت‌های ایران در این کشورها انجام می‌دهند؟

جواب: دقیقاً بله؛ ایادی خمینی از طریق سفارت‌ها و دیپلمات‌ها و همچنین توسط جمعیت‌های فرهنگی و به اصطلاح مراکز اسلامی، مانند مرکز اسلامی‌ای که اخیراً در پاریس بسته شده، عمل می‌کنند. برای نمونه در مورد تروریسم خمینی در لبنان مثالی می‌زنم. گروه‌هایی که "سپاه پاسداران" ارسال داشته، فعالیت‌های خود را در درون گروه‌های لبنانی انجام می‌دهند. مثلاً بعضی از عملیات توسط فردی بنام "هادی شریف" عضو سپاه پاسداران و یکی از فرماندهان گروه‌های تروریستی خمینی در بیروت انجام گرفته است که او هم‌زمان عضو "حزب الدعوه" ی عراق نیز می‌باشد. حال آنکه برادرش حسین شریف در سفارت ایران در بیروت کار می‌کند و او با دو تن دیگر از فرماندهان پاسداران، برخی عملیات تروریستی را هدایت می‌کنند که این دو عبارتند از جلال امیرکمال که با نام "حنیف" عمل می‌کند

بخصوص پس از آنکه جواب رسمی دولت عراق را که در آن این طرح مورد تأیید قرار گرفته، دریافت داشتیم. آنها این طرح را اساس مناسبی برای مذاکره دانستند.

در خلال سال گذشته جبهه‌های جنگ، شاهد چهار حمله بود که خمینی آنها را "الفجر ۱، ۲، ۳، ۴" نامید که همگی با شکست روبرو شد... اضافه می‌کنم که: خمینی که نیروهای خود را در ابتدا در بخش جنوبی متمرکز نموده بود، ناگزیر در اثر ناکامی‌های نظامی تدریجاً به سمت شمال رفت تا جبهه‌های دیگری گشوده و در رابطه با شهرهای کرکوک و سلیمانیه لوله‌های نفتی عراق را مورد تهدید قرار دهد. اما باز هم انتظارات او برآورده نشد. از طرف دیگر، ملاحظه می‌کنیم که فشارهای مردمی در داخل کشور همراه با درخواست توقف جنگ، افزایش یافته است. هم‌اکنون مردم ایران معتقدند که خمینی جنگ را نه برای منافع مردم، بلکه برای منافع خود و تضمین بقای سیاسی رژیمش می‌خواهد. این اعتقاد در صفوف ارتش نیز که دیگر مایل به ادامه‌ی جنگ در خاک عراق نیست، بیشتر گردیده است. وقتی عراقیها در داخل ایران بودند، ما مجاهدین هم علیه آنها می‌جنگیدیم، ولی وضع امروز متفاوت است و دیگر سرباز ایرانی نمی‌داند چرا بایستی بجنگد و همچنان در حال جنگ باشد.

مشاهده می‌کنیم که هرگاه موضع خمینی در داخل کشور احتیاج به تقویت داشته باشد، او برای جبران شکست داخلی و شکست در جبهه‌ها، به تروریسم خارجی پناه می‌برد. اقدامات اخیر خمینی در کویت، بحرین و فرانسه نشانگر ضعف رژیم اوست. درست برعکس آنچه که رسانه‌های تبلیغاتی در غرب تکرار نموده و این اعمال را نشانه‌ی نیرومندی او میدانند. به عنوان مسئول مقاومت ایران، خود را موظف می‌بینم که به جهانیان بگویم که این



آهروی الحمران :
مترجم ژوئی و صالح بلخیر

در جواب خبرنگار آلمانی: «بسیار خبیر، در جریان جنگ بین ایران و عراق، من در سال ۱۹۸۰ در تهران بودم و دیدم که مردم عراق در حال فتح شهرها هستند. من با یک گروه از جوانان و دانشجویان ایرانی در تهران بودم و ما در جریان این مبارزه در کنار آنها بودیم. ما با آنها در مورد اهداف و روش‌های مبارزه صحبت می‌کردیم و آنها ما را به این مبارزه تشویق می‌کردند. ما در آن زمان در مورد اهداف و روش‌های مبارزه صحبت می‌کردیم و آنها ما را به این مبارزه تشویق می‌کردند. ما در آن زمان در مورد اهداف و روش‌های مبارزه صحبت می‌کردیم و آنها ما را به این مبارزه تشویق می‌کردند.»

اتهام بسمت ایران متوجه گردید و بار دیگر از "تروریسم ایران" در خارج سخن گفته شد. آیا می‌توانید در مورد این تروریسم برای ما سخن بگوئید؟

جواب: در مورد چنین ترورهایی نمی‌توان جانب حزم و احتیاط را رعایت نمود؛ اصول انسانی و جهانی، همه آن را محکوم می‌کنند. شما سیاستی را که خمینی شعار "صدر انقلاب" می‌نامد، می‌شناسید، ولی این بار مسئله متفاوت است و پس از آنچه که در فرانسه و کویت اتفاق افتاد، من معتقدم که خمینی وسایل جدیدی برای حرکت در خارج در اختیار گرفته که این خود نتیجه‌ی وضع جدید و بن‌بست جنگ با عراق می‌باشد. پس از صدور بیانیه‌ی مشترک با آقای طارق عزیز نیز قابل انتظار بود که خمینی هیچ پیروزی در جنگ با عراق بدست نیاورد. زیرا رژیمش کلیه‌ی بهانه‌ها را در این مورد که عراق خواستار ادامه‌ی جنگ است، از دست داده است. بیانیه‌ی مشترک ما با عراق و طرح صلح شورای ملی مقاومت تأکید می‌نماید که صلح عادلانه قابل تحقق می‌باشد،

خمینی کدام ترور را صادر میکند، چگونه و تا کجا؟ خمینی برای تروریسم خود چقدر خرج میکند؟ وضع اقتصادی-اجتماعی ایران امروز چگونه است؟ چرا رژیم آیت‌الله‌ها هنوز سرنگون نشده؟ ابوزیسیون ایران در چه وضعیتی است و دیدگاه‌های جدیدش چیست؟ مسعود رجوی، رهبر مقاومت ایران، در "اورسوراواز" یکی از حومه‌های نزدیک پاریس، "الوطن العربی" را به حضور پذیرفته و به این سوالات و سوالات دیگر، با اسناد، نام‌ها و ارقام پاسخ گفت. این سخنان محاکمه‌ی علنی رژیم واپس‌گرایی است که انقلاب را نابود کرده است. رجوی که روزانه رویدادهای ایران را دنبال نموده و در ساختن این رویدادها شرکت دارد، با اطمینان به ایران پس از خمینی مینگرد، با روشن بینی رهبری که نقشه‌ی کاملی برای مرحله‌ی پس از جنگ ایران و عراق در اختیار دارد...

(این مصاحبه در اوائل سال مسیحی جاری صورت گرفته است).
* سوال: پس از دو انفجاری که در شب سال نو مسیحی در فرانسه روی داد، انگشت‌های

مصاحبه با مجله "الوطن العربي"

در داخل کشور و به کشتن دادن بخش دیگری از نیروهای شرکت‌کننده در انقلاب در جبهه‌های جنگ، سوق داد. وقتی شما می‌پرسید که چگونه او می‌تواند به جنگ ادامه دهد، من به شما جواب میدهم: یک لحظه تصور کنید در صورت توافق خمینی با صلح، چه روی خواهد داد؟ در دو سال گذشته خمینی حدود ۵۰ میلیارد دلار خرج جنگ نموده و ما ارقام رسمی‌ای در اختیار داریم که این امر را تأیید میکند. آیا معتقدید که او دیوانه است که این مبلغ را به هدر می‌دهد، حال آنکه فرصت تحقق صلح عادلانه برایش مهیا گردیده است؟ به همین دلیل در دیدار با نایب نخست وزیر عراق من ابتدا گفتم: اگر توانستید با خمینی به صلح دست یابید، این کار را حتماً انجام دهید و ما سعی در ممانعت از انجام چنین کاری نخواهیم کرد. زیرا اگر جنگ نبود ما میتوانستیم زودتر از سر خمینی راحت شده و سرنگونش کنیم. بزرگترین دستاورد خمینی از جنگ اینست که او به این وسیله توانست در قدرت بماند و به سرکوب ادامه دهد. به عبارت ساده‌تر: در موقعی که تمام جهان خواستار صلح است و جنگ مبالغ سرسام‌آوری خرج برمی‌دارد، خمینی همچنان آنرا ادامه می‌دهد. آیا او دیوانه است؟ شکی نیست که شما احساسات خلق‌های منطقه و خواست آنان را برای صلح و همچنین مصوبات شورای امنیت را میدانید...

حال در اینجا باید از سوی مقاومت مردم ایران بگویم که خمینی محتاج به جنگ است و بدون آن وجود نخواهد داشت. به همین جهت خودش را مجبور به ادامه آن می‌بیند، زیرا او در جنگ زیسته و توسط آن سعی دارد جنگ مهمتری را نیز مخفی بدارد؛ این جنگ که ورود به صحنه‌های آن برای روزنامه‌نگاران ممنوع است؛ جنگی که بین دو ارتش نظامی نیست، بلکه جنگی است با مردم ایران و با "مجاهدین خلق ایران". در خلال دو سال ونیم گذشته ۳۰ هزار اعدام انجام گرفته، آیا نظیر چنین چیزی را در جهان معاصر سراغ دارید؟ اعدام با این شدت و مقاومت متقابل با چنین حجمی؟ هم‌اکنون ۱۰۰ هزار زندانی سیاسی در ایران وجود دارد، این عدد واقعاً صحیح بوده و بدور از مبالغه است. ۵۰۰ زندان رسمی و غیررسمی

در کشور وجود دارد. لیست زندانها و برخی زندانیان در اینجا موجود است. چرا خمینی زنان حامله‌ی مجاهد و نوجوانان را اعدام می‌کند؟ چرا اطفال خردسال را به میدان‌های مین می‌فرستد؟ زیرا بدون جنگ و بدون سرکوب، خمینی‌ای وجود نخواهد داشت. او مترادف جنگ، بحران و سرکوب است. چرا نگذاشت حتی یکنفر از مجاهدین علیرغم اینکه سازمان وارد مجلس گردد؟ چرا کاندیداتوری من را برای ریاست جمهوری رد کرد؟ تمام این‌ها برای این بوده که وی بر سر قدرت باقی بماند. خمینی اینست، فکر نکنید که او دیوانه است. بجز این هیچ علتی برای ادامه‌ی چنین وضعیت کشنده‌ای نمی‌بینم. ولی او دیگر نمی‌تواند مردم را بسیج کند و مجبور شده زندانیان را به جبهه فرستاده و یا از پناهندگان افغانی کمک بگیرد. ما اسناد موثقی داریم که خمینی آنها را به جنگ با عراق گسیل داشته است.

ضمناً یکی از دلایلی که طی سال گذشته‌ی مسیحی (سال ۸۳)، خمینی تمرکز جنگ را از جبهه‌های جنوب در یک مقطع به شمال منتقل کرد (صرفنظر از دلیل اصلی که بن‌بست در جبهه‌های جنوب بوده) این بود که در کوهستانهای جبهه‌های شمالی به تعداد کمتری سرباز نیازمند بود. یعنی او از نفرات کافی برای ادامه‌ی جنگ (تا پیروزی نظامی) در دوجبهه برخوردار نیست. حال اینکه در آغاز، پیشروی او در جبهه‌ی صحرائی، بخصوص با استفاده از امواج انسانی، خیلی ساده‌تر می‌نمود. ولی حملات سال گذشته در جنوب به‌رحال به شکست انجامید. هم‌اکنون خمینی بیشتر به شستشوی مغزی روستائیان و اقشار ناآگاه برای "رسیدن به کربلا" تکیه دارد. او به آنان وعده‌ی بهشت میدهد و فتاوهای با مهر و امضای خود صادر میکند که یکی از آنها را برای شما می‌خوانم: از "امام" سؤال می‌شود که اگر مهمات سربازان عراقی تمام شده و خواستار تسلیم شوند آیا باید به آنها احترام گذارد یا آنها را کشت؟ و او جواب می‌دهد: اگر بازگشت دوباره‌ی آنان به جبهه‌ی جنگ برعلیه ما محتمل باشد، بایستی آنها را کشت.

* سوال: اوضاع اقتصادی در پرتو این تصویر تاریک چگونه است؟
جواب: در مقایسه با جنگ

می‌توان گفت که وضع جبهه‌ها بهتر از اوضاع اقتصادی است و این هم ارقام مربوطه: در سال گذشته مجموعی صادرات غیرنفتی ۳۰۰ میلیون دلار بوده، حال آنکه کل واردات ۱۴ میلیارد دلار بوده که از جمله‌ی آن ۲ میلیون تن گندم - یعنی بیش از ۳۰٪ مصرف گندم در کشوری که زمانی از نظر گندم خودکفا بود - می‌باشد. مالیات‌ها به بیش از صد در صد در خلال چهار سال گذشته افزایش یافته و لازم به تذکر است که بودجه صرف جنگ و سرکوب داخلی می‌شود.

* سوال: ولی عکس‌العمل مردم در ایران چه بوده است؟
جواب: پس از دیدار با طارق عزیز و اثبات این نکته که صلح عادلانه در دسترس است، ما به آمارگیری پرداخته و پیوسته شاهد تنزل میزان بسیج جنگی خمینی بودیم. در شهر تهران که ۸ میلیون جمعیت دارد، میزان بسیج ماهیانه، تقریباً به ۴ هزار نفر رسیده است.

* سوال: سابقاً چقدر بوده؟
جواب: بسیار زیاد؛ بخصوص در شهری با این حجم. در مقایسه با سال گذشته می‌توان گفت که نسبت بسیج نیرو دست کم ۵۰ درصد کاهش یافته است. به همین جهت خمینی در شهر تهران سیستم گشتی‌های موسوم به "جندالله" برقرار نموده و آنها برای جلب مشمول در اماکن عمومی، بخصوص در برابر درهای سینماها، مراقب جوانان مشمول هستند. کسانی هم که از رفتن به جنگ خودداری کنند، با مجازات‌های شدید روبرو می‌شوند. فرماندهی ژاندارمری، آنها را طی بیانیه‌ی خود تهدید نموده و حتی قطع تلفن و برق و آب آنها نیز در برنامه قرار می‌گیرد. در آخرین گزارشی که از داخل کشور دریافت نموده‌ام، صحبت از ۸۰ هزار مشمول غایب است. اگر خمینی واقعاً در سال گذشته شکست نخورده و در بن‌بست نبود، مجبور به تاسیس "جندالله" برای دستگیر کردن مردم نمی‌شد... ضمناً در ایران هم‌اکنون ۲۰ سازمان و نهاد سرکوبگر و جاسوسی وجود دارد. "بنیاد شهید" که رسماً دفن شماری از کشته‌های جنگ را بعهده دارد، می‌گوید که روزانه ۱ میلیون تومان خرج کفن و دفن کشته‌های جنگ می‌کند. این سازمان سالانه ۷ میلیارد تومان بوده‌اند. (هر دلار رسماً ۸/۳ تومان است، ولی در بازار سیاه ۲۷ تومان بفروش می‌رسد).

همزمان، شیوع شدید اعتیاد به مواد مخدر ملاحظه می‌شود؛ بطوریکه بیش از یک میلیون معتاد در ایران آمار گرفته شده است. خمینی بر چه چیزی اتکا دارد؟ چه چیزی او را در قدرت نگاه داشته است؟ دو میلیون بشکه نفت روزانه و این درآمدهای نفتی، صرف چهاربخش میگردد: جنگ، سرکوب داخلی، واردات و حسابهای بانکی "آبت‌الله" هادرخارج.

* سوال: در صحبت‌های سابق، شما پیش‌بینی سرنگونی نزدیک رژیم را کرده بودید... دلائل عدم وقوع این امر چه بوده و آیا در درازمدت عوامل تجزیه‌ی داخلی وجود ندارد؟
جواب: اعتقاد به اینکه رژیم خمینی از نوعی ثبات بهره‌مند است، اشتباهی بزرگ می‌باشد. در سایه سرکوب، حمایت‌های بین‌المللی و شکست تهاجمات نظامی، نمی‌توان صحبتی از ثبات نمود. اگر رژیم از ثبات بهره‌مند بود، احتیاجی به جنگ نداشته و این مخارج را صرف بازسازی کشور می‌نمود. از سوی دیگر اگر خمینی روزی با صلح موافقت کند و اعدام‌های روزانه را که بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر میباشد، متوقف سازد، ولی علیرغم آن برسر قدرت باقی بماند، در آن زمان من می‌گویم که ما اشتباه نموده‌ایم و رژیم خمینی تثبیت شده است. آری گفته و می‌گویم که رژیم خمینی در کوتاه مدت سقوط خواهد کرد. از من می‌پرسید که چرا طی دو سال گذشته سقوط نکرده؟ من می‌گویم که عواملی مانند جنگ و سرکوب و کمکهای خارجی به او امکان بقا داده است. شما مثل من می‌دانید که اسرائیل و بعضی کشورهای عربی به او کمک میکنند و هنوز بیاد می‌آورد افزایش سند خرید اسلحه از اسرائیل را... آری اگر چنین کمکهائی نبود، رژیم باقی نمی‌ماند. ما مجاهدین صریح هستیم و اعتراف می‌کنیم که حدس نمی‌زدیم روزی رژیم خمینی چنین کمکهائی و با این حجم دریافت دارد. در همین رابطه اعترافات بعضی از سران رژیم را برای شما مطرح می‌کنم. آنها می‌گویند که در نخستین سال مقاومت پول و لوازم یدکی در اختیار نداشتند و سپس هر دو را بدست آورده‌اند. چگونه؟! معنی است که پیروزی ما قدری بتأخیر افتاده، ولی نتیجه در هر حال همانست (سرنگونی رژیم)؛ زیرا مقاومت ایران کاملاً متحرک و فعال باقی مانده است و خمینی نتوانسته آنرا بزاند و آورد. شاید اگر موفق به این کار می‌شد، در رابطه با شرایط جدید داخلی

(کشور) با صلح موافقت می‌نمود. درست است که ما بیش از ۳۰ هزار شهید و ۱۰۰ هزار زندانی سیاسی داده‌ایم، ولی از طرف دیگر مقاومت عادلانه‌ی مردمی توانسته بیش از ۷۰۰۰ تن از مهمترین مزدوران سرکوبگر، تروریست و شکنجه‌گر رژیم را نابود کند. اما رسانه‌های تبلیغاتی بیشتر به اخبار جنگ و به فعالیتهای رژیم در خارج اهتمام دارند...

هنگامیکه خمینی فرمان ۸ ماده‌ای اصلاحی خود را در سال گذشته مطرح کرد، روزنامه - نگاران فکر کردند که باین ترتیب رژیم کار مجاهدین را تمام کرده است، ولی آنچه ما پیش‌بینی مینمودیم، به وقوع پیوست و رژیم خمینی قادر به هیچگونه اصلاحی نگردید. فرمان ۸ ماده‌ای مثل جوهری روی کاغذ باقی ماند. پس راستی معیارهای ثبات رژیم چیست؟ اگر این معیارها تنها وجود و حضور کنونی در تهران است، میتوان گفت که هر شخصی تا لحظی مرگش از ثبات بهره‌مند است. طبیعتاً من نمی‌کنم که خمینی وجود دارد؛ آمار و ارقام ثابت می‌کنند که چرا هنوز او آنجاست و چقدر میتواند باقی بماند. اکنون نیز اگر برخی اعراب همچنان از هر طرف باو کمک کنند، زندگیش طولانی خواهد شد و طبیعتاً سازمان آزادیبخش فلسطین در لبنان و کویت و دیگر کشورهای عربی مورد آزارش قرار خواهد گرفت. من سوال میکنم کشورهای عربی در برابر این رژیم خونخوار و غیرانسانی چه کرده‌اند؟ رژیمی که دائماً صلح و ثبات و آرامش منطقه را مورد تهدید قرار داده است. حتی هنگامیکه خمینی خود را در بن‌بست می‌بیند و هنگامیکه بمبی در اینجا و آنجا منفجر میشود، این امر را به عنوان نشانه‌ی نیرومندی او، تفسیر می‌کنند. بایستی این را از سر خود بیرون کنند که اینها مظاهر ثبات و قدرت است. عمر رژیم خمینی در کوتاه مدت به پایان خواهد رسید.

* سوال: صحبت از شکست کنونی خمینی، ما را به صحبت در مورد بالاگرفتن مقاومت داخلی وامیدارد. واقعیت اینست که دیگر تقریباً خبر عملیات برضد خمینی در داخل را نمی‌شنویم و بعضی می‌گویند که خمینی موفق به سرکوب مقاومت شده است. در شرایطی که سران مقاومت متعدد هستند... مقاومت واقعی ایران گجاست و جواب شما به کسانی که می‌گویند رجوی به تمامی اپوزیسیون در

مصاحبه با مجله "الوطن العربي"

تبعید تبدیل شده، چیست؟
جواب: شما در شک نمودن به ادعاهای تبعیدیان سیاسی حق دارید و برای برطرف شدن شک خود باید از هر کسی لیست شهدا و زندانیان و عملیات و سایر اقداماتش در داخل کشور را سوال کنید. اما برای برطرف کردن شکتان در مورد مجاهدین، به شما می‌گویم که حرف‌هایی را که در خارج علیه ما می‌زنند که کاری نمی‌کنیم، باور نکنید. سازمان مجاهدین خلق بیست سال پیش تاسیس شد و این اولین باریست که برای هدف‌های معین، نماینده‌ای به خارج می‌فرستد. پس نایستی آنها را در کنار اپوزیسیون‌های دیگر قرار داد. ما مقاومت مشروع، پیگیر و فعال درون ایران را نمایندگی می‌کنیم.

*** سوال:** و اکنون؟
جواب: بله، گفتیم که این اشتباه و مسائل تبلیغاتی است که بر فعالیت‌های خمینی در وسایل تبلیغاتی که البته به اخبار عملیات بزرگ بیشتر علاقمندند - تکیه می‌کنند، ولی ما خودمان را با خاطر تبلیغات تنظیم نکرده‌ایم. در دومین سال مقاومت، بین ژوئن ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۳، مقاومت بیش از ۲۸۰۰ نفر از عناصر سرکوبگر را زین برده‌است. در اکتبر گذشته ما با متحدین کردمان در حزب دمکرات کردستان ایران، ۱۵۰۰ تن از "پاسداران انقلاب خمینی" را در عملیات جنگی از بین بردیم، حال آنکه از ما حدوداً ۶ نفر و از حزب دمکرات کردستان بیش از ۵ نفر شهید نشدند. همچنین سه هفته پیش، کوماندوی انتحاری مجاهدین، کلیه اعضای یکی از دادگاههای ضد مردمی در شهر نهاوند را نابود نمود که یکی از اینها مسئول دهها اعدام بود. چند هفته قبل، میلیشیای مجاهد خلق علیرغم سرکوب شدید، اقدام به برگزاری سالگرد میلیشیا در تمام ایران نمود. علاوه بر عملیات نظامی، ما هنوز "مجاهد" را در داخل توزیع می‌کنیم و هر روز "رادبوی مخفی مجاهد" بیش از ۳ ساعت - علیرغم پارازیت‌های سیستم‌های رژیم و پیگیری آن - برنامه پخش می‌کند. اصول ما می‌گوید تنها سخن کافی نیست و معیار اصلی ما، کار در داخل کشور است.

*** سوال:** ماهیت روابط شما با عراق چیست؟
جواب: می‌توانید به بیانیهای مشترکی که با نایب نخست‌وزیر عراق امضاء نمودیم، مراجعه کنید. در آنجا مشاهده می‌شود که روابط

ما صد درصد بر مبنای تفاهم متقابل سیاسی "هر دو طرف برای آرمانهای مشروع مردمشان برای صلح عادلانه" متکی است. حقیقت اینست که آقای طارق عزیز به این نکته توجه نموده که مشکل جنگ و صلح در ایران را تنها ما می‌توانیم حل کنیم، زیرا ما نیروی مقاومت مشروع هستیم و این امر به ما امکان صحبت از صلح را می‌دهد. او در ما، آلترناتیو مشروع ایران را دید؛ طبیعتاً این امر و همچنین راهگشایی برای صلح و تحت فشار قراردادن هر چه بیشتر خمینی، ریسک‌های مهمی نیز برای ما و خود من در قبال مانورهای خمینی و احتمال سوءاستفاده‌های مختلف را دربر داشت. اما شما در عمل ملاحظه کردید که به برکت پایگاه مردمی و خونی که برای دفاع از استقلال و آزادی میهن خود دادیم، با چه سهولتی این کام را به جلو برداشتیم.

آنچه می‌خواهم بر آن تاکید نمایم اینست که در خارجه تبلیغات در مورد ثبات رژیم شدید است، آنها سعی می‌کنند ظواهری برای ثبات ایجاد نمایند، آنها سعی می‌کنند مقاومت را به سادگی نادیده بگیرند و پس از آن کشورهای ذینفع به هدف خود دایر بر آماده کردن زمینه‌ی مناسب برای برقراری روابط با رژیم خمینی و مبادله‌ی بازرگانی با آن، می‌رسند. ولی ما همچنانکه در گذشته انجام دادیم، در آینده نیز این معادلات را درهم ریخته و وارونه خواهیم نمود. هیچکس نمی‌تواند مقاومت مردم ایران و کوشش‌هایش در راه صلح و آزادی را نادیده بگیرد.

*** سوال:** در گذشته روابط بین خمینی و اسرائیل بویژه تجارت اسلحه (بین آن دو) مورد تاکید قرار گرفته است. پس از حملاتی که در لبنان به اسرائیلی‌ها می‌شود و به ایرانی‌ها نسبت داده می‌شود، آیا معتقد نیستید که خمینی سعی دارد چهره‌ی خود را پاک نماید و بر این امر تاکید نماید که او واقعا دشمن اسرائیل است. آیا فکر می‌کنید او واقعا چنین است؟

جواب: تبلیغات خمینی خیلی متناقض است. اگر آنچه را به نفع خودش تفسیر می‌کند، مبنا قرار دهیم؛ باید پرسید در حالیکه هواپیماهای اسرائیلی نیروگاههای هسته‌ای عراق را نیز نابود کرده‌اند، پس چرا رژیم عراق را "رژیم صهیونیست عراق" می‌خواند. آیا می‌دانید از فردای آمدن نایب نخست‌وزیر عراق به اینجا، رادبوی خمینی از او تحت

مردم ایران و مقاومت ایران را به رسمیت بشناسند...

*** سوال:** بعضی‌ها می‌گویند که خط واقعی کنونی در برابر رژیم خمینی نه مخالفت شما، بلکه اختلافات آیت‌الله‌ها در درون رژیم است؟

جواب: نمی‌دانم چه کسی چنین چیزی گفته است. من دو سال و نیم است که در اینجا هستم و بر اصول مسلمی درباره‌ی ایران تاکید نموده‌ام؛ اولاً - غیرممکن بودن کودتای نظامی در ایران، علیرغم صحبت‌های زیادی که مدت‌ها از آن می‌شد و در عمل نیز تاکنون صحت این نظریه را دیده‌اید.

همچنین می‌دانید که یکی از دلائل ادامه‌ی جنگ و موجودیت رژیم خمینی، مشغول داشتن ارتش در مرزهاست. ثانیاً - اینکه حزب توده برخلاف تبلیغات سلطنت‌طلبان، نمی‌تواند آلترناتیو باشد و از پایگاه وسیعی برخوردار نیست و خمینی هر موقع بخواهد می‌تواند آنها را دستگیر کند، چیزی که اکنون واقع شده است.

ثالثاً - سلطنت در ایران برای همیشه پایان یافته است. اگر ملک‌فاروق توانست به مصر برگردد و یا نوری سعید به عراق، سلطنت هم می‌تواند به ایران بازگردد.

رابعاً - هیچ آلترناتیوی در درون رژیم خمینی وجود ندارد. این رژیم مانند رژیم شاه تماماً از بین خواهد رفت.

خامساً - رژیم خمینی قادر به اصلاح و بازسازی نیست... اگر ما معتقد به این پنج مورد نبودیم، سلاح بر نمی‌داشتیم و من معتقدم که صحت نظرآتان در دو سال اخیر عملاً مورد تایید قرار گرفته است.

اگر رژیم خمینی هنوز حداقلی از مشروعیت (ولو به مقدار خیلی کم) می‌داشت، می‌توانستیم بگوئیم که این رژیم پس از شخصی خمینی نیز احتمال تداوم دارد، ولی همچنانکه می‌دانید آنچه او انجام داده از دوران شاه فراتر رفته و او نمی‌تواند با افزایش اعدام‌ها مشروعیت کسب کند. ماه گذشته خبری برایمان رسید که حاکی از اعدام ۲۱۰ نفر، منجمله ۱۱ مجاهد فقط در شهر همدان بود که گویا بدار آویخته شده بودند. طبیعتاً اختلافات شدیدی در درون رژیم خمینی وجود دارد و می‌توان گفت که گرگ‌ها به دریدن یکدیگر پرداخته‌اند، ولی این اختلافات از آسمان نازل نشده و نتیجه‌ی فشار مقاومت می‌باشد؛ بطوری که رژیم منزوی شده و در شرف پوسیدگی و انهدام قرار گرفته است. فرض کنیم که آیت‌الله‌های جدیدی پس از خمینی قدرت را در دست بگیرند؛ فرضی که بدون

عنوان "طارق یوحنا میخائیل عزیز" اسم می‌برد. اگر کار را به خمینی واگذاریم، عرفات را هم صهیونیست خواهد خواند. او بر اسلام و بردشمنی با صهیونیسم تکیه می‌کند و این شعارها را رها نخواهد کرد و این بخشی از خباثت، فریبکاری و نیرنگ اوست. اسرائیل و خمینی منافعی دارند که گاه رودرروی یکدیگر و گاه به موازات هم می‌باشند. از کمک‌های تسلیحاتی اسرائیل نیز که قبلاً صحبت کردیم. شکی نیست که خمینی سعی دارد خودش را در انتظار اعراب به‌عنوان دشمن صهیونیسم جا بزند. پس از حمله‌ی اسرائیل به پادگان شیخ عبدالله در بعلبک، رفسنجانی در نماز جمعه گفت: "خوب کاری کردند، آنها خدمتی به ما کردند، این حمله آنچه را که منافقین (مجاهدین) پخش می‌کردند و می‌گفتند ما از اسرائیل اسلحه می‌خریم خنثی می‌کند..."

همچنین پس از دیدار عرفات - مبارک، رفسنجانی عرفات را "خائن و مزدور" نامید. نمونه‌ی دیگر؛ تا چند روز دیگر کنفرانس سران اسلامی در مغرب منعقد خواهد شد، رژیم خمینی تبلیغ نمود که به مراکش نخواهد رفت، زیرا این کشور از خاندان شاه پذیرائی نموده است. ولی آیا واقعا معتقدید که این بهانه‌ی خمینی حقیقی می‌باشد؟ واضح است که خمینی خود تنها وارث شاه است. خمینی بود که آمد و زندان‌ها انداخته و آنها را نکشته بود، سرکوب یا اعدام نمود. او وارث شاه و تکمیل‌کننده‌ی رژیم اوست. وانگهی حمله‌ی خمینی تنها به مراکش نیست، بلکه او حتی بنگلادش و پاکستان را در این جریان بی‌نصیب نگذاشت. چرا؟ زیرا خمینی خاطره‌ی بدی از کنفرانس وزرای خارجه‌ی کشورهای اسلامی در بنگلادش، دارد... زیرا در کنفرانس وزرای امور خارجه‌ی کشورهای اسلامی در بنگلادش، همه از او خواستند که جنگ را متوقف کند و صلح را بپذیرد. پس ترس اصلی خمینی از زرفتن به مراکش، ترس از تکرار مجدد همین درخواست است.

اما اگر اعراب بخواهند عمل هوشمندانه‌ای در کنفرانس انجام دهند، آنها می‌توانند بخوبی جلوی خمینی را بگیرند. مثلاً اعراب می‌توانند بهانه‌ی خمینی را با محکوم کردن جنایات و کشتارهای شاه و خمینی، با هم از بین ببرند و نیز انقلاب

خمینی محال است. آنها چه خواهند کرد؟ اگر همچنان سیاست خمینی را ادامه دهند، در همان پرتگاه خواهند افتاد؛ یعنی اینکه خمینی تغییر نکرده است و اگر نوعی لیبرالیسم برقرار نمایند، ما در آنجا خواهیم بود و در پشت سرمان مشروعیت مبارزه‌ی طولانی برضد دو رژیم دیکتاتوری قرار دارد؛ دست‌های ما به خون مردم آلوده نگردیده و دارای پایگاه مردمی و اجتماعی وسیعی هستیم؛ ما اسلحه، مشروعیت داخلی و بین‌المللی، برنامه‌ی کار و آلترناتیو خود را در اختیار داریم.

*** سوال:** آیا سعی نمی‌کنید با آیت‌الله‌های طرفدار غرب در درون رژیم خمینی همکاری کنید؟

جواب: همکاری ما با آیت‌الله‌های درون رژیم، همکاری با کسانیست که در سرکوب و اعدام‌ها شرکت نموده‌اند و این برای ما خودکشی است. ضمناً مخفی نمی‌کنم که برخی آیت‌الله‌ها خواستار رابطه یا همکاری با ما هستند، ولی ما نمی‌توانیم کسانی را که همکاری آنها به خوشنامی ما لطمه خواهد زد، بپذیریم. البته ما سعی می‌کنیم تا حد ممکن از تضادهای درون رژیم استفاده کنیم. اخیراً این تضادها شدید شده؛ هنگامیکه مخالفت بعضی از آیت‌الله‌ها با مالیات‌های خمینی مطرح گردیده است. اینها از وی خواسته‌اند که تا وقتی مردم سهم امام می‌دهند، از آنها مالیات اضافه گرفته نشود. او آنها را متهم نمود که حرف‌های منافقین (مجاهدین) را تکرار می‌کنند و اضافه کرد که هزینه‌های جنگ فوق‌العاده است و روزانه صدها میلیون تومان می‌باشد و لذا بایستی مالیات‌های دولتی و مذهبی توأمان گرفته شود. علیرغم اینکه خمینی نیز یک باصلاح آیت‌الله است، ولی او سببل و نماینده‌ی روحانیون مقاوم ایران نیست...

*** سوال:** صحبت‌های زیادی در مورد بیماری خطرناک خمینی می‌شود. آیا شما اطلاعات اضافی در مورد وضعیت جسمی او دارید؟

جواب: روشن است که زندگی مردی هشتاد و پنج ساله، در مثل مانند آفتاب لب بام است. همچنین مسلم است که آواز امراضی در قلب، کلیه، دو چشم و بعضی امراض دیگر رنج می‌برد، ولی ما مجاهدین نمی‌توانیم در استراتژی خود فقط بر سلامتی جسمی و یا بیماریش تکیه کنیم. بهر حال مرگ طبیعی او در دست خداست. با وجود آنکه ما قیمت هر روز زندگی شوم او را می‌پردازیم... ما مقاومت زنده‌ی خود را پیش می‌بریم.

(ترجمه‌ی این مصاحبه با نوار اصلی تطبیق داده شده است.)

مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی با روزنامه "اونیتا" (ارگان حزب کمونیست ایتالیا)

امروز صلح ممکن است، اما خمینی آن را نمی خواهد

DOMENICA
11 MARZO 1984

تاریخ: ۱۱ مارس ۱۹۸۴

L'Unità

Nostra intervista con Massud Rajavi «La pace oggi è possibile ma Khomeini non la vuole»



Trentacinque anni e un passato di lotta contro lo scià, Massud Rajavi è oggi considerato uno dei principali (secondo molti, il principale) punto di riferimento dell'opposizione al regime dell'ayatollah Khomeini. Leader dei «Mojahedin del popolo», Rajavi è stato costretto a fuggire all'estero nel 1981 per evitare la repressione delle autorità di Teheran e, insieme all'ex presidente Bani Sadr, ha trovato asilo in Francia, dove oggi risiede. Presiede il consiglio nazionale della resistenza iraniana.

رهبر اپوزیسیون متحد در شورای مقاومت در مورد تهدیدات و رفتار ایالات متحده آمریکا و سدت گرفتن احسانق صحت می‌کند و صماً اظهار می‌دارد که فرارها از حبسه و برداخت سپای سگن اقتصادی ستر شده است.

* سوال: چهار سال جنگ، شاید با یک میلیون قربانی، ترازوی غم انگیزی که پایان یافتنش دیده نمی‌شود. حتی متخصصین بحرانی‌تر شدن آنرا اعلام کرده‌اند؛ جنگی است که از قبل بالا گرفتن آن پیش‌بینی می‌شد. عراق به عنوان سلاحی خارجی تهدید نموده که قصد دارد ترمینال نفتی خارک را - که کلیه نفت ایران، یعنی منبع اصلی اعتبار ارزی کشور از آن می‌باشد - درهم بگوید و اینکه وسایل انجام دادن آنرا نیز در اختیار دارد. ایران هم به نوبه‌ی خود تهدید کرده است که با بستن تنگه‌ی هرمز، کلیه صادرات نفتی کشورهای خلیج را بلوکه خواهد نمود. ضمناً ایالات متحده، به نوبه‌ی خود اعلام کرده است که آمادگی مداخله نمودن جهت باز نگه داشتن آبراهه‌های نفتی می‌باشد.

آخرین مرحله‌ی تهدید نظامی آنست که جنگ بین‌المللی گردد. اما آیا کشورهای درگیر جنگ واقعا قادر به اعمال تهدیداتشان می‌باشند؟

جواب: خمینی بر افزایش بحران و بی‌ثباتی در منطقه انگشت می‌گذارد. زیرا فکر می‌کند از این طریق می‌تواند فشارهای بیشتری را بر رژیم عراق جهت ایزوله کردنش در بین رژیم‌های کشورهای عربی، یعنی بین آن کشورهایی که واقعا احتیاج به اعتبارات ارزی نفتی داشته و همچنین کشورهای اروپایی که به نفت خلیج محتاج هستند، وارد آورد. اما در این نقطه است که خمینی به تناقض و تضاد می‌افتد. برای کشوری که اقتصادش کاملاً از بین رفته و کاملاً متکی به واردات است و اینکه دارائی‌هایش به صادرات محصولات نفتی (بیش از ۹۰ درصد درآمد دولت از تولیدات نفت می‌باشد) بستگی دارد، بستن تنگه‌ی هرمز به معنای خودکشی

جواب: ابتدا بایستی گفت که موقعیت کنونی ایران دیگر آن وضعیت ۵ سال قبل نیست و اینرا ایالات متحده نیز می‌داند. ارتش ایران هم دیگر آن ارشی سابق (شاه) نیست. افسران وابسته به ایالات متحده نیز (بنحو سابق) وجود ندارند. امروز این ما مجاهدین هستیم که از یک حمایت گسترده (معنوی) در ارتش برخورداریم. منظور اینست که تعداد پرسنل میهن پرست در ارتش بسیار زیاد است. اما حتی در توان ایالات متحده هم نیست که نیروئی (برای اشغال) به ایران گسیل نماید و هیچ لزومی هم ندارد که نیروهای آمریکائی وارد کشورمان شوند.

مسئله‌ی ایران، در ردیف موضوعات منطقه‌ای خود ماست که حل آن هم به مردم منطقه مربوط می‌شود. فقط کفایت کمک‌هایی که به رژیم خمینی داده می‌شود، قطع کردند، در این صورت جنگ و سرکوب نیز خاتمه می‌یابند. اگر این کمک‌ها وجود نمی‌داشتند، خلق ایران مدت‌ها پیش رژیم خمینی را سرنگون کرده بود. منظورم کمک‌های لجستیکی، نظامی و اقتصادی است که رژیم خمینی آنها را بطور مرتب دریافت می‌نماید.

* سوال: این کمک‌ها را چه کسی می‌کند؟

جواب: خوب می‌دانید که رژیم خمینی همزمان، هم از طرف اسرائیل و هم از طرف سوریه کمک دریافت می‌نماید و در ضمن مشکل است باور نمائیم که کمک‌های اسرائیل بدون آگاهی ایالات متحده صورت می‌گیرند. به من اجازه بدهید در مورد کشور خودتان چیزی بگویم. حدود یک چهارم صادرات ایتالیا به ایران در ۹ ماه اول ۱۹۸۳ را، سلاح تشکیل می‌داده است. می‌خواهم افکار عمومی ایتالیا را از طریق روزنامه‌تان به رنج‌ها و خونی که مردم ما برای این جنگ و این سرکوب وحشتناک پرداخته‌اند، توجه بدهم. جنگ بیش از نیم میلیون کشته، همچنین نیم میلیون زخمی و حداقل ۳ میلیون آواره بی‌آورد و سرکوب را هم رژیم بر تمام کشور گسترده است. از آغاز مقاومت علانده در ژوئن ۱۹۸۱ تا به امروز، خمینی حدود ۴۰ هزار نفر را تیرباران کرده است و در حال حاضر در زندان‌هایش بیش از صد هزار زندانی سیاسی بسر می‌برند.

مدتی طولانی آنرا مسدود نگه دارد. * سوال: آیا عراق واقعا ترمینال نفتی خارک را بمباران خواهد کرد؟ جواب: فکر می‌کنم که در یک بررسی بفرنج استراتژیکی و با در نظر گرفتن درگیری‌های منطقه‌ای، (حالا) برای عراق مفید نباشد. می‌خواهم بگویم که بمباران کردن خارک آخرین برگ برای عراق خواهد بود. * سوال: هر چند ایالات متحده ناوگان جنگی را در دو ضلع هرمز نگه داشته است. نظر شما در مورد آنچه که انجام خواهد داد چیست؟ آیا اقدامی برای سرنگونی خمینی قابل تصور می‌باشد؟

۳۵ سال دارد با یک سابقه مبارزاتی بر علیه شاه، مسعود رجوی امروز به عنوان یکی از اصلی‌ترین (به گفته‌ی خیلی‌ها، تنها) نقطه‌ی اتکاء اپوزیسیون رژیم آیت‌الله خمینی شناخته شده است. رجوی، رهبر "مجاهدین خلق"، در سال ۱۹۸۱ جهت اجتناب از سرکوب مقاومت در تهران، همراه با رئیس جمهور اسبق بنی‌صدر، مجبور به ترک کشور شد و در خارج، به فرانسه پناهنده شده است. وی امروز ریاست شورای ملی مقاومت ایران را بعهده دارد.

می‌تواند باشد. سال گذشته ایران ۱۴ میلیارد دلار واردات داشته است. فقط ۵ میلیارد دلار محصولات غذایی وارد کرده، یعنی ۲/۵ برابر بیش از آنچه که در آخرین سال حاکمیت شاه وارد شده بود. در مهمترین بندر ایران، یعنی بندرعباس، بطور مستمر صدها کشتی، محصولاتی غیرقابل تولید در داخل را تخلیه می‌نمایند. ولی موارد دیگری هم وجود دارند: بستن تنگه‌ی هرمز موضوع ساده‌ای نیست. زیرا عرض قابل ملاحظه‌ای دارد و قسمت‌های اعظم آن دارای عمق زیادی هستند و از نقطه نظر نظامی - استراتژیک هم شرایط آن وجود ندارد تا خمینی بتواند برای

بنابراین به دنیا اعلام می‌نمایم که به ادامه‌ی این ترازوی کمک ننمایند و کوشش کنند تا صلح و آزادی در ایران استقرار یابد.

* سوال: در مورد این ترازوی فکر می‌کنم، تأیید ناتوانی ایبرقدرت‌ها جهت تضمین همجواری مسالمت‌آمیز، حل بحران‌های محلی و کاهش تهدیدات بر علیه صلح جهانی، منظور باشد...

جواب: اگر قدرت‌های بزرگ و متوسط بخواهند این ترازوی پایان ببندند، این جنگ مدت‌ها پیش نیز خاتمه یافته بود.

* سوال: آنچه که مطرح است، برای مثال در مورد رفتار آمریکا در خاتمه دادن به بحران نفتی در سال ۱۹۷۳، مداخله نظامی می‌باشد. تهدید مداخله نمودن، عملاً تنها اقدامی می‌باشد که در دهها مورد مختلف در برابر مشکلات موجود در این منطقه ظاهر شده است.

جواب: حل مشکلات منطقه‌ی ما مطلقاً از طریق راه حل‌های نظامی میسر نیستند و اگر مجبور شده‌ایم خودمان را در چنین وضعیتی ارزیابی نمائیم، به این خاطر است که حقوق ملل جهت بدست گرفتن سرنوشت خود پذیرفته و برسمیت شناخته نشده است.

* سوال: شورای ملی مقاومت برای بوجود آوردن شرایط صلح چه اقداماتی در سطح بین‌المللی بعمل می‌آورد؟

جواب: دو هفته پیش از دولت عراق خواستیم که بمباران مناطق غیرنظامی را قطع نماید. معاون نخست‌وزیر طارق عزیز، پاسخ داد و تأکید نمود که عراق حاضر به صلح است و آمادگی قطع نمودن فوری جنگ می‌باشد و اینکه برای نشان دادن حسن نیت خود، اعلام می‌کند که برای یک هفته بمباران را قطع می‌نماید. در عین حال گفته شد که عراقی‌ها حاضرند تا با رژیم خمینی جهت خاتمه دادن همیشگی به بمباران مناطق غیرنظامی معاهده‌ای را امضا نمایند. ضمناً در ماه مارس سال گذشته، اقدامات گسترده‌ای برای "صلح" انجام داده‌ایم و جوابیه‌های کتبی از طرف دولت عراق مبنی بر تأیید طرح صلح شورای مقاومت، بعنوان مبنای قابل قبولی برای مذاکره، دریافت داشتیم. این طرح ابتدا از برسمیت شناخته شدن مرزهای تعیین شده در قرارداد سال بقیه در صفحه بعد

مصاحبه با روزنامه "اونیتا"...

بقیه از صفحه قبل

۱۹۷۵ الجزیره آغاز شده و به عنوان مبنای قابل قبولی برای مذاکرات صلح و آتش‌بس، جدا کردن نیروهای متخاصم از یکدیگر، مبادله زندانیان و پذیرش رای دادگاه بین‌المللی لاهه جهت تأمین خسارات جنگی ... (از سوی عراق) پذیرفته شد. منظور ما همان طرح صلح (شورا) است که هم عملی و هم عادلانه بوده و ضمناً مشابهت‌های زیادی با این طرحی که پارلمان اروپا با توافق آراء به تصویب رساند، دارد.

* سوال: آیا این رابطه با عراق، مستمکی به دست دولت تهران برای متهم کردن نمی‌دهد؟

جواب: باید یادآور شوم زمانی که عراق به ایران حمله کرده بود، ما مجاهدین برای دفاع از میهنمان بپا خاستیم و (به جبهه‌ی جنگ با عراق) شتافتیم، ولی (در عین حال) پاسداران خمینی از پشت به ما تیراندازی می‌کردند. برخی از ما نیز در جبهه دستگیر و گاه در همانجا تیرباران شدند. ولی نمی‌توانیم این حقیقت را بپوشانیم که خمینی پیوسته خواستار صدور انقلاب اسلامی خود بوده‌است. خمینی همیشه گفته‌است که می‌خواهد رژیم عراق را سرنگون کرده و رژیمی شبیه به رژیم خود را به جای آن بنشانند. در ضمن این موضوع را هم نمی‌توان از یاد برد که در ژوئن ۱۹۸۲ نیروهای عراق از سرزمین‌هایمان عقب‌نشینی نموده و عراق اعلام آمادگی جهت عقب‌نشینی کامل و برقراری صلح کرده بود. می‌خواهم بگویم که شرایط برای رسیدن به صلح عادلانه از مدت‌ها پیش موجود بوده، ولی این تنها خمینی است که میل به ادامه‌ی جنگ دارد.

* سوال: چرا شما این چنین سخت و محکم این مطلب را اعلام می‌کنید؟

جواب: جوابی که ما می‌دهیم جوابی است که دو هفته پیش از طرف خمینی هم تأیید شد و آن این است که او (خمینی) نمی‌تواند حتی یک قدم به عقب برگردد، زیرا شرایط سرنگونی رژیمش را بوجود خواهد آورد.

* سوال: یعنی به نظر شما رژیم می‌ترسد از اینکه بهای جنگ و مصائب اقتصادی را به لحاظ سیاسی بپردازد؟

جواب: تنها این نیست، چرا که انگیزه‌های جنگ و صدور انقلاب نیز گاهش خواهند یافت. آنها دیگر تقویت "روح‌های خسته" برای صدور انقلاب اسلامی و جلب هیجان و حمایت مردم را فقط در یک پیروزی نظامی ممکن می‌بینند. برعکس "یک توافق صلح با

صدام حسین و نشستن پشت میز مذاکره هر گونه امکان (صدور انقلاب) را از آنها می‌گیرد، چرا که مبنای هر گونه صلحی عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر است.

* سوال: با این وصف علیرغم آنچه گفته می‌شود این صدها هزار گشته، سرکوب و مصائب اقتصادی، هنوز به نظر نمی‌رسد که این‌ها علائمی برای سرنگونی سریع رژیم باشند. چه تغییرات مثبتی را در مورد وضعیت داخلی ایران پیش‌بینی می‌نمائید؟

جواب: مصائب اقتصادی بسیار زیاد هستند. کافی است چند مثال زده شود. در طول ۵ سال تولید پنبه ۷۰ درصد کاهش یافته است. یک میلیون خانواده‌ی روستائی، مزرعه‌شان را رها کرده در شرایط اسفناکی بسر می‌برند. این عده به ۵ میلیون نفر بالغ می‌شوند. ده میلیون ایرانی، یعنی یک چهارم جمعیت، حتی خانه ندارند. صادرات فرش که بعد از صدور نفت مطرح می‌شود، در طی ۵ سال ۸۰ درصد تنزل نموده است. بر مبنای آمار رسمی، تولیدات صنعتی در بهار گذشته به ۱۲۵ میلیارد دلار، یعنی به میزان بهای ۲ روز تولید نفت، کاهش یافته است و نیمی از جمعیت فعال نیز بیکار می‌باشند. ضمناً در این شرایط، ادامه دادن جنگ هم مشکل است. چندی پیش، گزارشی که به خمینی داده بودند، حاکی از فرار ۸۰ هزار تن مشمول بوده است. رژیم برای مقابله با این مشکلات گشتی‌های ویژه‌ای را بوجود آورده که به آنها "سپاه‌خدا" (جندالله) می‌گویند. این قبیل اکیپ‌ها به دهکده‌ها نیز می‌روند تا جوانان را برای گسیل دادن به جبهه‌ها جمع نمایند. توان بسیج جنگی در یک شهر مثل تهران که ۹ میلیون نفر جمعیت دارد، امروز به چهار هزار نفر در ماه کاهش یافته است.

در واقع اقتصاد خمینی هیچ آینده‌ای ندارد. سیستم اقتصادی کشور تماماً برای جنگ عمل می‌کند. جایگزین کردن این سیستم به سیستمی با اهداف صلح‌آمیز و ترمیم خرابی‌های کشور دیگر در توان این رژیم نیست. فروش دو میلیون بشکه نفت و خرید محصولات غذایی و اسلحه از خارج که چیز مشکلی نیست! کدام سیستم اقتصادی می‌تواند بر مبنای این پایه‌ها استوار و با ثبات تلقی شود؟

گزارشی از ششمین جلسه ماهانه بحث و گفتگوی نمایندگی شورای ملی مقاومت در انگلستان

بقیه از صفحه ۱۰

حاکم در جوامع پیشرفته‌ی سرمایه‌داری والاتر است، هرگز نافی آن نیست، بلکه اگر هم نفی در کار باشد، به معنای هکلی آن است، یعنی نفی در جهت تکامل در مدارج کیفی والاتر. بنابراین آنها که مبارزه برای دموکراسی و آزادی، از جمله مبارزه‌ی زنان برای رفع ستم مضاعف را در جوامع طبقاتی، سرمایه‌داری یا وابسته نفی می‌کنند. در واقع به پروسه‌ی دیالکتیکی تکامل مبارزه و رشد تضادها توجه ندارند. در حالیکه در همین مبارزات است که مردم بر منافع خویش و موقعیت اجتماعی و طبقاتی خود آگاهی پیدا می‌کنند. مساله تنها بر سر زور و زوری یک یا چند طبقه و قشر با طبقه‌ی حاکم نیست. باید ابزار این زور و زوری در گوران مبارزات سیاسی خود مردم و نه فقط گروه‌های آوانگارد، به دست آید. باید طبقات و اقشار تحت ستم بتوانند در کلیه‌ی سطوح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آلت‌رناتیوهای واقعی و عملی ارائه دهند، آلت‌رناتیو‌هایی که چه در تئوری و چه در عمل طی یک روند طولانی و تاریخی به وجود آمده و سیقل می‌یابند. اصولاً ستمها و ریشه‌های آنها را در خود مبارزات می‌توان شناخت و امکان ندارد انسان‌هایی که برای کسب حقوق خود مبارزه نکرده‌اند و تنها از طریق ایمان و اعتقاد به سازمان‌های سیاسی به صحنه‌ی مبارزه کشیده شده‌اند، بتوانند پس از یک تحول سیاسی و تعویض قدرت حاکم، ناگهان به حقوق واقعی خویش تحقق بخشند. و اما مبارزه برای این حقوق و تحمیل هرچه بیشتر آنها به ارتجاع حاکم، در شکل کلی و عام آن، چیزی جز مبارزه برای ایجاد و گسترش روابط دموکراتیک نیست و تنها این مبارزات است که می‌تواند پس از وقوع انقلاب محدود و پستی‌های آزادیها و دموکراسی را از بین برده و آنها را تا سطح دموکراسی واقعی و بنیادی ارتقاء دهد. حال اگر این نظر را بپذیریم دیگر چه بهانه‌ای می‌توان برای ممانعت از مبارزه‌ی مستقل زنان جهت کسب حقوق و آزادیها و رفع ستم مضاعف یافت؟" وی در اینجا به ذکر

مثالهایی از نوشته‌های گروه‌های معتقد به این گونه تئوری‌ها پرداخت و گفت که گرچه بعضی از این گروه‌ها در تئوری به وجود ستم مضاعف در مورد زنان اقرار دارند، اما هیچ اقدامی در جهت مبارزه با این ستم نمی‌کنند و مبارزاتی را که تحت عنوان جنبش مستقل زنان وجود دارد، تخطئه می‌نمایند. آقای نیرومند در این زمینه گفت: "بیم این نوع سازمانها این است که مبادا جنبش زنان از محدودی‌ی زنان زحمتکش فراتر رفته و زنان دیگر جامعه را نیز در بر گیرد و در نتیجه به دام بورژوازی بیفتند. به نظر آنها سازمانهای زنان باید از طرح خواسته‌هایی که عموم زنان را در بر می‌گیرد و همچنین گوشش برای بسیج زنهایی که خارج از طیف زحمتکشان قرار دارند، شدیداً پرهیز کنند." وی سپس افزود که اگر نویسندگان یا معلمان و دانشگاهیان، تشکلات صنفی درست کنند، کسی آنها را بلحاظ طبقاتی تفکیک نمی‌کند، ولی در مورد زنان از آن می‌ترسند که برای بورژوازی تبلیغ شود.

در مورد منافات نداشتن فعالیت زنان در جنبش مستقل خودشان و فعالیت سیاسی آنها آقای نیرومند چنین ادامه داد: "همانطور که یک نویسنده‌ی انقلابی می‌تواند در عین عضویت در کانون نویسندگان در حزب یا سازمان انقلابی مورد تمایزش نیز شرکت نماید، عضویت زن در سازمان‌های مستقل زنان نیز مانع شرکت فعال آنان در تشکلات زحمتکشان نخواهد شد. این دو بخش از مبارزه به هیچوجه با یکدیگر تناقض ندارند، برعکس مکمل یکدیگر هستند."

سخنران ضمن دفاع از "جنبش مستقل زنان" و ضرورت تقویت آن به عنوان تأمین‌کننده‌ی خواسته‌های به حق زنان جامعه، به ذکر انحرافات پرده‌پوشی که در اینگونه جنبش‌ها وجود دارد و گفت:

"به عنوان نمونه برخورد برخی از گروهها با زنان و دختران با حجاب، برخوردی دموکراتیک نیست. اگر ما از آزادی پوشش صحبت می‌کنیم، این آزادی را هرگز نمی‌توانیم صرفاً برای آن دسته از زنان طلب کنیم که به پوشش اسلامی تمایلی ندارند و آنرا نفی می‌کنند. این آزادی باید برای

همه باشد و از جمله برای زنانی که چه به دلیل اعتقادات مذهبی و چه به دلیل پایبندی به سنت‌ها، مایل به استفاده از حجاب هستند. اصولاً برخورد برخی از گروه‌های مستقل زنان با مذهب، باورهای مردم و جریانات و سازمان‌های مذهبی، تحقیرآمیز، غیردموکراتیک و حاکی از عدم شناخت نقش و موقعیت مذهب و این سازمانها در ایران است."

وی در این رابطه افزود که اشتباه بزرگی است اگر تصور کنیم جنایات خمینی موجب شده که فرهنگ مذهبی مردم تبدیل به فرهنگ غیرمذهبی شود و مثال‌هایی از کشورهای اروپائی آورد که پس از ۴۰۰ سال که از پایان دوران حاکمیت مذهب می‌گذرد، هنوز مذهب در اخلاق و فرهنگ مردم جا دارد. او راه حل مبارزه با قشریت و جمود فرهنگی خمینی را در حمایت و تقویت برداشتهای ترقیخواهانه از مذهب دانست و در این رابطه از نقش ارزنده‌ی سازمان مجاهدین خلق در شکستن سنت‌های عقب‌گرایانه و خشک‌مفزی‌های آخوندیسم تجلیل نمود.

او سپس به مورد دیگری از انحرافات جریانات مستقل زنان پرداخت و چنین ادامه داد:

"مورد دیگری که به نظر من در رابطه با انحرافات برخی از گروه‌های زنان در خارج کشور قابل ذکر است، تصور آنها از مبارزه‌ی مستقل است. تفسیر آنها از استقلال این است که وجود آنها تنها و تنها به خاطر دفاع از خواست‌ها و حقوق زنان است و دیگر آنها را با سایر مسائل جامعه، مبارزات مردم و سازمان‌های سیاسی و انقلابی کاری نیست..."

آقای نیرومند پس از ذکر نمونه‌ای دیگر از برداشتهای نادرست از مسئله‌ی زنان، بطور خلاصه دیدگاه شورای ملی مقاومت را در این رابطه یادآور شد و با ذکر ماده‌ی ۸ وظایف مبرم دولت موقت:

(لغو و رفع کلیه ستم‌ها و اجبارات و تبعیضات رژیم ارتجاعی خمینی در مورد زنان کشور، منجمله لغو محرومیت از حق انتخاب کار و پوشش براساس تساوی کامل حقوق اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی زن و مرد...) لزوم برخورد فعال‌تر شورای ملی مقاومت نسبت به مسئله‌ی زنان را خاطر نشان ساخت.

پس از اتمام سخنرانی‌ها شرکت‌کنندگان به طرح سوال‌ها و توضیحاتی پرداختند و آنگاه خانم کیانوش و آقای نیرومند با جمع‌بندی بحث، پاسخ‌سوال‌ها را ارائه نمودند و جلسه در ساعت ۴:۵۰ دقیقه بعد از ظهر پایان یافت.

سرودهای مقاومت

سرود، در ستایش خلق

م. الف. موج

قیام

کاظم مصطفوی

به بام‌ها برآئید
 به بام‌ها برآئید که رنگین‌کمان گمشده
 از آسمان شب برآمده، سرخ و زرد و سبز
 و به چشم ببینید،
 آتشباری گوگبی درشت را
 که ضیافت شب را با انفجار تمامیت خود
 به خون گشیده است.
 عطر خوش باور را
 لابلای نسیم گزنده‌ی صبح به خشم بچینید،
 و به گوچه بریزید.
 و با ارتعاش خشمناک حنجره‌ها
 فضای شیشه‌ای قفس‌ها را
 مثل حباب پوک بلورینی
 بر موج موج خشم خود بترکانید.
 به میدان‌ها درآئید
 و با بانگ مسلسل‌ها تان
 از مسیر دودناک پیروزی عبور کنید.
 و بر نعش‌ها مرداران هلهله زنید

 بر آسمان برآئید

زندان	خلق.
میدان تیر	همیشه خلق.
خلق.	آرام، می‌بینی‌اش اما
همیشه خلق	همیشه در کار است
گوه را	نه باز می‌ماند
در زیر دارد	نه می‌شود، بازش داشت
توفان را	نه می‌میرد
در رگاب،	نه می‌شود، گشتش
جنگل را	خلق.
در مشت،	همیشه خلق.
دریا را	همه‌جا هست:
در گف،	گاراخانه
خورشید را	مزرعه
در سینه دارد	بازار
خلق.	مدرسه
همیشه خلق	اداره
بر خویش	گوچه
استوار است	خیابان
با خویش	

فصل سوم

فریدون

وقتی که "فصل سوم" این رزم
 در امتداد رعد و برق "مجاهد"
 آغاز شد
 صاعقه‌ای عظیم
 دیوار اختناق "خمینی" را خواهد ریخت
 آنگاه،
 "سیلاب جنبش خلق"
 در بستری به وسعت ایران
 کاخ سیاه "ارتجاع" کهن را نابود می‌کند.
 * * *
 وقتی که "فصل سوم" این رزم
 در امتداد زلزله‌ی بمب‌های "مجاهد"
 آغاز شد
 آتشفشان کینه‌ی خلق
 از دره‌ی سیاه "جماران" سر باز می‌کند
 تا لانه‌ی جنایت "شیطان" را
 در زیر گوه قدرت "انسان" فنا کند.
 * * *
 وقتی که "فصل سوم" این رزم
 در امتداد تابش نور "ستاره‌های مجاهد"
 آغاز شد

"شب" از میانه‌ی "ایران" سقوط خواهد کرد
 و "خفاش‌های پاسدار" تباهی
 در گوچه‌های "شهرک نور"
 مفلوک و بی‌رمق
 تسلیم نیزه‌های "لشکر خورشید" می‌شوند
 * * *
 وقتی که فصل "سوم" این رزم -
 آغاز شد
 در اولین دقایق سرخ عبور آن
 "دستان منتقم خلق"
 "انبوه قاتلان"
 و عاملان غارت و وحشت را
 تا آخرین نفر
 بر شاخه‌های درختان هر گذار و خیابان
 آویز می‌کند
 * * *
 این رعد و برق‌های پیاپی
 این اختران روشن شب‌سوز
 این دست‌های منتظر،
 این بمب‌های خشم
 بی‌شک نشان آمدن فصل دیگرند

فصلی که خط سرخ نخستین
 اعلان ختم فصل‌های سیاه اسارت
 و نقطه‌ی خجسته‌ی پایانش
 رمز شروع "فصل سبز رهائی" است
 "فصل شکفتن گل‌های زندگی"
 "فصل بلند صلح و عدالت"
 * * *
 هان، ای دلاوران سرافراز
 سربازهای "صادق" آزادی
 خلق مبارز ایران
 امشب
 "فرمانده‌ی بزرگ رهائی"
 آن پرچم مقدس رزم بزرگ شمایان را
 بر "قله‌ی هجوم نهائی" می‌افرازد
 سنگر بپا کنید
 بمب بسازید
 که فردا
 "فصل سوم" آغاز می‌شود.
 * * *

بیانیه جامعه متخصصین و فارغ التحصیلان ایرانی مقیم فرانسه

برای استقرار صلح عادلانه بپا خیزیم!

حاکمیت لرزان خود را از دست خواهد داد و نهایتاً با شکافته شدن چتر گستردهی اختناق با قیام عمومی خلق مواجه خواهد شد. و از این جا ارتباط تنگاتنگ صلح و نجات مردم و آیندهی ایران از سر رژیم خمینی آشکار می‌گردد و تکیه و تبلیغ شعار "صلح"، بویژه در شرایط فعلی جامعهی ایران، اهمیت خود را نشان می‌دهد.

جامعهی متخصصین و فارغ التحصیلان ایرانی مقیم فرانسه که "صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر ملل" را یکی از اصول برنامه‌ی خود قرار داده، بویژه در شرایط حساس کنونی که جامعه در چنگال مهیب‌ترین حاکمیت ضد مردمی تاریخ ایران گرفتار است، تلاش و تبلیغ برای پایان بخشیدن به جنگ و ترویج صلح عادلانه را رسالت هر ایرانی آزاده می‌داند و در این رابطه ضمن ستایش از مقاومت صلح طلبانه و آزادیخواهانهی مردم میهنمان در مقابل رژیم خمینی و حمایت از ابتکار و تلاش‌های پیگیر صلح‌جویانهی شورای ملی مقاومت و تشکر از همهی مراجع و جریان‌های اناسندوست بین‌المللی که صادقانه برای خاتمه بخشیدن به جنگ ایران و عراق تلاش می‌کنند، از همهی انسان‌های صلح‌طلب بخصوص از هموطنان ایرانی خود دعوت می‌کند که به یاری مردم ستمدیدهی ایران برخیزند و برای جلوگیری از خونریزی بیشتر و انهدام هستی دو کشور همسایه، به جنبش صلح طلبانهی مردم ایران بپیوندند.

جامعهی متخصصین و فارغ التحصیلان ایرانی مقیم فرانسه نشانی و صندوق پستی جامعه: FARSHAD B-P-125 75563 PARIS CEDEX 12

آشکارا نغمهی جنگ‌افروزانگی "صدور انقلاب!" و سرنوشتی رژیم عراق را سر می‌دهد و با سوءاستفاده از احساسات مذهبی مردم و مایه‌گذاری از تمام امکانات انسانی و مادی جامعه، بقول خودش "تنور جنگ" را داغ نگه می‌دارد و پیوسته از "برکات جنگ" دم می‌زند و از این بلای خانمانسوز بعنوان "نعمتی الهی" یاد می‌کند؛ به میانجیگری‌ها و وساطت مراجع بین‌المللی نظیر سازمان ملل، سازمان کشورهای غیرمتعهد و کشورهای اسلامی و ... دهن کجی میکند؛ و با صلح‌طلبی و اعتراضات مردمی نظیر تظاهرات ضد جنگ مردم دزفول با گلوله و سرب مقابله می‌نماید، علیرغم آنکه بلحاظ نظامی و شرایط سیاسی-اجتماعی داخلی و منطقه‌ای، ناکامی را کاملاً لمس کرده، خود و عروسک‌های کوکیش و قبحانه اعلام می‌کنند که مصمم هستند تا خراب‌شدن آخرین سرپناه مردم، یعنی ویرانی کامل ایران، به این جنگ ویرانگر ادامه دهند. آری این رژیم ضد مردمی که جز در بحران‌سازی و جنگ‌افروزی امکانی برای بقا خود نمی‌بیند، همچنانکه از مسالهی گروگانگیری برای تصفیهی صحنهی سیاسی جامعه از مخالفین خود و گسترش اختناق سوءاستفاده کرد و تا مرز قرارداد ننگین خود با آمریکا دست از آن برنداشت، برای ادامهی حکومت ضد مردمی خود دست از جنگ‌افروزی و بحران‌سازی برنخواهد داشت و تا خمینی هست کشتار و اختناق هست و تا خمینی هست آوارگی و گرسنگی هست و تا خمینی هست ایران روی صلح و آزادی را به خود نخواهد دید. زیرا او می‌داند که با خاتمه یافتن جنگ و استقرار صلح، رژیم او یک پای

مصیبت‌بارترین و در عین حال بیهوده‌ترین جنگ تاریخ ایران، میهن ما را در لهیب آتش خود فرا گرفته و شعله‌های خانمانسوز آن هر روز به عمق بیشتری از زندگی مردم ایران سرایت می‌کند. صدها هزار کشته و معلول، میلیون‌ها نفر آواره و بی‌سرپرست و صدها میلیارد دلار خسارت مادی از جمله ارقام دهشتناک و ضایعات مستقیم است که تا بحال بر ملت ما تحمیل شده و عوارض اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این جنگ، جامعه را در معرض چنان فشارها و ناهنجاری‌هایی قرار داده که سال‌های سال بایستی بار مصائب آن را بدوش بکشیم. جنگی که، با تجاوز رژیم عراق و مقاومت برحق مردم انقلابی ایران آغاز شد، به خمینی فریبکار و فرصت طلب امکان داد که با سوار شدن بر موج احساسات میهن‌دوستانهی مردم، بتدریج آن را در جهت پیشبرد نیت ارتجاعی و کینه‌توزی‌های شخصی سوق دهد. او با قرار دادن مسئلهی جنگ "در صدر مسائل کشور" و استفاده از آن بعنوان پوششی برای سرکوب و اختناق تلاش کرده است از پاسخگویی به خواست‌های طبیعی مردم شانه خالی کرده و بر تمام مسائل دیگر سرپوش گذاشته و آنها را فرعی جلوه می‌دهد. خلاصه آنکه خمینی مسئلهی جنگ و پابپای آن سرکوب و اختناق داخلی را دو پای اصلی ادامهی حاکمیت خود قرار داده است. این است که می‌بینیم با وجود آنکه شرایط برقراری صلح بارها فراهم شده و رژیم عراق آمادگی خود را برای بازگشت به پشت‌مرزهای بین‌المللی (منطبق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر) اعلام داشته، خمینی ضمن رد هر نوع پیشنهاد صلح،

خارجه - مطرح شده است: ۱- دولت آلمان جهت تبدیل آتش‌بس یک‌جانبه به یک آتش‌بس مستمر بین ایران و عراق، چه اقداماتی می‌خواهد انجام دهد تا صلح در منطقه برقرار گردد؟ ۲- دولت آلمان جهت تحقق بخشیدن به قطعنامهی شماره ۵۴۰ سازمان ملل متحد چه طرح‌هایی را در نظر گرفته است؟

یونان

بدنبال اقداماتی که از جانب آقای حسن نایب‌آقا نمایندهی شورای ملی مقاومت در یونان در

گسترش موج حمایت از اقدامات ...

بقیه از صفحه ۸

دادن به جنگ ایران و عراق را پس بگیرد. همچنین در این نامه یادآوری شده بود که در صورت عدم پذیرش خاتمهی جنگ، رژیم ایران جانی در هند نخواهد داشت و ناگزیر باید کنسولگری‌ها و سفارت خود را در این کشور تعطیل نماید.

آلمان

بدنبال قطع موقت بمباران غیرنظامیان، که به ابتکار برادر مجاهد مسعود رجوی صورت گرفت، چهار تن از نمایندگان مجلس آلمان فدرال تلگراف زیر را جهت دبیر کل سازمان ملل متحد مخابره نمودند:

قلبا و مؤکداً از شما تقاضا داریم، هر چه در قدرت دارید، برای استمرار آتش‌بس یکطرفه بین ایران و عراق در فاصلهی زمانی در نظر گرفته شده، انجام دهید. جان هزاران تن در شهرها و دهکده‌های مرزی از این طریق می‌تواند نجات داده شود. علاوه بر آن امیدواریم که کوشش‌های شما برای آتش‌بس دائمی، این هدف را داشته باشد که به ادامهی جنگ پایان داده شود.

با سلام‌های قلبی گرت و ایزکرشن - هورست زیلیات گونتر هاین خانم هایدی زیموینس نمایندگان پارلمان آلمان فدرال * * *

در همین رابطه نیز نامه‌ی زیر توسط دو تن از نمایندگان مجلس آلمان فدرال به دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال شده است:

بنابر درخواست آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و رهبر مجاهدین خلق ایران از دولت عراق مبنی بر قطع بمباران شهرهای مسکونی ایران، قطع موقت بمباران بطور یکجانبه برای مدت یک هفته تا سه‌شنبه آینده اعلام شده است. برای جلوگیری از گسترش دامنه‌ی این جنگ و برای نجات دادن جان هزاران انسان بی‌دفاع در مناطق مرزی ایران و عراق، از شما مؤکداً می‌خواهیم آنطوری که خود صلاح می‌دانید با بکارگیری هر نوع امکان در جهت تبدیل کردن قطع بمباران موقت، به قطع دائمی بمباران بین ایران و عراق، تلاش کنید. سیاست‌گذاران نمایندگان مجلس آلمان فدرال لوتار فیشر - یوزف فسن * * *

از طرف آقای گرت و ایزکرشن نماینده‌ی پارلمان آلمان غربی نیز دوسوال زیر در رابطه با جنگ ایران و عراق، از دولت آلمان - وزارت

ائتلاف ملی " هند به ریاست آقای راج بالدر و تظاهراتی در روز ۱۳ مارس علیه جنگ‌طلبی رژیم خمینی و اصرار بر ادامهی جنگ ایران و عراق در شهر دهلی نوترتیب داد.

روز قبل از تظاهرات پوسترهائی در سطح شهر دهلی نو با تیتراهای محکومیت رژیم خمینی نصب و توزیع شده بود. تظاهرات با شرکت چند صد نفر از اهالی دهلی نو برگزار شد. تظاهرکنندگان شعارهائی را به زبان هندی و "اردو" تکرار می‌کردند و پلاکاردهائی با مضمون "سازمان ملل باید از ایران بخواهد که آتش‌بس فوری را بپذیرد" و "کجا هستند کشورهای که برای حقوق بشر فریاد می‌زنند"

در دست داشتند. در جلوی تظاهرات نیز پلاکاردی با مضمون "درود بر مسعود رجوی پیام آور صلح و آزادی - مرگ بر خمینی سبیل خرابی و ویرانی در ایران" حمل می‌شد. در صف اول تظاهرات آقای راج بالدر رئیس مجمع ملی، آقای کوفنا عضو سابق پارلمان از حزب کنگرهی خانم گاندی، دو تن از رهبران مسلمان هند بنامهای محمد جمیل و محمد شاهد، آقای اوت کانا از حزب کنگرهی خانم گاندی، آقای اچ - اس جمودی عضو کمیتهی اجرائی

حزب جانانا شاخی دهلی، خانم تری پتا و نیپال رهبر سازمان رفاه زنان هند، حرکت می‌کردند. در مقابل دفتر سازمان ملل، آقای راج بالدر به داخل دفتر رفته و نامه‌ی را که در آن خواستار اقدامات تازه و اساسی سازمان ملل برای برقراری صلح بین ایران و عراق شده بود، تسلیم نمایندهی سازمان ملل کرد. در این نامه از آقای پرزد و کوئلار خواسته شده بود که در صورت عدم تسلیم رژیم خمینی در مورد پایان دادن به جنگ از سازمان ملل اخراج شود.

بعد از ترک دفتر سازمان ملل، تظاهرکنندگان بطرف سفارت رژیم خمینی در دهلی نو براه افتادند و در جلوی سفارت آقای راج بالدر نامه‌ی را که به خاتمه‌ی نوشته بود، به جلوی درب سفارت برد، ولی کارکنان سفارت از ترس درها را قفل کرده و همگی در داخل ساختمان پنهان شده بودند که در نتیجه نامه‌ی مجمع ائتلاف ملی به داخل سفارت انداخته شد. در این نامه آمده بود که خاتمه‌ی باید جوابیه‌ی خود به خانم گاندی مبنی بر رد کردن تقاضای خانم گاندی در مورد خاتمه

نیز اقلاً برای برقراری یک هفته آرامش و آزمایش واقعی امکان قطع این جنگ، این اقدام را تعقیب نماید.

همچنین آگاهیم که حکومت ایران در پاسخ به چنین تقاضائی بمباران را تشدید نموده و حمله‌ی جدیدی را آغاز کرده است.

لذا اقدام فعال سازمان ملل متحد و شخصی شما آقای دبیرکل، بشدت ضروری است.

ارادتمند شما یانینس باناس دبیر کمیتهی مرکزی حزب کمونیست یونان - داخلی

رابطه با افشه ماهیت جنگ‌طلب و ضد بشری رژیم خمینی بعمل آمد، متن زیر از جانب حزب کمونیست داخلی یونان برای دبیرکل سازمان ملل متحد مخابره شده است:

از: حزب کمونیست یونان - داخلی - کمیتهی مرکزی به: دبیرکل سازمان ملل متحد نیویورک آقای دبیر کل؛

می‌دانیم که حکومت عراق در پاسخ به پیشنهاد صلح آقای رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران، بطور یکجانبه بمباران (مناطق مسکونی) ایران را قطع نمود و تقاضا کرد تا دولت ایران

اطلاعیه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور در رابطه با انتشار مجموعه یکساله دوره جدید نشریه مجاهد

هموطنان عزیز برای دریافت این مجموعه یکساله، می‌توانند در کشورهای مختلف مبلغ معادل ۷۰ دلار به شماره حساب‌های مشخص شده در جدول زیر واریز نموده و فیش بانکی آنرا همراه با آدرس خود به صندوق‌های پستی مربوطه که در جدول مشخص شده است، بفرستند تا مجموعه یکساله برایشان ارسال شود. هموطنان عزیز ما در آمریکا می‌توانند مستقیماً چک بانکی معادل ۷۰ دلار را به آدرس مشخص شده در جدول ارسال نمایند.

اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان با توجه به اهمیت و ارزش تاریخی، سیاسی و اجتماعی این نشریات که شامل پیام‌های برادر مجاهد مسعود رجوی، آخرین موضعگیری‌ها و اطلاعیه‌های مجاهدین خلق، مدارک بسیاری از درون ارگان‌های رژیم خمینی، لیست اسامی و مشخصات بخشی از شهدای انقلاب نوین ایران، مجموعه‌های مستندی از زندان‌های رژیم ضدبشری خمینی و تفسیرها و مقالات مختلف سیاسی و اجتماعی... می‌باشد - مجموعه یکساله‌ای که شماره‌های ۱۲۹ تا ۱۸۰ "نشریه مجاهد" را در بر می‌گیرد تهیه و منتشر نموده است.

هموطنان گرامی؛ اکنون بیش از یکسال از آغاز دوره جدید انتشار نشریه مجاهد می‌گذرد. طی این مدت "نشریه مجاهد" به بهای کوشش‌های خستگی‌ناپذیر و کار و تلاش شبانه‌روزی خواهران و برادران مجاهد در هیئت تحریریه و بخش اجرائی نشریه توانسته است ضمن ارائه و انتشار مدارک و نمونه‌های عینی و مستند، هموطنان عزیز را در جریان آخرین وقایع و اخبار مقاومت سراسری و همچنین اختناق قرون وسطائی و جنایات ضدبشری رژیم خمینی قرار دهد.

پیرامون تحقیقات و اختراعات...

بقیه از صفحه ۷

"سنتر مادهی دور کنندهی حشرات" که سپاه ضد خلقی خمینی برای حل مسئلهی پشه جنگ - که "برادران حاضر در جبهه را" نیش می‌زدند - شدیداً به دنبال آن بود و نهایتاً دست به دامان "جهاد دانشگاهی" شد که پس از دو سال کار روی آن، عاقبت نیز نتیجه‌ای حاصل نشد و سپاه ناچار گردید مادهی اصلی آن را از سوئد وارد کرده و به همپالکی‌های مخترع و مکتشف خود بدهد تا این دارو را تولید نمایند. پس از این راهگشائی! کرم ساخته شده (موسوم به "سنگر")، که طبق معمول "از انواع خارجی نیز برتر بود!" به عنوان "هدیه‌ی ساخته شده بدست ایادی رژیم، به "سنگرنشینان عزیز!" تقدیم گردید. جالب‌تر اینکه در زمان درج گزارش این اختراع در "پیام انقلاب!" - ارگان سپاه ضد خلقی - مورخه ۱۳ فروردین ۶۲، همراه با تصاویری گوناگون از این نمونهی پیشرفت علم و صنعت در رژیم خمینی، با حروف درشت قید شده بود: "بدون شک جنگ تحمیلی، یکی از عمده عوامل رشد و شکوفائی هر چه بیشتر جمهوری اسلامی (۱) در زمینه اختراعات و اکتشافات گردید!"

اما از طرح‌ها و پروژه‌های ورشکستهی "جهاد دانشگاهی" که بگذریم، مغزهای متفکر و مخترع رژیم! در دانشگاهها، مراکز علمی و آزمایشگاهی و کارگاههای فنی را به "مغازه‌های" جوشکاری، تراشکاری و ... تبدیل کرده‌اند که از طریق آنها، بصورت شکسته بسته و محدودی ماشین‌آلات خراب شده یا راکد مانده را، تعمیر و راه‌اندازی می‌کنند. حتی همین کارگاهها، با گذاشتن وقت و انرژی زیاد - البته مانند یک تراشکار غیر ماهر - برخی نیازهای جبهه‌های جنگ همانند پیچ و مهره و یا برخی قطعات کوچک ادوات و ماشین‌آلات جنگی را تامین می‌کنند که بایستی این کارها را بمثابه تعمیرات فنی پشت جبهه به حساب آورد.

پاورقی: * بدلیل فقدان یک سیستم تحقیقاتی مرتبط با نیازهای جامعه، حتی بودجه‌ها در چارچوب تحقیقات کنونی، کاملاً جذب نمی‌شوند. (کیهان/۲۰ شهریور/۶۲)

رژیم (منجمله کارگزاران وابستهی رژیم در دانشگاهها)، خود از امکانات توسط مزدوران "جهاد دانشگاهی" در زمینه تحقیقات و اکتشافات می‌باشند و می‌دانند بودجه‌های کلان در این زمینه بدون هیچگونه نتیجه‌گیری به چپاول و غارت می‌رود. * و ضمناً همین جناح بر سر موضوعات مختلف، منجمله مدیریت دانشگاهها نیز، با جاسوسان "جهاد سازندگی" سرشاخ می‌باشند و در همین رابطه نیز اینجا و آنجا بطور آشکار و پنهان، علیه فعالیت‌های "جهاد"، سخن پراکنی می‌کنند. لذا "جهاد دانشگاهی" تلاش می‌کند تا با تبلیغات سراسر دروغ و با رنگ و لعاب دادن به پروژه‌های ورشکستهی خود، جایگاه خود در بین سردمداران و جناح‌های رژیم را مستحکم‌تر نماید. بعنوان مثال صرفنظر از تبلیغات مداوم نشریهی موسوم به "دانشگاه و انقلاب" - ارگان "جهاد دانشگاهی" - امسال ایادی رژیم در "جهاد دانشگاهی" دانشگاه تهران، در جریان اوجگیری تضادهای درونی‌شان با جناح مقابل، تصمیم گرفتند گوشه‌ای از "اختراعات و اکتشافات محیرالعقول"!! خود را در کیهان ۲۰ شهریور منتشر نمایند. دروغ‌ها و شایدهائی که در سرتاسر گزارش بکار رفته بود، حتی باعث حیرت ایادی رژیم در دانشگاه گردید. جالب توجه است که در همان تاریخ یکی از عناصری که گویا هنوز آنچنان که باید با عوام‌فریبی‌های رژیم آشنا نبود، با خواندن مقاله‌ی فوق با حیرت‌زدگی گفته بود: "وقتی برای این یخش کوچک، دروغ به این بزرگی می‌گویند، وای به حال ما، که اینها در مورد مسائل بزرگ مملکتی چه دروغ‌هایی می‌گویند!" فی‌المثل در گزارش کذائی فوق‌الذکر، طرح تهیهی انسولین از لوزالمعدی گاو، هنوز که هنوز است در مرحلهی آزمایشگاه می‌باشد و به همین سبب طرح "رژیم معاوضی یون" (این ماده در کارخانجاتی که با آب جوش سر و کار دارند، مورد نیاز است)، طرح "عمارهی مالت" (مورد استفادهی کارخانه‌های مواد غذایی) و همچنین طرح‌های دارویی دیگر و ... هنوز از آزمایشگاه خارج نشده‌اند.

جالب اینجاست که طرح

شماره حساب	آدرس پستی
انگلستان Britin: ACC. NO. 11104101 MIDLAND BANK 90 BAKERST. LONDON W1 (مبلغ ۵۰ پوند)	Britain: Miss Publication B.M. Box 9270 London WCIN 3XX
آلمان M.S.V. Girokonto 28632065 Stadtsparkasse Köln Biz.: 37050198 (مبلغ ۱۹۵ مارک)	M.S.V. PF.: 420531 5000 Köln 41
ایتالیا Conto Corrente Banario N. 3015163/01 P. Hamid Della Banca Commerciale Italiana Milano-SUCC. Milano-TURRO (مبلغ ۱۲۰/۰۰۰ لیر)	C.I.N. 49364568 FERMO POSTAS SILVESTRO 00100 ROMA
اتریش MOSLEMISCHE STUDENTEN VEREINIGUNG Österr. WIEN 0025 - 91766,00 FIL. 11000 SCHOTTENGASSE 1 1010 WIEN AUSTRIA (مبلغ ۱۴۰۰ شیلینگ)	PS. 108 1091 WIEN AUSTRIA
اسپانیا 3000692763 CAJADE AHAORROS YMONTE DEPIEDAD D MADRID ESPANIA (مبلغ ۱۲۰۰۰ پزوتا)	ZARI APARTADE DECORRES 2147 MADRID ESPANE
سوئد POSTGIRO M.S.F. 25083-7 (مبلغ ۵۷۰ کرون)	M.S.F. BOX 7041 1630 SPÅNGA-SWEDEN
فرانسه B.N.P. CHAMPS-ELYSEES 06608088 SAFARI HADI (مبلغ ۶۰۰ فرانک)	B.P. 214 92108 BOULOGNE BILLANCOURT CEDEX PARIS FRANCE
آمریکا آدرس پستی	M.I.S.S. U.S.A. AND CANADA P.O. BOX 126 NY.NY. 10185 U.S.A.

پاسخ به نامه‌های رسیده

بقیه از صفحه‌ی آخر

به جیب‌ها از آن استفاده می‌کند، جوانان بیگارا است. باتوجه به اینکه بیشتر از ۵۰٪ جوانان بیگار هستند و تنها جایی که در رژیم خمینی کار پیدا می‌شود "جیبه" است.

* برادری با نام مستعار "نیروان خویشتاوند" طی نامه‌ی مفصل و جالب خود، فعالیت‌های هسته‌شان را شرح داده و نمونه‌ی گویائی از همکاری‌های مردم با اعضای هسته‌های مقاومت سراسری و احساس مسئولیت آنان نسبت به سرنوشت فرزندان مجاهد و رزمنده‌ی خود را چنین شرح می‌دهد:

"... شب در خانه‌ی بودم که منزل یکی از اعضای هسته نیز در نزدیکی آن قرار داشت. صبح، برای وضو گرفتن وارد حیاط شدم. در همان موقع یکی از مستاجرین خانه با شتاب بطرفم دوید و گفت: "آمده‌اند شما و دوستان را بگیرند. خانه‌ی دوستان پر از پاسدار است. هر چه زودتر فرار کنید." به طبقه‌ی بالا رفتم. لبنیاتی محله را دیدم که آمده بود بالا و به صاحب‌خانه‌ی که من در آنجا خوابیده بودم، همان خبر را می‌داد و تاکید داشت که "به خانه‌ی د" ریخته‌اند به دوستان بگوئید سریعتر از اینجا دور شود. صاحبخانه هم بدون معطلی لباس‌های سربازی پسرش را آورد و به من داد و گفت: "این لباس‌ها را بپوش و از دیوار پشتی فرار کن." لباس‌هایم را پوشیدم و بر اساس رهنمودهایی که از سازمان گرفته بودم، با خونسردی نقشی فرار را کشیدم. همان فردی که خبر ریختن پاسداران به خانه‌ی یکی از اعضای هسته را به من داده بود، بچه‌اش را که دختر خردسالی بود، برای عادی‌سازی همراه من کرد و گفت: "بچه را همراهت ببر و سر کوچه بگذار زمین، بقیه‌اش را من خودم درست می‌کنم..." من بحالت عادی تا سر کوچه رفتم. تمام اطراف خانه‌ی "د" محاصره بود. بچه را سر کوچه گذاشتم و شروع به دویدن کردم و از منطقه دور شدم..."

* برادری بنام "س.ع" ضمن شرح اخاذی‌ها و فشارهایی که توسط رژیم خمینی به مردم محروم میهنمان وارد می‌شود و

بپرسد. "میرعماد" جنایتکار ضمن صحبت‌هایش گفت: "تعدادی از زندانیان منافع ادعا می‌کنند نام هستند، در حالیکه هنگام اعدام هم همان افکار التقاطی خودشان را دارند. مثلاً خانم سیمین زائری که دیروز اعدامش کردیم قبل از اعدام برای آخرین بار به او اجازه دادیم تا تلفنی با خانواده‌اش صحبت کند. او هنگام خداحافظی به مادرش گفت: "مادر تنها جرم من خدمت به خلق بوده و برای همین هم می‌خواهند مرا اعدام کنند." اینها حتی زمان اعدام هم منافق هستند..."

همین خواهر در قسمت دیگری از نامه‌ی خود، فشار به کودکان اسیر را چنین شرح می‌دهد: "در آذرماه ۶۱، مادری را به همراه فرزند سه ساله‌اش دستگیر کردند. مادر کسی را نداشت تا در بیرون از فرزندش نگاهداری کند. اجباراً فرزندش را نیز همراه خودش به زندان آورد. این کودک از بوی نم و هوای آلوده و محیط خفه و محدود و تنگ سلول‌ها، حساسی کلافه شده بود. بعضی روزها توی راهرو به تنهایی قدم میزد و دستش را محکم تکان می‌داد و می‌گفت: "مرگ بر عبدالله، مرگ بر عبدالله" (عبدالله نام مستعاری بود که بازجویان بطور عام برای خود انتخاب کرده بودند و زندانیان نیز هر کدام از آنها را با صفتی که به "عبدالله" اضافه می‌کردند، صدا می‌کردند، مانند عبدالله کوتاه‌قد و ...). بالاخره یگروز پاسداری این شعار را شنید و بلافاصله بچه را با خودش برد. از کودک معصوم پرسیده بودند که چه کسی این شعار را به وی یاد داده است و چون کودک نتوانسته بود چیزی بگوید همه‌ی خواهران را ردیف کردند و کودک را از مقابل تک‌تک آنان عبور دادند. با وجود اینکه فرد مشخصی این شعار را به کودک یاد نداده بود، ولی کودک خواهری را نشان داد.

بلافاصله خواهر را زیر شکنجه بردند. پس از اتمام شکنجه خواهر برگشت. از او پرسیدم که آیا او شعار را به کودک یاد داده بود؟ خواهر گفت: "من به خاطر اینکه این بچه شباهت زیادی به بچه‌ی خودم دارد، اصلاً به او نزدیک نمی‌شوم تا مبدا تحت‌تأثیر قرار بگیرم..."

* برادری برخوردار خود را با مادر یک مجاهد شهید، چنین شرح می‌دهد: "مادر پیر و ضعیف‌الجثه‌ای با قدی کوتاه و چهره‌ای آفتاب‌زده و سوخته

بود. با تنفر و کینه‌ی انقلابی مقدسی نسبت به رژیم حرف می‌زد. از پسر مجاهدش که در زمان شاه خائن نیز فعال بوده و در جریان یکی از وقایع آن زمان تیر خورده و بعدها هم توسط خمینی خائن اعدام شده بود، می‌گفت. این مادر شجاع درباره‌ی اعدام فرزند مجاهدش چنین گفت: "وقتی او را اعدام کردند، خیر دادند که چون تیرخورده‌ی زمان انقلاب است جنازه‌اش را به خانواده‌اش برمی‌گردانیم. من برای تحویل جنازه رفتم. ولی پاسداران ضمن بهانه‌جویی از تحویل جسد به من خودداری کردند و گفتند: "چون تو پدر وی نیستی جنازه را به تو نمی‌دهیم و همچنین چون پدر ندارد برو بگو مردی از فامیلتان بیاید و جسد را تحویل بگیرد." به مزدوران گفتم: "من از آن مادرهایی که شما فکر می‌کنید، نیستم. من فکر امروز را هم کرده بودم. اگر خدای ناگفته از امروز هراس داشتم از روز اول مانع بچه‌ام میشدم..." خلاصه با اصرار فراوان جنازه را تحویل گرفتم. خودم آنرا غسل داده و گفن و دفن کردم. بدون آنکه ذره‌ای اشک بریزم. تاکنون هم هیچکس اشک مرا ندیده و نخواهد دید..."

* مادری از شیراز در نامه‌ی مفصل خود مشاهدات عینی خود را از کمبودهای اقتصادی و فشارهایی که مردم در این رابطه تحمل می‌کنند، چنین می‌نویسد: "... برای خرید رفته بودیم سه راه احمدی، در خیابان سردرگ ۲۰۰ - ۳۰۰ نفر دم در یک دکان جمع شده بودند و با فشار و هل دادن یکدیگر چیزی را از یک نفر می‌قاچیدند. بعد از پرس وجو متوجه شدیم که دکان نانوائی‌ست و نانوا وقتی می‌خواهد نانی را به یک مشتری بدهد، چنین وضعی بوجود می‌آید. ... چند روز پیش هم صف‌های نانوائی‌ها به ۵۰ متر رسید. گشت "بقیه‌الله" هم خیابان را لحظه‌ای ترک نکرد. آنقدر نگران بودند که بیش از صد بار رفتند و آمدند ... بعد از ۴ ساعت منتظر ماندن در صف‌ها، آخر سر هم عده‌ای مجبورند شب را بی‌نان بگذرانند. جالب اینجاست که بعد از تمام شدن نان، زن‌ها و مردها دور هم جمع می‌شوند و برای هم درد دل می‌کنند و به رژیم فحش می‌دهند ... یک شب رفته بودم داروخانه‌ی جالینوس، مادری تعریف کرد که

اخیراً از طرف بانک خون به مدارس مراجعه می‌کنند و از کلیدی دانش‌آموزان برای مجروحین جیب‌ها خون می‌گیرند، از دختر همین مادر که در کلاس سوم راهنمایی است خون گرفته‌اند و حالش بهم خورده و وقتی او را به بیمارستان رسانده‌اند در حالت اغما بوده است..."

* برادری بنام "ع.ن" از کانادا در مورد انعکاس اقدامات برادر مجاهد مسعود رجوی که به قطع یک هفته‌ای بمباران شهرهای بی‌دفاع میهنمان منجر گردید، چنین می‌نویسد: "با چند تن از اعضای خانواده‌ام در اهواز صحبت کردم. همگی با خوشحالی از پیام برادر مسعود و تأثیر آن بر مردم صحبت می‌کردند. آنها می‌گفتند با هر کس برخورد می‌کنی ابراز خوشحالی می‌کند. فی‌المثل از زبان عده‌ای شنیده می‌شد که "رجوی واقعاً گل کاشت" و یا "دم مجاهدین گرم" همه امیدوار شده بودند. حتی آنهایی که تاکنون ساکت بودند. مردم اهواز گفته‌اند حداقل برای یک هفته که بنا بر پیام برادر مسعود، عراق یگانه‌اعلام قطع بمباران کرده خیالمان راحت است..."

* برادری با نام مستعار "م. پ. توانا" در مورد اخاذی‌های رژیم از کارگران در جهت تأمین هزینه‌های جنگی به اخراج یکی از کارگران یک کارخانه اشاره کرده و می‌نویسد: "کارگر فوق ۸ سال در کارخانه‌ی مزبور سابقه‌ی کار داشت. در ضمن علاوه بر کار، سال چهارم دبیرستان را هم می‌خوانده است. این کارگر جهت امتحانات خود به مدت ۱۰ روز غیبت می‌کند. پس از مراجعه به کارخانه، به او می‌گویند: "اخراج هستی!" کارگر مزبور برای پیگیری گزارش به اداره‌ی کار مراجعه می‌کند. آنجا به او می‌گویند: "یا درس نگنی." بعد از جروب‌بحث‌های زیاد، قرار می‌شود مبلغ ۷۵ هزار تومان بابت سابقه به او بدهند و او را اخراج کنند. هنگام دریافت پول فقط ۱۵ هزار تومان به او داده و می‌گویند "باقی مانده جهت مالیات و کمک به جیب‌های جنگ گسر شده‌است..."

* امارات متحده - برادر "جهانگیر" نامه‌ی شما را دریافت کردیم. با توجه به اینکه مدتی در اسارت بوده‌اید، گزارش کاملی از دوران اسارت خود برایمان بنویسید.

اخبار کوتاه

بازهم درباره‌ی اعدام‌های مخفیانه

پیرو اخبار مندرج در شماره‌ی ۱۹۵ نشریه‌ی مجاهد در رابطه با موج اعدام‌های مخفیانه در زندانهای کشور، ذیلاً اسامی تعداد دیگری از فرزندان دلیر خلق را که در ماه‌های آذر و دی سال گذشته توسط جلادان رژیم صیدبشری خمینی در تهران به جوخی تیرباران سپرده شده و به شهادت رسیده‌اند، ملاحظه می‌کنید. لازم به تذکر است که این شهدا در قطعه‌ی ۱۰۰ (محل دفن اطفال) بهشت زهرا خاک سپرده شده‌اند.

نام و فامیل	ردیف	شماره
۱- حسین امین جعفری	۱۵۱	۱
۲- عبدالمجید زاهدی	۱۵۱	۲۰
۳- عیسی حق‌پناه	۱۵۱	۱۷
۴- محمدرضا مرادی	۱۵۱	۱۵
۵- محمدرضا نصیری	۱۵۱	۱۳
۶- هومن میرزا طاهری (مستوفی)	۱۵۲	۱۴
۷- منوچهر صمدی	-	-
۸- سمیرا فدائی اردستانی	۱۳۴	-

گوشه‌ی از فعالیت هسته‌های مقاومت

* در اوایل اسفندماه سال گذشته دو تصویر بزرگ خمینی دجال که در خیابانهای سعدی (پائین‌تر از امیراعلم) و میرفخرائی (تهران نو) تهران نقاشی شده بود، توسط یک واحد از هسته‌های مقاومت با پاشیدن رنگ بر روی آنها، تخریب گردید.

* در تاریخ ۳۰ بهمن/۶۲ یک واحد از هسته‌های مقاومت دانش‌آموزان در تهران، شبانه‌وارد مدرسه‌ی مژگان (بنت‌الهدی) شده و سرتاسر دیوارهای مدرسه را از شعارهای "مرگ بر خمینی"، "صلح، صلح، آزادی" و... پر می‌کنند. این عمل انقلابی که باعث خوشحالی و هیجان دانش‌آموزان شده بود، در مقابل، مزدوران انجمن ضداسلامی این مدرسه را به شدت به‌خشم آورده بود، بطوریکه با عجله و دست‌پاچی به‌پاک کردن شعارها پرداختند.

* تبریز - ذیلاً به برخی از فعالیت‌های یکی از هسته‌های مقاومت در تبریز اشاره می‌کنیم.

- یکی از هسته‌های مقاومت در تبریز در هفته‌ی صلح، طی ۴ روز متوالی با چاپ تعداد زیادی اطلاعیه و تراکت حاوی شعارهایی برعلیه رژیم خمینی و سیاست‌های جنگ‌افروزانه‌ی آن و همچنین تبلیغ شعارهای صلح و آزادی و پخش آنها در ۱۵ نقطه‌ی شهر، به کار سیاسی - تبلیغی پرداخته و علاوه بر آنها تعداد ۱۲ شعار بزرگ را بر دیوار خیابانهای پر رفت و آمد شهر نوشته است.

- تخریب یکی از تصاویر خمینی دجال بوسیله‌ی پرتاب تخم‌مرغ حاوی رنگ در یکی از چهار راههای پر تردد تبریز.

* در هفته‌ی صلح (۱۶ تا ۲۳ دیماه/۶۲) تعداد زیادی تراکت حاوی شعارهای "مرگ بر خمینی"، "درود بر رجوی"، "زنده باد صلح و آزادی" و... توسط هسته‌های مقاومت در سطح شهر شاهرود پخش میگردد. بدنبال آن سپاه ضد خلقی که در مقابل این حرکت گسترده‌ی هسته‌های مقاومت، غافلگیر شده بود، وحشت‌زده در نقاط مختلف شهر مستقر شده و به دستگیری مردم می‌پردازد.

رژیم و فعالیت هسته‌های مقاومت

بدنبال فعالیت‌های گسترده‌ی سیاسی و تبلیغی - اجتماعی هسته‌های مقاومت، تلویزیون رژیم در فواصل برنامه‌های خود، خصوصاً قبل از پخش اخبار شبانگه‌ی، از "امت حزب‌الله" درخواست میکرده است که "هر حرکت مشکوک بازمانده‌های گروهکها را که این روزها اقدامات مذبحخانه‌ای انجام میدهند، به تلفن‌های... اطلاع دهند!"

"مفقودین"؟! جنگ

* "پیگرهای ۴ تن از شهیدان گلگون‌کفن زنجان که در حمله‌ی فتح خیبر به درجه‌ی شهادت رسیده بودند... در این شهر تشییع شد. تعداد ۷۸ نفر دیگر از شهدای این شهر در حمله‌ی خیبرمفقودالاشتر هستند."

* "مراسم بزرگداشت ۲۱ تن از شهدای نیروی دریائی برگزار شد... جهت شادی روح ۱۱ تن از شهدائی که فاقد جسد بودند، فاتحه قرائت شد."

(جمهوری - ۲۰/اسفند/۶۲)

* "نخست‌وزیر به اتفاق استاندار اصفهان عازم نجف‌آباد شد و در مراسمی که به‌مناسبت تشییع پیگرهای پاک شهدای عملیات پیروزمندانه‌ی (!) خیبر و نیز یادبود مفقودین ترتیب یافته بود، شرکت کرد."

(رادیو رژیم ۲/فروردین/۶۳)

فرم مخصوص نامه برای زندانیان

پیرو خبر مندرج در شماره‌ی ۱۹۰ نشریه‌ی مجاهد (مورخ ۲۰ بهمن/۶۲) مبنی بر ایجاد محدودیت نامه‌نگاری برای زندانیان سیاسی توسط رژیم، ذیلاً کلیشه‌ی فرم‌های مخصوصی که زندانیان مجبورند فقط از آن فرم‌ها برای نوشتن نامه به خانواده‌هایشان استفاده کنند، ملاحظه می‌کنید. ضمناً همانگونه که در پائین این برگ نیز نوشته شده است خانواده‌های اسرا نیز مجبورند تا جواب نامه را در پشت همین فرم بنویسند.

The form is titled "فرم" (Form) and is divided into several sections. At the top, it says "روی فرم" (On the form) and "پشت فرم" (Back of the form). There are fields for "نام و نام خانوادگی" (Name and family name) and "تاریخ" (Date). Below these are fields for "آدرس" (Address) and "شماره پستی" (Postal number). The main body of the form is a large rectangular area for writing the message. At the bottom, there are fields for "نام و نام خانوادگی" (Name and family name) and "تاریخ" (Date) for the recipient to fill out.

تهدیدات رفسنجانی

در مورد استفاده وسیع از بمب شیمیائی

رفسنجانی جنایتکار در نمایش جمعی تهران: "... بمبهای شیمیائی چیز مهمی نیست از لحاظ

ساختن، ایران در تمام خاورمیانه عظیم‌ترین کشوری است که کارخانه‌های شیمیائی دارد... ساختن گلوله و بمب هم هیچ کاری ندارد، انواع بمب‌سازی تو گشور ما هست، انواع گلوله‌سازی تو گشور ما هست، این گلوله‌های مثلاً صدوپنجاه اینچی که ما می‌سازیم و ۲۷، ۲۸ کیلومتر بُرد دارد اینها را می‌توانیم بجای مواد منفجره تویش مواد سمی بریزیم... اگر روزی کار به بن‌بست برسد... آن موقع مثل خودشان با آنها برخورد می‌کنیم و با زبان خودشان با آنها حرف می‌زنیم... کار بجائی خواهد رسید که هر شخصیت سیاسی، هر رئیس مملکتی اگر بخواهد جائی برود باید یک چمدان برای خودش لباس ضدشیمیائی و ماسک بردارد."

(رادیو رژیم ۳/فروردین/۶۳)

درگیری بین مردم

ومزدوران خمینی در رشت

براساس گزارش رسیده، روز چهارشنبه‌ی آخر سال گذشته (۲۴/اسفند/۶۲)، مزدوران خمینی در شهرستان رشت به مردمی که در کوچه و خیابان مشغول برگزاری مراسم "چهارشنبه سوری" بودند، حمله کرده و به آنها گفته‌اند که: "در این شرایط جنگی چرا شما خوشحالی می‌کنید." این عمل مزدوران با مقاومت مردم مواجه گردیده و به درگیری و زدو خورد بین مردم و مزدوران رژیم منجر شده است. در این درگیری مردم با تکرار شعار "مرگ بر خمینی"، خشم و انزجار خود را نسبت به رژیم خمینی ابراز داشته‌اند. بدنبال این جریان افراد بسیج و سپاه ضد خلقی در سطح شهر مستقر شده و رفت و آمد مردم را تحت کنترل قرار داده‌اند.

اعتراف ابلهانه

تبلیغات دجالگرانه

مصاحبه با یک پاسدار مزدور عضو گروه تخریب در برنامه‌ی رادیوئی سپاه (مورخ - ۲۸/اسفند/۶۲): "ما قبل از عملیات گارمان این است که جلوتر از رزمندگان حرکت کرده و میادین مین را پاکسازی می‌کنیم، تعدادی از برادران داوطلبانه روی میادین مین می‌روند. در این عملیات ما داوطلبانه روی مین رفتیم، پایمان به یک مین خورد و از جایش بیرون آمد (!) وقتی خواستیم آنها خنثی کنیم داخل آن نامه‌ی (!) به امضای مجاهدین انقلاب اسلامی عراق پیدا کردیم که نوشته بود، تمامی مین‌های این منطقه چاشنی ندارد!!"

اخاذی!

- "بنا به تصویب مجلس (ضد خلقی) از اول سال جدید برای هر نخ سیگار خارجی ۳ ریال مالیات وصول میشود."

(کیهان - ۲۳/اسفند/۶۲)

- "به دستور شورای اقتصاد مبنی بر افزایش نرخ سیگارهای خارجی از قرار هر نخ سه ریال کلیه‌ی مناطق و شعب و نمایندگی‌ها در سطح کشور موظفند از تاریخ ۲۵ اسفند ماه سال جاری (۶۲) بسته‌های ۲۰ عددی سیگار آزادی را به قیمت ۱۳۰ و بهمن را ۱۴۵ ریال به فروش برسانند."

(کیهان ۲۵/اسفند/۶۲)

- مدیر کل امور اقتصادی و دارائی استان آذربایجان غربی: "بعضی مؤدیان مالیاتی به موقع مالیات خودشان را پرداخت نمی‌کنند ما مالیات سال‌های ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ را امسال وصول کرده‌ایم."

(کیهان ۱۷/اسفند/۶۲)

فرازهایی از زندگی انقلابی مجاهد شهید محمود ضیغمی محمدی

محمود در طول فعالیت‌های مبارزاتی خود با تمام انرژی و توان به انجام مسئولیت‌هایش می‌پرداخت. در این رابطه همیشه در بین خواهران و برادرانش بعنوان فردی که به تنهایی از عهده‌ی انجام کار چندین نفر برمی‌آید مشهور بود. او پس از گذراندن یکدوره کلاسهای آموزشی تشکیلاتی در انجمن، در رابطه با تأثیرات این آموزش بر روی خودش نوشته بود: "هر چقدر آگاهی‌ام بالا می‌رود، همانقدر هم انرژی‌ام آزادتر می‌شود. بعبارتی هرچه آگاهی‌ام نسبت به حقانیت خطوط سیاسی-ایدئولوژیک سازمان بیشتر می‌شود، همانقدر هم سعی می‌کنم با کار و مسئولیت‌م وحدت بیشتری ایجاد کنم."

با چنین احساس مسئولیت انقلابی و عمیقی بود که مجاهد شهید محمود ضیغمی، علیرغم فعالیت‌های شبانه‌روزی و مستمرش، هیچگاه روحیه‌ی پریشاش و شاداب خود را از دست نمی‌داد.

درگذشت ناگهانی محمود در اثر سکنه‌ی مغزی، اگرچه ضایعه‌ی دردناکی برای تمامی خواهران و برادرانش بود، اما آنها همواره یاد و خاطره‌ی او را با تلاشی روزافزون در جهت آرمان‌های والای توحیدی مجاهدین - که محمود نیز با جان و دل به آنها ایمان داشت - زنده نگاه خواهند داشت.

یادش گرامی باد

بجنورد، فعالیت‌های خود را بطور مستقیم در رابطه با سازمان آغاز کرد. برگزاری نمایشگاه‌های عکس و کتاب، شرکت در برنامه‌های جمعی کوهنوردی و... از جمله کارهای او طی این مدت بود.

محمود در خردادماه سال ۵۸ به قصد تحصیل به کشور آلمان رفت و در آنجا فعالیت‌های خود را از طریق ارتباط با هواداران سازمان در شهر "بوخوم" ادامه داد. چندی بعد به هامبورگ رفت و مدت ۲ سال مسئولیت تیم‌های توزیع نشریه و مسئولیت واحد تبلیغی دانشجویان هوادار سازمان در آن شهر را عهده داشت.

پس از ۳۰ خرداد ۶۰ و آغاز مقاومت مسلحانه‌ی خلق به پیشتازی فرزندان مجاهدش در برابر خمینی جلاد و رژیم ضدبشری او، مبارزات و فعالیت‌های انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور نیز در جهت رساندن فریاد حق‌طلبانه‌ی خلق در زنجیرمان به گوش جهانیان و همگامی هرچه بیشتر با صفوف گسترده‌ی مقاومت سراسری، وارد مرحله‌ی نوین خود شد. در این مرحله نیز محمود همچون هزاران تن دیگر از خواهران و برادرانش در انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، با احساس مسئولیتی عمیق‌تر و کوشش و تلاشی بیشتر، پذیرای مسئولیت‌های نوین خود شد. از جمله پس از انتشار نشریه‌ی آلمانی زبان "ایران لیبراسیون"، محمود در قسمت تایپ این نشریه نقش مهمی داشت.



مجاهد شهید محمود ضیغمی محمدی در سال ۱۳۳۸ در شهر بجنورد دیده به جهان گشود. وی از سنین کودکی و همزمان با تحصیل در مغازه‌ی پدرش کار میکرد و در همین دوران فقر و محرومیت مردم را از نزدیک مشاهده و لمس می‌نمود.

محمود در سال ۵۶ با مطالعه‌ی کتابهای دکتر شریعتی تا حدودی با مسایل سیاسی آشنا شد.

وی در تظاهرات قبل از پیروزی قیام ۲۲ بهمن شرکت فعال داشت و در همین دوران بود که با مطالعه‌ی زندگی‌نامه‌ها و آثار و کتب سازمان مجاهدین خلق، کم‌کم با مواضع سازمان آشنا گردید. وی در برگزاری اولین تظاهرات مردم شهر بجنورد که به ابتکار دانشجویان انستیتوی این شهر ترتیب داده شده بود، نقش موثری داشت و بعد از آن نیز همچون دیگر هواداران سازمان، فعالانه در راه‌اندازی حرکت‌های مردمی بر علیه رژیم شاه خائن تلاش می‌کرد.

محمود پس از پیروزی قیام و تشکیل ستاد مجاهدین در شهر پیوند عمیق خود را با مقاومت سراسری و انقلاب نوین مردم ایران مستحکمتر کرد. در همین‌جا بار دیگر با محمود و سایر شهدای راه استقلال و آزادی ایران، تجدید عهد میکنیم که پرچم مقاومتی را که آنها برافراشته‌اند، همچنان برافراشته و در اهتزاز نگاه خواهیم داشت.

اطلاعیه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور به مناسبت درگذشت برادر مجاهد محمود ضیغمی محمدی عضو انجمن دانشجویان مسلمان آلمان

درهای زندانها و گورستانها را گشوده است و هر فریاد حق‌طلبانه و آزادیخواهانه‌ی را به بیرحمانه‌ترین شکل ممکن سرکوب می‌کند، درس نخست، درس آزادی است. او این ضرورت انقلاب را خیلی زود درک کرد و خیلی سریع خود را با نیازهای آن تطبیق داد و همگام با اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان به افشای جنایات خمینی و رساندن فریاد حق‌طلبی و مقاومت مشروع و عادلانه‌ی مردمان به گوش جهانیان پرداخت. او در این راه آنچنان خستگی‌ناپذیر کار میکرد که گاه به تنهایی کار یک تیم را انجام میداد و به تنهایی به برپائی آکسیون اقدام میکرد. بخصوص در مرحله‌ی فعالیت پشت جبهه‌ی اتحادیه، محمود بخوبی نقش انجمن‌ها را در این مرحله از انقلاب شکوهمند و نوین مردم ایران دریافته بود و با شایستگی انقلابی، تمام توان خود را با ضرورت‌های آن انطباق داده بود. از مسئولیت و کار بیشتر همواره استقبال میکرد. در انجام کارهای سخت و سنگین پیشقدم بود و برای انجام کارها، گاه در شبانه روز کمتر از چهار ساعت می‌خوابید. فردی منظم و منضبط بود، همواره سعی میکرد مسئولیت‌هایش را در زمان تعیین شده انجام دهد... او بحق یک عنصر ارزنده و بالنده و انقلابی در جریان مجاهد خلق بود که در مدت زمان کوتاهی توانسته بود خصوصیات انقلابی و صلاحیت‌های لازم را کسب کند.

"و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله، وکان الله غفورا رحیما!" و آنکس که از خانه و دیار خویش خارج شود در حالیکه در راه خدا و رسول او (و در راستای انجام تعهدات خدایی و خلقی‌اش) هجرت را برگزیده باشد و آنگاه مرگ او را دریابد همانا اجر و پاداش او بر خداست. و خدا آمرزنده و پررحمت است.

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران و بنام شهدای راه استقلال و آزادی ایران

با تأسف فراوان، اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور خبر درگذشت برادر مجاهد محمود ضیغمی محمدی عضو انجمن دانشجویان مسلمان آلمان غربی را به اطلاع می‌رساند.

برادر مجاهد محمود ضیغمی در سال ۵۸ جهت ادامه‌ی تحصیل به آلمان غربی رفت و پس از گذراندن مراحل مقدماتی وارد دانشگاه بوخوم شد و در رشته‌ی معدن‌شناسی به تحصیل پرداخت. وی که قبل از انقلاب ضدسلطنتی ۲۲ بهمن ۵۷ با مسائل سیاسی و همچنین نقطه‌نظرهای سازمان مجاهدین خلق ایران آشنا شده بود، در تظاهرات دوران قیام، در بجنورد - شهر زادگاه خود - شرکت کرده و به محض تشکیل جنبش ملی مجاهدین در شهر بجنورد به آن پیوست.

پس از مسافرت به آلمان در رابطه با انجمن دانشجویان مسلمان آلمان قرار گرفت و به فعالیت‌های سیاسی - تبلیغی در راستای افشای ماهیت رژیم ضدبشری خمینی پرداخت.

... محمود پس از ۳۰ خرداد ۶۰ و همزمان با شروع مقاومت مسلحانه‌ی سازمان، بصورت تمام‌وقت و حرفه‌ای به فعالیت و مبارزه‌ی خود ادامه داد. او بدرستی دریافته بود که در زمانیکه خمینی در ایران درهای دانشگاهها را بسته و

مرگ برخمینی - مرگ برامپریالیسم درود بر رجوی سلام بر صلح و آزادی پیش بسوی جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور هواداران مجاهدین خلق ایران ۲۶/اسفند/۶۲



تقویم هفته: از نهم تا پانزدهم فروردین ۱۳۶۳

- * ۱۰ فروردین (۱۳۲۶): شهادت قاضی محمد و ۱۵ تن دیگر از فرزندان دلیر خلق گرد توسط مزدوران شاه خائن
- * ۱۰ فروردین (۱۳۵۳): شهادت مجاهد خلق جواد ربیعی
- * ۱۳ فروردین (۱۳۰۰): قیام کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان
- * ۱۳ فروردین (۱۳۶۰): شهادت میلشای مجاهد خلق تیمور طالش‌شیرینی در رامسر
- * ۱۳ فروردین (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق مسعود ایزدخواه گرمانی
- * ۱۴ فروردین (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق محمود صادق‌نژاد
- * ۱۵ فروردین (۴/آوریل/۱۹۶۸): ترور مارتین لوتر کینگ رهبر سیاهپوستان آمریکا

پیام نوروزی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت آغاز سال ۱۳۶۳

تهاجمی ارتشهای کلاسیک حمله میکرد، حدوداً به یکهزار و پانصد تن رساندند. از آن پس نیز عملیات مقاومت در کردستان پیوسته ادامه داشته و برخی نقاط اشغال شده مجدداً آزاد شده و پیشمرگان کاملاً فعالند و عملیات آنها پیوسته در گنفت حمایتهای مردمی اوج میگیرد.

همچنین طی سالی که می‌گذرد، فروغ خونین مقاومت در جنگلهای شمال یا کوههای فارس و مناطق ساحلی و بلوچستان، نیز پیوسته شعله‌ور بود و برغم همه‌ی تبلیغات و قدرت نماییهای کاذب دشمن ضدبشری؛ باز هم دوام و قوام خواهد یافت.

هموطنان؛

شورای ملی مقاومت در سال ۶۲ چه در رابطه با مسائل داخلی و چه در صحنه‌ی بین‌المللی، حائز پیشرفت‌های بسیار ارزنده‌ای گردید. پیشرفت‌هایی که مضافاً بر تمامی زحمات اعضا و کلیه‌ی پشتیبانان شورا در خارج کشور، حقاً و در اساس به رنج و خون رزمندگان ما در داخل کشور متکی است و نیز در همین رابطه مشروعیت مبارزاتی و قانونی پیدا می‌کند.

یکی از مهمترین دستاوردهای مزبور، طرح مصوب شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران است که در چارچوب حاکمیت مردمی و تمامیت ارضی و وحدت ملی کشور، با تضمین و تعیین حق خودمختاری هموطنانمان در کردستان، به یکی از بغرنجترین مسائل خونبار تاریخ معاصر میهن ما، واقع‌گرایانه پاسخ می‌دهد. پاسخی که با مشخص نمودن صلاحیت‌های دولت مرکزی و تمیز آن از صلاحیت‌های ارگان‌های منطقه‌ی خودمختار، وسایل رفع ستم و استثمار مضاعف از ملیت ستمزده‌ی کرد را فراهم نموده و در این رابطه صلح و صفای داخلی و ملی را نیز تحکیم می‌کند.

بدیهی است که یک‌چنین راه حل و پاسخ دمکراتیک، ملی، مردمی و میهن‌پرستانه‌ای که هم تمامیت و وحدت کشور و هم حقوق هموطنان کردمان را تضمین می‌کند، بدلائل متعدد، تنها در عهده‌ی شورای ملی مقاومت بوده و در غیر اینصورت هیچ راه حل مرضی‌الاطراف وجود نداشت.

در سال ۶۲ همچنین در جهت افشاء و نامشروع کردن و منزوی نمودن هرچه بیشتر رژیم خمینی و معرفی و تثبیت تنها جانشین دمکراتیک و مستقل برای رژیم سرکوبگر او؛ اقدامات فوق‌العاده گسترده و مؤثری در سراسر جهان و در بسیاری مجامع بین‌المللی از سوی شورای ملی مقاومت و کلیه‌ی اعضا، نمایندگی‌ها و پشتیبانان آن در سطح جهانی صورت گرفت. چندین حرکت و مراسم هماهنگ بین‌المللی، از شب مقاومت کردستان گرفته تا مراسم سالگرد تأسیس شورا و سالگرد انقلاب ضدسلطنتی و نیز تظاهرات و راهپیمائی‌های برخی اعضای شورا مانند مجاهدین بمناسبت ۱۹ بهمن یا ۳۰ خرداد و کنفرانس‌ها و افشاکاری‌ها و اعتراضات و راهپیمائی‌های دائمی در رابطه با نقض حقوق بشر در برابر مهمترین مجامع بین‌المللی و یا در شهرهای مختلف جهان از این قبیل است که از حمایت قاطع افکار عمومی در کشورهای مختلف و تأییدات هزاران شخصیت برجسته‌ی سیاسی و اجتماعی و صدها حزب، سندیکا و مجامع دانشگاهی نیز برخوردار شده است. دهها جلسهی توضیحی که توسط نمایندگی‌های شورا در

بقیه‌ی صفحات ۲
داخلی و چه در سطح قوای بین‌المللی - بر سر اصول و در مورد سرنوشت خلق و انقلاب اجتناب ورزد؛ و اگر فی‌الواقع و در عمل (و نه تنها در حرف و شعار) بخواهد به حاکمیت ملی و مردمی دست یابد و از بسرقت برده شدن انقلاب و لگد مال کردن رنج و خون اسیران و شهیدان و تکرار فرصت‌طلبی‌ها و میوه‌چینی‌های دوران خمینی (تحت عناوین مختلف) ممانعت بعمل بیاورد؛ آنگاه اساساً جز اینکه قبل از هر چیز دیگر، راه قیام خلق را به هر بهایی "از پائین" جامد، در رابطه با یک جانشین واقعاً "دمکراتیک - انقلابی" هموار کند؛ چاره‌ای ندارد. اما تدارک یکچنان قیامی که سرنوشت و رهائی مردم ایران را تضمین کند، در قلب تپنده و فروزان خود، نیازمند حل مسایل مرکزی فوق‌الذکر و اول از همه، مسئله‌ی "ارتباطات و فرماندهی" است که تاکنون در بسیاری جنبش‌های معاصر بلا جواب مانده بود... خلاصه کنم: با آمادگی‌های موجود و قدمهایی که تا همین امروز در مسیر تدارک قیام و شکستن طلسم اختناق برداشته شده، لاقلاً می‌توان تضمین نمود که در چشم‌انداز معین و در چارچوب عوامل قابل محاسبه؛ در هر شکلی از اشکال تحول قابل پیش‌بینی برای ما؛ نهایتاً این انقلاب و آلترناتیو دمکراتیک است که در برابر ارتجاع خمینی و در برابر آلترناتیوهای ضددمکراتیک و وابسته (یا وابستگی‌گرا)، دست بالا را خواهد داشت.

پس در همینجا از فرد فرد شما در هر گجای ایران و جهان که هستید درخواست می‌کنم تا به هر طریق که میتوانید و به هر میزان که در توان دارید، به یاری مقاومت و رزمندگان قهرمان آن بشتابید و از هیچ کمکی هر چند اندک، فروگذار نکنید. تأمین مسکن، پول، لوازم زندگی و کار، سلاح و مهمات، دارو و غذا، رسیدگی به خانواده‌ی شهدا و اسرا، کسب اطلاعات، توزیع یا نقل و تکثیر اخبار و پیام‌ها، دست بدست کردن شعارها و دستورات روز و حتی یک آرزو یا دعای خیر، تماماً در این ردیف و بسیار ارزشمند و راهگشایند.

اما در رابطه با مقاومت منطقه‌ای و آنچه به هموطنان محروم و زحمتکش کردمان مربوط می‌شود؛ چنانکه میدانید از آغاز سال ۶۲ رژیم خمینی عزم جزم کرده بود تا بزعم خود مقاومت عادلانه‌ی آن سامان برای خودمختاری کردستان و برای دمکراسی در ایران را، بکلی نابود کند؛ آرزویی که برغم همه‌ی لشکرگشی‌ها و فجایع، همچنان ناکام ماند و پیشمرگان قهرمان کردستان، بویژه پیشمرگان دلیر نیروی اصلی مقاومت کردستان ایران یعنی حزب دمکرات، دوشادوش برادران مجاهدشان، توانستند با وارد کردن تلفات بسیار به نیروهای مهاجم دشمن، ناحیه‌ی مرکزی محل استقرار خود را اضافه بر بسیاری نقاط دیگر به بهای خون حفظ نمایند. در تهاجم وسیع پائیزی نیز، اگرچه رژیم خمینی تهاجم ضد خلقی به کردستان را با جنگ خود با عراق پیوند زد و علیه‌ی تجهیزات و نفرات بسیار زیادتری وارد نمود، و اگرچه قسمتهایی را نیز اشغال کرد، اما بهیچوجه نتوانست ضربه‌ی نابودکننده‌ای بر مقاومت کردستان وارد کند و علیه‌ی در نابود کردن مقاومت کردستان گماکان ناکام ماند و اضافه بر این پیشمرگان مجاهد و دمکرات در قبال شهدای انگشت‌شمار خود، با قهرمانی و جسارت تمام، تلفات دشمن را که با توپخانه‌ی سنگین و سلاحهای

کشورهای مختلف برگزار شده، صدها مصاحبه‌ی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی، چندین هزار ملاقات اثربخش سیاسی، در جریان قرار دادن بسیاری از پارلمان‌های جهان و همچنین مطلع نمودن نزدیک به صد دولت از نقض شدید حقوق بشر و سیاست جنگ و اختناق خمینی در ایران و در همین رابطه پخش توزیع هزاران هزار نشریه و نامه و اطلاعات و تراکت و اوراق تبلیغاتی در بسیاری از شهرهای دنیا؛ بخش دیگری از فعالیت‌های شورای ملی مقاومت در خارج از کشور طی سال گذشته است که جهانیان را بیش از پیش با جنایات خمینی و وضع و حال میهن اسیر ما و نیز با مواضع و برنامه‌های شورای ملی مقاومت آشنا کرده است. بنحوی که امروز به جرأت می‌توان گفت که در بسیاری از کشورها، اکثر مردم از خمینی بمشابه‌ی الگوی ضدیت با بشریت و ضدیت با هر آنچه انسانی و مردمی است، متنفرند و سقوط او را آرزو می‌کنند. گماینکه بسیاری از دولت‌ها نیز به ناماندگاری این چنین رژیم نامشروعی پی برده و آشکار و پنهان به ابعاد و عظمت مقاومت عادلانه‌ی مردم ما و قدرت و جدیت آلترناتیو دمکراتیک و صلح‌طلب یعنی شورای ملی مقاومت، اذعان می‌کنند.

دو هفته‌ی پیش، گزارش سالیانه‌ی دبیر کل ملل متحد به کمیسیون حقوق بشر درباره‌ی ایران که حاکی از محکومیت شدید رژیم خمینی بود، نیز انتشار یافت که بر گستردگی و وسعت شکایات و موارد موثق پیرامون نقض حقوق بشر در ایران تصریح نموده و اکیداً بر نمونه‌ها و اسناد و شهود عینی که از جانب ما (شورا) ارائه شده است؛ مبتنی بود و رژیم خمینی را بیش از پیش در انظار جهانیان رسوا نمود. فهرست مشخصات نزدیک به ۸۰۰۰ تن از شهدای مجاهد و مبارز و همچنین اسامی صدها زندان و شکنجه‌گر خمینی، همراه با بسیاری اسناد دیگر نیز در سراسر جهان توزیع شده و توجیهات انسانی و سیاسی گسترده‌ای برانگیخته است. در همین‌جا از فرد فرد شما درخواست می‌کنم که اخبار و گزارشات تکان‌دهنده‌ی شکنجه‌گاه‌های رژیم خمینی را بیشتر مدنظر قرار دهید.

باین ترتیب هم ابعاد غیرقابل توصیف جنایات او و هم عظمت و عمق شگرف مقاومت رشیدترین، پاک‌ترین و آگاه‌ترین فرزندان و خواهران و برادران خود را بهتر دریافت خواهید نمود. پیام اینهمه قهرمانی و مقاومت و حماسه، علیرغم آنهمه رذالت و شقاوت، یک کلام بیش نیست: مبارزات تاریخی مردم ایران به انگاء چنین فرزندان پاکباز و پیشتازی، قطعاً در آستانه‌ی پیروزی است. آری رژیم خمینی سرنگون می‌شود و پرچم پایدار صلح و آزادی به اهتزاز در خواهد آمد.

هموطنان؛

چنانکه می‌دانید در سالی که گذشت خمینی به ۵ رشته تهاجمات وسیع نظامی بر علیه عراق تحت عنوان "الفجر" مبادرت ورزید تا شاید یک رژیم باصلاح اسلامی از نوع خمینی در آن کشور بر سر کار بیاورد. البته حاصل این ماجراجوئی‌ها در جنگی که مدت‌هاست تنها خمینی خواستار ادامه‌ی آن است؛ جز افزودن صدها هزار تن دیگر بر شمار قربانیان و مجروحان جنگ نبود. جنگی که اکنون شمار کشته‌ها و

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

پیام نوروزی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت آغاز سال ۱۳۶۳

خونین خود با دشمن غدار خلقمان، بسا جدی‌تر و مسئول‌تر از آنیم که قضاوت درباره‌ی چند و چون رژیم‌های کشورهای همسایه را، مبرم‌ترین وظیفه‌ی روز تلقی نموده و یا پرداختن تبلیغاتی به آنها، سرپوش پشت پا زدن به اساسی‌ترین و ضروری‌ترین وظایف ملی و انقلابی خود در قبال سرنوشت مردم و میهنمان، قرار دهیم. امروز نخستین وظیفه‌ی ملی و استراتژیکی ما و همه‌ی نیروهای رزمنده‌ی مردمی و انقلابی، تسریع در سرنگونی خمینی است. تا پیش از این موجودیت و تمامیت سرنوشت خلق و وطن ما را به مخاطره نیفکند. از این بیشتر، ما به مثابه‌ی تنها آلترناتیو مستقل و دمکراتیکی که از پایگاه گسترده‌ی اجتماعی و قدرت آتش نظامی نیز برخوردار است؛ باید در چارچوب اصول ملی مردمی و استقلال‌طلبانه‌ی خود و با استفاده از کلیه‌ی وسایل مشروع، خمینی را در سطح جهانی نیز منفرد ساخته و همه‌ی تضادهای منطقه‌ای و جهانی موجود را برعلیه او فعال و بهره‌ور سازیم و راه قیام را هر چه بیشتر و سریع‌تر هموار نمائیم. در حقیقت همه‌ی این رهنمودها از آنجا بیرون می‌آید که ما (شورا) فی‌الواقع در صدد سرنگونی خمینی و استقرار آزادی و حاکمیت مردمی هستیم و تا بحال نیز سنگین‌ترین بهای پر رنج و خون برای احراز آن را پرداخته‌ایم.

اکنون با اشراف به ویژگی‌های عملی و نظری این دو قطب متضاد (رژیم خمینی و آلترناتیو دمکراتیک) که مبارزه‌ی آشتی‌ناپذیر و قهرآمیز میان این دو، دینامیسم و موتور محرک اصلی در رویدادهای ایران خونین و مقاوم سال‌های اخیر است؛ می‌توان به معیارها و شاخص‌های مختلفی نیز برای ارزیابی همه‌ی افراد و جریاناتی که در میانه‌ی این دو قطب و در طیف فیما بین آنها، حرکت می‌کنند و موضع می‌گیرند، دست یافت و همچنین فهمید که در هر مورد مشخص تا کجا و به چه میزان با یکی از طرفین همخوانی و یا ناهمخوانی دارند. راستی در میان این دو قطب متضاد، پیروزی نهائی با کدام طرف است؟

تاریخ ثابت کرده است که سیر مداوم از قلمرو اجبار و بندگی بجانب آزادی، خدشه‌ناپذیرترین منطق تعالی است. بطور خاص نیز، حق همه‌ی شکوفه‌ها و لاله‌های خورنگ بهاری و به حرمت همه‌ی شهدا و اسیران مقاومت قهرمانانه‌ی ایران، بسیاری شرایط و عوامل داخلی و بین‌المللی، ناپایداری، سیه‌روزی و ذوب روزافزون ذخائر ظلمت و تباهی خمینی را از یکسو و نوروژی و پیروزی مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران را از سوی دیگر، گواهی می‌دهد.

مرگ بر خمینی - زنده باد صلح و آزادی
مسئول شورای ملی مقاومت
مسعود رجوی

۱۳۶۲/۲۹/اسفند

خجسته سالروز ملی شدن صنعت نفت برهبری
پیشوای فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق

خودبخودی سوار شد و در هر قدم با نادیده گرفتن یا لگدمال کردن خون رشیدترین فرزندان خلق، اوج گرفت و پیوسته از جهاد و مبارزه‌ی مسلحانه و ارتقاء و تکامل انقلاب به مدارج بالاتر ممانعت کرد؛ اما دیگری ناگزیر است با تکیه بر عنصر آگاه، مبارزه‌ی سراسری مسلحانه را بمثابه‌ی شکل محوری نبرد، سازمان داده و با تدارک قیام عمومی دیوار اختناق مطلق را در هم بشکند...

در همین راستا به تفاوت‌های عظیم کیفی میان نحوه‌ی برخورد خمینی و شورای ملی مقاومت با مسائلی از قبیل حقوق زنان و ملیت‌های تحت ستم یا اقلیت‌های مختلف مذهبی نیز می‌توان پی برد. همین اختلافات است که اکنون در مجموع، چهره‌ی تنها آلترناتیو دمکراتیک یعنی شورای ملی مقاومت را، بمثابه‌ی مشر صلح و آزادی و نویدبخش استقلال و حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی در داخل کشور و در عرصه‌ی بین‌المللی تا حدود زیادی تثبیت کرده است. به همین ترتیب درحالیکه امروز زبان حال خمینی "جنگ، جنگ، اختناق" است، ولی ما فریاد می‌زنیم: "صلح، صلح، آزادی" و درست در شرایطی که او "تنور جنگ" را به بهای هزاران جنازه‌ای که هر روز در گوشه و کنار کشور تشییع می‌شود، هرچه داغتر می‌خواهد و برای دستگیری و شکار مشمول، گشتی‌های مختلف تشکیل می‌دهد، ما دقیقاً بخاطر آزادی و استقلال و تمامیت میهنمان، هرگونه همدمی و دمیدن مستقیم و غیرمستقیم در تنور جنگ و اختناق خمینی را محکوم نموده و با سرافرازی و افتخار تمام، همه‌ی سربازان و پرسنل ملی و مردمی ارتش را به تحریم جنگ و به ترک جبهه‌های جنگ‌افروزی ضدملی و جبهه‌های صدور ارتجاع فرامی‌خوانیم و بار دیگر تکرار می‌کنیم که بایستی همه‌ی سلاح‌ها را به جانب خمینی و دژخیمان مزدورش نشانه روند.

آری ما که خود در بدو ورود قوای عراقی و تجاوز آنها به خاک میهنمان، با آنها می‌جنگیدیم، ولی در همان حال از پشت نیز مورد حمله و هدف آتش مزدوران خمینی - یعنی همان‌هایی که خود از آغاز با شعار صدور انقلاب و بسیاری تحریکات دیگر این جنگ را زمینه‌سازی کرده بودند - بودیم؛ از آن هنگام که ثابت گردید دولت عراق نیازمند و خواهان صلح است، بر مبنای تمامیت ارضی و استقلال کامل هر دو کشور و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، با او بیانی‌ی صلح امضا کردیم و همچنین در طرح صلح شورای ملی مقاومت، همه‌ی مواضع و مسائل و حقوق حقه‌ی میهن خود را گنجانده و حتی برای مسئله‌ی غرامات ایران، مراجعه به دادگاه بین‌المللی را ضروری شمردیم.

از طرف دیگر از آنجا که از آغاز به صدور ارتجاع و دخالت در امور داخلی همسایگانمان اعتقادی نداشته و نداریم و بخصوص اکنون برای بازسازی خرابکاری‌ها و پاکسازی افتضاحات خمینی، چندین دهه گار و تلاش مداوم در برابر خود می‌بینیم، بار دیگر تصریح می‌کنیم که:

برغم اینکه برای ارزیابی هر شخص یا جریان یا نظام مشخص سیاسی - اجتماعی، معیارهای ماهوی دمکراتیک و استقلال‌طلبانه‌ی خاص خود را داریم؛ اما در گرماگرم نبرد تمام‌عیار و سراپا

مجروحین آن از یک میلیون نیز درگذشته است. حال آنکه در سراسر امسال نیز پیوسته یک صلح عادلانه در دسترس بود. گماینکه در نخستین روزهای سالی که لحظات پایانی آنرا می‌گذرانیم، دولت عراق طی جوابیه‌ی رسمی که در پاسخ به طرح صلح شورای ملی مقاومت ارسال نمود، رسماً اطلاع داد که طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران را به عنوان مبنای قابل قبولی برای آغاز مذاکرات صلح می‌پذیرد. سپس این طرح که اغلب دولت‌ها و مجامع بین‌المللی از آن مطلع شده‌اند، مورد استقبال بسیاری از نیروها و احزاب سیاسی و گروه‌بندی‌های پارلمانی در سراسر جهان قرار گرفت. منجمله در اوایل سال ۶۲ که شورای ملی مقاومت به عنوان ناظر به شانزدهمین کنگره‌ی بین‌المللی سوسیالیست دعوت شده بود، طرح مزبور در این بین‌الملل که معرف ۲۱۰ میلیون رأی‌دهنده در سراسر جهان و دربرگیرنده‌ی ۱۶ دولت حاکم و ۱۳۶ حزب و سازمان بین‌المللی و سندیکائی از ۹۵ کشور جهان بود، مورد تأیید قرار گرفت و به عنوان یکی از راه‌حل‌های قابل قبول برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، پیشنهاد گردید.

همچنین در دیماه گذشته بدنال اجلاس پارلمانی گروه سوسیالیست پارلمان اروپا در پاریس، و توافق بر سر قطعنامه‌ای که مفاد آن اساساً همانند طرح صلح شورای ملی مقاومت بود؛ پارلمان اروپا بطور یکپارچه و با همه‌ی گروه‌بندی‌های پارلمانی مختلف، به اتفاق آراء قطعنامه‌ی مزبور را به تصویب رساند.

یکماه بعد همزمان با قطع یکپهفته‌ای بمباران شهرها و غیرنظامیان ایران از جانب عراق، فعالیت‌های شورا بر سر مسئله‌ی صلح اوج تازه‌ای گرفت و بسیاری موضع‌گیری‌های بین‌المللی را برانگیخت و یا آنها را تسریع نمود. باین ترتیب؛ جنگ‌طلبی خمینی در انزوای مطلق داخلی و بین‌المللی قرار گرفت و جهانیان فهمیدند که اکنون فقط خمینی است که در بحبوحه‌ی درماندگی در برابر خلق و مقاومت عادلانه‌اش، برای به تأخیر افکندن سقوط قطعی خود، "جنگ" می‌طلبد... و در این مسیر حتی از عقد قرارداد مصونیت غیرنظامیان از بمباران و گلوله‌باران سر باز می‌زند تا مبادا با مال قدیمی بسوی صلح تلقی شود.

هموطنان؛

اینجاست که براساس تمامی آنچه فوقاً در ارتباط با هدف‌ها و خطوط مبارزاتی و سیاسی شورای ملی مقاومت عرض شد؛ بروشنی می‌توان فهمید که چرا دیکتاتوری ارتجاعی خمینی با بدیل دمکراتیک - ترقیخواه شورای ملی مقاومت، در ابعاد و زوایای مختلف بمثابه‌ی دو قطب بگلی متضاد، تا به این حد رودرروی یکدیگر قرار گرفته‌اند. نحوه‌ی برخورد و نگرش ایندو با امر حاکمیت و ولایت و شیوه‌ی سرنگونی قدرت حاکم و امر جایگزینی، بوضوح می‌تواند تفاوت کیفی عظیم میان نحوه‌ی استفاده و برخورد با قدرت حکومتی از جانب آندو را نیز توضیح بدهد. چرا که یکی به آنچه خود ولایت فقیه می‌نامد، حکم می‌راند. حال آنکه دیگری اساساً در پرتو پرچمداری آزادی و ضدیت با استبداد مذهبی، رشد کرده است. یکی بر موج عظیم جنبش

افشاء بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

**اطلاعیه اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان
خارج از کشور به مناسبت درگذشت
برادر مجاهد محمود ضیغمی محمدی
عضو انجمن دانشجویان مسلمان آلمان**

"هر چقدر آگاهی ام بالا می رود، همانقدر هم انرژی ام آزادتر می شود. عبارتی هرچقدر آگاهی ام نسبت به حقانیت خطوط سیاسی - ایدئولوژیک سازمان بیشتر می شود، همانقدر هم سعی می کنم با کار و مسئولیت وحدت بیشتری ایجاد کنم."

در صفحه ۲۱

اخبار کوتاه

- * بازهم درباره اعدام های مخفیانه
- * گوشه ای از فعالیت های هسته های مقاومت
- * رژیم و فعالیت هسته های مقاومت
- * "مفقودین"؟! جنگ
- * تهدیدات رفسنجانی در مورد استفاده وسیع از بمب شیمیایی
- * فرم مخصوص نامه برای زندانیان
- * درگیری بین مردم و مزدوران خمینی در رشت
- * اعتراف ابلهانه، تبلیغات دجالگرانه در صفحه ۲۰

**پیرامون
تحقیقات و اختراعات و اکتشافات
"جهاد دانشگاهی"!!**

در صفحه ۷

**تسلیت بمناسبت
فاجعه زلزله در مشهد
وسیل درخوزستان**

مجاهدین خلق ایران فاجعه ای اخیر زلزله در مشهد و شهرهای شمالی استان خراسان و همچنین فاجعه ای سیل در استان خوزستان را که طی آن تعدادی از هموطنانمان جان خود را از دست دادند و به خانه های مردم و زمینهای کشاورزی منطقه نیز آسیب رسید، به تمامی مردم میهنمان، بویژه اهالی این دو استان و خانواده های مصیبت دیده تسلیت می گویند.

**اطلاعیه های
نظامی
مجاهدین خلق
ایران
مرکز کردستان**

در صفحه ۴

**۴ فروردین (۲۰ جمادی الثانی)
سالروز ولادت
حضرت فاطمه (ع) را به عموم مسلمانان
تبریک و تهنیت می گوئیم**

پاسخ به نامه های رسیده

کوشش فراوانی که داشتیم مناسبانه نتوانستیم پاسخ های مناسب به همه ای آنها داده و یا قسمت هایی از آنها را درج نمائیم. اما باز هم از شما می خواهیم که در سال جدید ارتباط خود را با ما فعال تر نمائید. منتظر اخبار، گزارشات و نامه های شما هستیم. * "پدر"ی که شغلش رانندگی می باشد، از تهران ضمن ارسال نامه ای مفصلی، درباره ی درماندگی رژیم در زمینه اعزام نیرو به جبهه های جنگ نوشته و علت اصرار ضدانسانی رژیم در ادامه ی خائنانه ی جنگ را چنین توضیح می دهد: "بیشترین منبعی که رژیم برای اعزام افراد بقیه در صفحه ۱۹

خواهران و برادران عزیز؛ سال جدید را با تبریک و آرزوی موفقیت و پیروزی برای تک تک شما آغاز می کنیم. امیدواریم که سال آینده نیز مقاومت عادلانه ی خلقمان بر علیه رژیم ضدبشری خمینی، بیش از پیش ارتقاء و گسترش یافته و سرشار از پیروزی های چشمگیر برای انقلاب نوین و رهائی بخش میهنمان در مسیر تحقق صلح و آزادی باشد. در سال گذشته هر روز ارتباط شما با ما تقویت شد و ما شاهد افزایش روزافزون نامه ها و گزارشات شما بودیم. همچنانکه بارها نیز نوشته ایم تعداد نامه های رسیده به ما آنقدر زیاد بود که ما علیرغم

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با آدرس زیر مکتب کنید:

B.P.18 95430
AUVERS_SUR_OISE
FRANCE

فرانسه

کمک های مالی خود را به یکی از حساب های زیر واریز نموده و حواله ای آنرا به یکی از آدرس های مقابل ارسال دارید:

انگلستان
Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ
England
A-Khodabandeh
N. 91082078

از خارج فرانسه
BANK SOCIETE GENERAL
N°:58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA
(PARIS FRANCE) code guichet 03002

در داخل فرانسه
B.N.P. PONTOISE 1269652

هم میهنان!
در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت های مالی است. حتی از کمک های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تاثیرات آن کم بها ندهید. کمک های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته های مقاومت و میلشای مجاهد خلق برسانید.

برای آجونه شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ آگانه ای پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمائید:

فرانسه
A.E.M B.P49
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: _____
Prénom: _____
Adresse: _____
بهای اشتراک:

- سه ماهه معادل ۱۲ دلار
- شش ماهه " / ۲۳ دلار
- یکساله " / ۴۴ دلار

نامه های خود را برای "مجاهد" و هم چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس های زیر ارسال دارید:
انگلستان
BM BOX 9090
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

اتریش
Pf:6
1110 WIEN
AUSTRIA

آلمان
Pf.: 800552
5_Köln 80
W_Germany

فرانسه
B.P 214
92108 BOULOGNE
BILLANCOURT
CEDEX
PARIS FRANCE

دستور محوری روز:
گسترش هسته های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام رهائی بخش عمومی